

God  
Passes By

# کتاب قرن بیع

« نوروز ۱۰۱ »

قسمت سوم

دوره حضرت عبدالمجید

۱۳۰۹ - ۱۳۴۰ ق. هـ

۱۸۶۲ - ۱۹۲۱ میلادی

آرکات المہر حضرت ولی امر اللہ

ارواحنا لعنا یا لہ العظیمہ قدا

## فہرست

صفحہ		
۱	عهد و میثاق حضرت بہار اللہ	فصل چہارم و ہفتم
۲۵	عصیان و مخالفت غصن کبیر «میرزا محمد علی»	فصل نائز و ہفتم
۵۴	طلوع و استقرار امر اللہ در غرب	فصل شانزہم
۱۰۵	تجدید سخن حضرت عبدالمجید	فصل ہفدہم
۱۴۵	استقرار عرش مظہر حضرت رب اعلیٰ در جبل کرم	فصل سجدہم
۱۶۷	سفر حضرت عبدالبہا با روپ و امریک	فصل نوزدہم
۲۵۱	بسط و انتشار امر اللہ در شرق و غرب	فصل بیستم
۳۰۸	صعود حضرت عبدالبہا	فصل بیست و یکم

## فصل چهاردهم

### عهد ویشاق حضرت بهار

در اوراق و صفحات قبلیه طلوع امر متعس آسی و سطوع انوار یزدانی از  
دو سیه عظم ربانی طی پنجاه سال اولیه این ظهور اربع فخم تبیین دشون و اما  
مربوط با موریت خطیر این دو کواکب منیر و دشمس ساطع فلک اشیر درون و  
گردید و اگر در پاره ای از موارد بد کبر نیات و دقائق حیات آن دو مظهر است  
رحمانی پر اهنمت و تحقیق و تدقیق حوادث مألوف گردید صرفاً از لحاظ آن است  
که این حقایق و وقایع منادی صبح هدایت و بشر حلول استقرار ایام مبارکی است

که مورخین آئینه عالم انرا اعلی و اشرف احیان عصر رسولی و در بهائی که تقیام و  
 شهادت بی نظیر پروان باسلان امراتد مزین است یا خواهند نمود و آنچه  
 بعد از محمود و اخیر این قرن انوع اقوام از آسمان اراده مالک قدم ظاهر در خیر  
 غیب بعرضه شهود آمدنی تحقیقه شواهد حلیه و مظاہر بنیه از قوای ساریه فائضه است  
 که از اشراق انوار صمدانی از آن در مهبوط وحی الهی در مدت پنجاه سال متوالی  
 ساطع و لامع گردیده است .

قوه قدسیه الهیه که هدف اعلی و مقصد انسانیس احیاء عالم و تهذیب و تربیت  
 اعم است در لیله تاریخی که حضرت بشر اعظم قیام و رسالت مقدس خویش را  
 بدین طریقه شیراز جناب باب الباب اعلام فرمود قدم بعرضه وجود نماید و با اشراق  
 شمس حقیقت از افق مظلم سیاه چال در ارض طابو تجلی روح اعظم بر قلب ارق  
 اصغای سلطان قدم حیات و شنه تازه پذیرفت و بهیوب نسام سبحان انظار

ام حضرت رحمان و حسین حرکت از بغداد لمعان بی اندازه حاصل نمود و در اوقات  
 پر همت بتبعید آن سر عظمت الهیه در ارض سمر با علاذره احراق و صل کرد  
 و قدرت و اعتقاد بنائی آن هنگامی مشهود و عیان شد که شارع قدر خطابات  
 و اندازات همین خویش ابلاطین ارض در و سامی ادیان ابلاغ فرمود و تا  
 لطیفه ختمیه اش موعی زینت بخش عالم وجود گردید که مبادی سامیه و ماسیسات  
 بدیه و سخن و احکام مقدسه اش در سخن حکما از راعه مالک اسما غر نزول یافت و ما چون  
 بر اهل امکان ببدول گشت .

برای آنکه قوای فائقه محیطه که از نسبت نافذه بجانیه سر چشمه گرفته پس از  
 انول تیر توحید از خیر امکان و طلوع و اشراقش از مطلع لامکان در مجاری حقیقیه  
 خویش سیران یابد و وحدت و عظمت آن محفوظ ماند جمال اقدس اسی اساسی  
 منصوص و بنسیانی مرصوص که با قدرت و قوت بالعه مخصص و بانفس منصوص

شایع عظیم مؤسس و موجد این کور اربع فخرم مرتب و پیوسته است بنهاد آن  
 اساس تاسیس میشتاق حقیقین و پیمان حضرت رب العالمین است که  
 اصول و دعائم آن را طلعت نور از قبل از عروج بعالم بقا کمال منانت و  
 اتقان بنیان فرمود این عهد شوق میشتاق خلیفه همان عهد قدیم و منجوقی  
 است که از قبل در کتاب مستطاب اقدس تصریح گردیده و شکل قدیم  
 المقدس هنگامی که عائد مبارک در ایام قرب بصعود و آخرین توابع آن مجی هم  
 در بالین مبارک مجتمع شده بودند بدان اشاره فرمود و آن را در کتاب و  
 خود که در کتاب عهدی ملقب و موصوف است مندرج ساخت آن  
 و دیعه الهیه را در همان احیان بنصن عظم و مرکز عهداتم اقدس سپرد  
 کتاب عهد که بقلم اعلی فرمود و بنجامت منقوش بود در یوم نهم از صعود  
 مقصود و عالمیان در حضور زینب از نخستین اصحاب و تاسیس سده تقدیر

منقوح گردید و بعد از ظهر همان یوم نیمه آن یق مشور و کتاب  
 مسطور که از ملک میراجی به «اکبر الواح» موسوم و در رساله ابن زینب  
 به «صحیفه سمر» موصوف و منقوت در بین جمیع کتیری از انحصان  
 و افغان فرارین و مجاورین که در جوار روضه مقدسه علیا مجتمع شده بودند تلاوت  
 گردید و قلوب اهل یقین از مضامین آن سفر بسین و لوح متین شایسته  
 کبری حاصل نمود و اسنه اهل وفاق بسپاس نیر افاق مالوف شد  
 عهد و میشتاقی که جمال اقدس ابھی تاسیس فرمود در کتب  
 و صحف مقدسه و الواح و زبر سمانیه در اعصار و ادوار ماضیه حتی در  
 بین آثار مبارک حضرت رب اعلی نظیر و شیل ندارد چه که در چپک  
 از شرایح و ادیان ساله چنین میشتاق عظیم و پیمان تویم که در این دور  
 کریم نبیان گردیده موجود نیست چنین قدرت و اختیار عظیم که نص

صیح من دون تاویل و تلویح از طرف شاعر قدیر مگر که منصوص و متعین مخصوص  
عنایت شده مذکور و مشهود نه.

حضرت عبدالباقی مرکز عهد و پیمان الهی در بیان عظمت اصالت  
این میثاق ابداع منع یزدانی میفرماید قوله العزیز «از اول ابداع  
تا یومنا بدو ظهور مظاہر مقدسه چنین عهد محکم متینی گرفته نشده» و نیز  
میفرماید «بدی است که محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است  
و بس» و در مقام دیگر مذکور «بدان عروه و ثقی که از اول ابداع در  
زبر و الواح صحف اولی نازل عهد و میثاق است ایمان پیمان  
مختار علی الاطلاق» و هم چنین «سراج میثاق نور آفاق است  
و از قلم علی بجزئی پیمان» «رب مجید در ظل شجره ایضا عهدی  
جدید است و میثاق عظیمی نبیست... آیا در هیچ عهد و عصری در زمان

و قرنی چنین عهدی تحقق یافته و یا میثاقی با بر قلم اعلی دیده شده  
لا والله» و ایضا میفرماید «قوه میثاق مانند حرارت آفتاب است  
که جمیع کائنات از سیئه راتر بیت نماید و نشو و نما بخشد بهم چنین نور  
میثاق عالم عقول و نفوس و قلوب ارواح را تربیت نماید»  
در الواح و آثار مقدسه این عهد و پیمان حضرت رحمان «الذی  
اخذہ اللہ فی ذالبقا» به «عهد او فی» و «میزان کل شیء»  
و «معناطیس تأیید» و «لوا المقصود» و «عهد تقویم» و «میثاق  
عظیم الهی که در ادوار مقدسه ماضیه عدیل و ثیل آن مشاهده  
شده... و یکی از مظاہر شاخصه و شئون ممتازه این کور اعظم محسوب  
موسوم و موصوف گردیده است.

جمال قدم جلال اسمه الاعظم این عهد محکم پیمان اتم اقوم را که در

مکاشفات یوحنا به «تابوت عهد» مظهر و در کلمات مبارکه گفته  
 باجماع در ظل «شجره انبیا» مذکور در مقامات دیگر به «سفینه النجات»  
 و «آبل المدد و بین الارض و السماء» منقوت گردیده در کتاب وصیت  
 خود تنصیف و بصرف فضل و کرمت با اهل عالم غایت و نمودن این مشو  
 مقدس مع کتاب مستطاب اقدس و بعضی الواح منزله از مخزن قلم اعلی  
 که در آن مقامات منسیه حضرت عبد البهار بصراحت بیان فرمود  
 و شرح گردیده در عین و حسن تفسیری را تشکیل میدهد که رب  
 میثاق بنف الهیته علی الآفاق پس از صعود مبارکش برای حفظ و وقایف  
 مرکز عهد و بین آیات و مهندس نظم بدیع و طراح تائیسات جلیده  
 بهیه اش مقرر و مقدر فرموده است.

در این لوح کریم و سفیر تویم شایع علیم و عظیم «میراث مرفوعه»

لا عدل له، را که از برای «دو آتش» باقی گذاشته تبیین و مقام عظمت  
 از آن مکتوف میفرماید و بار دیگر مقصود از «انزال آیات و اهل انبیات»  
 را تصریح و «اسل عالم» را با آنچه «سبب ارتفاع مقامات» است  
 وصیت مینماید و در بیان «حقیقته غاسلف» قلم خود بر اعمال با ضمیمه میکند  
 عظمت مقام انسانی را شرح و مقصد اصلیه از تائیس «مذنب الهی»  
 و ظهور مظاهر مقدسه سبحانی را تبیین و مستطابین در ظل کلمه الهیه را نصیحت  
 مینماید که در باره «مظاهر قدرت و مطالع عزت و شروت حق» یعنی  
 ملوک و سلاطین ارض دعا کند. حکومت ارض را با آن نفوس عیانت  
 و دانش قلوب را از برای خود مستتر مینماید «تراجع و جدال» را عظیم  
 مینماید و باعانت «مظاهر حکم و مطالع امر که بطره از عدل و انصاف  
 فرزند اند» امر را که مینماید. انحصان سید و مقدسه را با این خطاب اعلی «یا

انحصانی در وجود قوت عظیمه و قدرت کامله مکنون دستور با وجهه  
 اتحاد و ناظر باشید مخاطب انحصان افغان و سبب شجره تقدیر  
 را وصیت نماید که «طراغی عظمی نامظر باشد» و تصحیح میفرماید که  
 از آیه مبارکه «من اراده الله الذی انشعب من ذوالاصول القدیم» که در کتابت  
 اقدس نازل شده مقصود «غصن عظمی» بوده و مقام غصن اکبر را بعد از  
 مقام غصن اعظم مقدر میفرماید. احترام و ملاحظه انحصان را بر کل فرض و  
 لازم شمارد و همچنین احترام حسرم و آل الله و افغان و سبب را در جمیع  
 «تقوی الله و محروف» دلالت و بآنچه سبب علو مقامات ایشان است  
 هدایت نماید و نیز میفرماید محبت انحصان بر کل لازم و «لکن با قدر الله لهم  
 حقایق اموال الناس» و عباد را باین کلمه تاته دعوت نماید که «اسباب  
 نظم را سبب پریشانی ننمایند و علت اتحاد را علت اختلاف مسازید»

در خاتمه بیان اهل بهار را نصیحت میفرماید که به «خدمت امم» و «اصلاح  
 عالم» قیام نمایند.

تفویض چنین مقام رفیع و وسیع از جانب شارع قدیر بمرکز عهد و عیان  
 الهی بسبب چه در بین طائفین حول که در سنین تهادی مشاهده آثار عظیمه  
 و شئون جللیله صادره از آن قره عین بهما و غصن عظمی سدره منتهی  
 مستقر و تبابی بود و ایجاد اعجاب و شگفتی نمود و نیز در نظر ائمه که بدرک  
 لغایش فائز و از فیض محض بر انوارش شفیض و همچنین قاطبه پیر و انام  
 اعظم که در اقطار ساعه عالم به تکریم نام و تعظیم و تحلیل خدمات با بهره و موجودات  
 متعالیه اش مالوف انصاف آن وجود مقدس چنین مقام ممتاز و  
 مخصوص موجب استغراب گردید بل کل این خلعت شریف و در ابریا  
 برارند و آن یکی کل یا نقد حتی دوستان و آسانیان حضرتش که در ارض



اقدس و اقالیم مجاوره تقسیم و بمقامات آن قدوه اهل بهادر حیات  
 اب بزرگوارش واقف و آگاه بودند چون بر ارجاع چنین وظیفه عظیم  
 و مأموریت عظیم بآن وجود اکر مستخضر گشتند بجمع جمات آنرا مطابقت  
 فضائل و ملکات آن مبین منصوص و حافظ بنسیان مرصوص شمرده  
 و تصور این معنی در ادبانشان امری مستحده و غیر معهود تلقی گردید  
 حضرت عبد البها، ولادت مبارکشان در لیله تاریخی که حضرت  
 رب اعلی رسالت عظیم خویش را بجناب ملاحسین اول من  
 اسمن ابلاغ فرمودند اتفاق افتاد آن بهیچ اطر بود که در ایام خرد سالی  
 بهنگامی که در دامان جناب ظاهره قرار داشت خطاب پر میجان آن  
 قبسه ناز محبت الله را بوحید عصر و فرید زمان جناب وحید اکبر استماع  
 نمود و عظمت و اهمیت آنرا در خاطر نورانش محفوظ داشت همچنین آن وجود مبارک بود که در

سن در صحنی که از غم مبارکش بیش از نه سال نمی گذشت زیارت و هدیه  
 بزرگوارش در سیاه چال طهران بشکافت و قلب ارق الطفش از شادمانی  
 حال رفت بار آن جمال ذمی بحلال در زیر سلاسل و اغلال متناثر گردید  
 آن ذات مقدس بود که در او ان طهولیت بهنگامی که اب طلیش در زخمه عظیم  
 صیلم گرفتار معرض هجوم اشعار و محمل طعن و هجوم اغیار قرار گرفت  
 و پس از استخلاص تیر آفاق از سخن طهران و تبعید آن ملک ذفاق  
 بقطعه عراق در شد اند و سخن که ملازم نفی و طرد بهیچ موعود از وطن  
 مألوف بود شریک و سهم شد و از بلایا و زاریایی که بجزرت آن مهملان  
 بیحال کردستان ستمی گردید بخصیب موفور حاصل نمود و در آتش  
 حرمان و هجران پدر محبوب بسوخت و از حرقت فرقت بگداخت چند کلمه  
 بفرموده مبارکش که در کتاب نیل مذکور اکثر متاعب و قسایع بلایا

در مراحل اولیه صباوت احساس دوران ضنف و کوهت میفرمود  
 و آثار حسن عظیم از حسین منیش هویدا بود آن ساجد عقبه علیا بود که با خدا  
 سن جلال و عظمت طلعت احدیت را که هنوز در پس پرده عصمت  
 مستور و محفوظ بود دریافت و بسر کنون و فر مضمون واقف شد و  
 بنحوی نخستون آن نور مبین شمس سما علیین گردید که بی خستیا  
 خود را بر اقدام مبارک بنیادخت و بکمال تامل و ابتهال رجاع نمود  
 که در سبیل مالک ملکوت جلال فدا گردد و باین منقبت کبری و منحه  
 عظمی مستحق شود چنان آن غصن بر میند بهما بود که در عنفوان شباب  
 نظر بخواش و طلب سالک سبیل هدی علی شوکت پاشا و امر و اراده  
 مطلقه جمال اقدس ابهی تفسیری بر یکی از احادیث مشهوره اسلامی  
 مرقوم فرمود آن تفسیر بنحوی بیغ و فصیح و مشون از حقایق

بدیعه منسبه بود که پاشای مذکور و اله و حیران گردید و بساحت  
 انورش سر تعظیم و تکریم فرود آورد. در اثر مصاحبات و منادفات  
 آن بیکل تقدیس بود که علماء بغداد با حاطه ذاتیه آن وجود اقدس  
 پی بردند و لسان بتائیش و نیایش آن جوهر تزیه کشوند  
 و مراتب فضل و دانش و سعه علم و منیش را بستوند و این حسن  
 تقدیر و تحلیل نفوس با اتساع و ایره آشنایان و محبتین آن وجود  
 مبارک بدو در ارض سه در پس در سخن اعظم از دیا و پذیرفت  
 بدرجه ای که وقتی در مجلس نور شید پاشا حاکم ادرنه که شخص بصیر  
 و صاحب نظری بود جمعی از علماء طراز اول مدینه در مسأله امی از  
 مسائل مطروحه بحث و تحقیق پرداختند و کل ارجل آن عاجز مانند  
 اتفاقا بیکل مبارک در آن مجمع حاضر و میمان پاشا بودند و پس از اظهار نظر

حاضرین رشته سخن را بدست گرفتند و با بیانی موجب نزدیکی  
 مدال آن مسئله غامض را بنحو حیرت انگیزی توضیح و تشریح فرمودند خدا  
 پاشا زبان بدیع و نابگشود و مراتب علم و احاطه وجود مبارک را  
 بستود و این معنی چنان در قلب وی متورگر و دیده که از آن بعد اجماع و تحفظ  
 برپا نمود مگر آنکه بجان دول آرزو مند بود که هیکل انور انجمن را بحضور  
 مبارک خود مزین فرمایند.

جمال اقدس ابھی چون نطق امرش وسعت یافت و دایره نفوذش  
 بسط گردید سیانت دین الله و شیت امور احبار الله و دفع حملات  
 اعداء انجمن حضرت عبدالہما محول فرمودند و زمام تمام را کفایت  
 آن شخص اعظم سدرہ الہیہ سپردند و در موارد عدیدہ آن مرکز محمد  
 الہی را بعنوان کلیل و نایب مناب خویش تعیین و وظیفہ تحریرات و تنسیخ

الواج را بصیغہ آن بزرگوار و گذار فرمودند و بدین ترتیب  
 مراتب نقہ و اطمینان روز افزون خود را نسبت برفع مشتبہ از اصل ویم  
 ابراز داشتند و ایشانرا نامور فرمودند کہ چون موجبات فراہم نمودن  
 و اسباب آمادہ گردید تدارک محل معهود و ارتفاع مقامی شایستہ موجود  
 جتہ استقرار عرش مقدس حضرت رب اعلیٰ وضع جبل کرمل و انتقال آن  
 ہیکل اعظم انور بان بقعہ مقدسہ نوراء اقدام نماید و بانجام این امر  
 اینجی اسنی مبارکت و زرد در اثر مجہودات و مساعی مبارک و مسائل  
 استخلاص مجال قدم حل اسمہ الاعظم از حبس نہ سالہ حکما تمیما گردید و آن  
 وجود اقدس در او احسن ایام حیات توانستند از حصار دینہ قدم  
 بیرون نہادہ و از سکون و آرامشی کہ ہیکل قیوم سنین متمادی از آن محروم  
 و ممنوع بود علی قدر معلوم برخوردار گردند بہمت و توجہ آن مظهر غیبت

رحمانیه جناب بدیع درین حکما بحضرت اقدس طلعت میرا بهی شرف شمول یافت و  
 بزیارت تاریخی مالک ملکوت بقا مستحضر و موفق گردید و نیز در اوقات  
 حضرتش خصوصت پاره ای از نامورین و متصرفین آن ارض نسبت بهما برین  
 باعزاز و تکریم تبدیل گردید و اراضی مجاور بحر حلیل و سهراردن در عدد اول کلا  
 امریه درآمد و وقایع و حوادث تاریخیه این ام عظم و اصول و مبادی سیاست  
 این شعاع ابدع اقوم با فصیح بیان و ابلغ تبیان بصورت رساله انجمن  
 جهت اخلاف بیادگار گذاشته شد. توجه آن حضرت بجانب بیروت  
 و استقبال و پذیرائی شایانی که از آن وجود مبارک بعمل آمد و تماس و ملاقاتش  
 با بدحت پاشا صمد عظم سابق عثمانی و مجالست و معاشرتش با عزیز  
 پاشا که از ایام اوزیه معروف به کل انور بود و بالاخره مصاحبت مستمر آن مشرق  
 الطاف الهی با اعظم رجال و علماء و فضلاء حکما و حفا که شرف

بحضرت میرش را در اواخر حیات مبارک حضرت بهار الله طالب  
 و مشتاق بودند کلا سبب از دیاد قدرت و نفوذ امر الله و ارتفاع شان  
 و ارتقاء مقام پیروان اسم اعظم گردید بدرجه ای که نظیر و مشیل آن  
 هرگز در تاریخ امر مبارک از قبل مشاهده نشده بود.

حضرت عبدالبهار یگانه شخص برهمندی است که از لسان عظمت بحجاب  
 مستطاب «آقا» مخاطب و باین غایت عظمی از سایر انحصان مستثنی  
 و متماز گردیده است همچنین آن وجود مبارک از قلم ملهم سلطان قدیم مقرب  
 منسبح و بدیع «سه الله» مقرب و باین طراز اکرم نغمه مطر گشته  
 و این حقیقت متعالیه مدلل بر آن است که آن مطلع انوار یزدانی با الله  
 بالذات حاضر تبه انسانی و مقام و تشریش با مقام و مرتبت سوس  
 و شبر این امر اعظم مختلف و متفاوت است ولی در وجود متقدسش ملکات و فضائل

بشیریه با اشراقات و کلمات الهیه مقارن و شئون و خصائل دنییه  
با فیوضات و انبیاات صمدانیه متعاقب و متعکس گردیده ثانی که  
آن بیکل تقی و جوسه عبودیت کبری را مثل اعلاهی امر جمال اقدس  
ایهی و مرآت فیض طلعت اعز اعلی قرار داده است.

در سوره مبارکه «غصن» که در ارض سوره از مخزن قلم اعلی نازل است  
آیات باهرات و کلمات ثبات و در شان آن غصن دو وجه بقا و تسرع  
سدره نشینی دارد قوله «الغصن الامنع الابهی» و قد اشعب من سدره  
المنشی هذا السیکل المقدس الابهی غصن القدس فنبیاً لمن استظل فی  
ظله و کان من الراعین قبل قد نبث غصن الامر من هذا الاصل الالهی  
استحکمه الله فی ارض المشیه و ارتفع سرعه الی مقام احاط کل  
الوجود فتعالی بذالضغ المتعالی المبارک الغریز المنیع... قل یا قوم

فاشکروا الله الظهوره و انه لهو الفضل الاعظم علیکم و نعمه الا تم لکم و یحیی  
کل عظم ربیم من توجیه الیه فقد توجه الی الله فمن اعرض عنه فقد عرض  
عن جمالی و کفر بربانی و کان من المسرین انه لودیعه الله بسمکم  
و اما نتم فیکم... ان الله یغصم منغوا انفسهم عن ظل الغصن اولئک  
تاهوا فی العراء و احرقتم حراره الهوی و کانوا من الهالکین»

و نیز در لوحی که در جهان ارض با شمار حاجی محمد ابراهیم خلیل عزتزلو یافته است  
قدم با اشاره بان غصن اصنع عظم میفرماید «واللهی منهم لظفر بالقطره و یجری الله من لسان  
آیات قدره و هو بمن اختصه الله علی امره» سپس شایع قدیر در کتاب مستطاب  
اقدس تلویح مبارکه امی که بعد از «کتاب عهدی» توضیح و تشریح گردیده و ظیفه  
تسبیب آیات مقدسه و تشریح کلمات الهیه را بان وجود مبارک منقوض دان کر  
عده ائمن اولی را بنوان عظیم «من اراده الله الیهی اشعب من هذا الاصل القدیم»

مخصص منعموت فرموده است در توفیق غیبی که در همان آیام باغزار میرزا محمد قلی بسزوار  
 صادر قلم اعلی مقام طلعت یثاق رحمانی را به بیان «نخلج المنشعب من بند البحر الندی  
 احاط الاکوان» می ستاید و تفسیر نماید که مستظلمین در ظل شجره الهی و متمسکین بکلمتین  
 امریزدانی باید کل بان شرق الطاف جانی توجه نمایند و در کف غایت حسن  
 حمایتش ثوابی گیرند.

در احیائی که ارض با برودت بقدم غم غم عظم ابی شرف و بانور شمس جلالش  
 مستضی گردید لسان عظمت در توفیق ابداع منسی که با فخر آن حضرت نازل و بظلم  
 کاتب وحی مرقوم گردیده مقامات آن حماسه و فارامی ستاید و آن جوهر وجود را  
 بخطبات عظیمه «من طاف حوله الاسماء» و «خصن الله الاظم العظیم» و «سراجه الاقوم  
 العموم» مخاطب میسازد

و در چند فقره الواح مبینه بعد که کلمات بحال که بر مرقوم انمظهر عربیت علی خطب بیل یا توغنی «مخاطب

و به بیان «انما جنناک حرز العالمین و خطا لمن فی السموات والارضین و  
 لمن آمن بالله الفرد الخبیر» مذکور و موصوف گردیده و در مناجاتی که از لسان  
 قدم در وصف آن مرکز عهد فخرم اقوم نازل گشته این کلمات دریات مدون و مسطور  
 «انت تعلم ما الهی انی ما اریده الایما اردته و ما اتقره الایما صطفیته فانصره و یخبره  
 ارضک و سماک... اشکک بولی فی جنک و سوتی فی انهار امرک بان  
 تقدر له و یجیه ما قدره لفرانک و امنار و حیک انک انت الله المصنعه العبد»  
 و در مقام دیگر از کلمن قلم اعلی این کلمه علیا در شأن آن یوسف مصر تعانزل قوله  
 العزیز «الهباء علیک و علی من ینحیک و یطوف حولک و الویل و الذا  
 لمن یخالفک و یؤذیک طوبی لمن والاک و لستقر لمن عداک»

این افتخارات لانهایات و شون و مقامات عالیات که در  
 مدت چهل سنه از قلم و لسان اطهر جمال اقدس ابی درغند اودار ض

سرو عکا در حق آن غصن عظیم سدره منتهی مبذول گردید اکنون بنا  
 و باج مرکزیت عهد و میثاق حضرت بهار الله و کلیل جلیل خلافت  
 و وصایت نفس مقدس مظهر کلی الهی مکمل و متوج شد و در ظل این  
 پیمان عظیم و میثاق تویم آن مطلع فیض صمدانی و مصدر آیات ربانی  
 باز قساع امر و بت تعالیم اب جلیش قیام فرمود و بسرعت  
 حیرت انگیزی بشر سادی سایه این آئین نازنین در شرق و غرب  
 عالم موفق گردید و جمیع موانع و مشاکل را به نیروی اسم اعظم  
 و تأییدات منزل که از سما و ملکوت قدم مرتفع ساخت و نظم اداری  
 و لید میثاق یزدانی و بشر نظم جهان آرای الهی را که استقرارش تا بشر طوط  
 عصر زهبی و در مقدس بهائی محسوب است تأسیس نمود و در اکان توأم  
 آنرا با تقن و جد و ابداع طرز تربیت و در صحائف الواح قیمه فیض بین شرح فرمود

فصل نازدهم

عصیان و مخالفت غصن اکبر

میرزا محمد علی

چنانکه قبلاً مذکور گردید هنگامی که امر مقدس الهی از دو بحر  
 شدید و دوز و بلع عظیم خلاصی یافت و بر دشمنان داخل و خارج فائق آ  
 صیت شهرش جهالتی شد و آوازه عظمتش آفاق و انفس را مسخر  
 نمود و ناگهان اراده عظیمه الهیه و مشیت نافذ سبحانیه آنرا از  
 جلیش محروم ساخت و دید مقتدری که سکان سفینه امرالله را  
 از بد و طلوع و اشراقش در ایت و دلالت نمود و بحسب ظاهر مشیت

آن ضمیمه مقدسه ممنوع گردید شمس حقیقت از مطلع امکان افول نمود  
 و نیز اعظم ابھی از اقیانوس غارب گردید و در جهان لاهوت  
 سطوع انوار سرمود یاران در غمرات احزان و آلام مستغرق شدند  
 و دشمنان امید و نشاط تازه یافتند خفاشان بجرکت آمدند و غیبت  
 آفتاب جنتاب را منتقم شمردند و قصد اطهار سراج الهی و مار  
 موقده ربانی نمودند ولی افسوس که از درک این لطیفه دقیقه قاصد و از  
 معرفت این حکمت رحمانیه ذلیل و غافل مشاهده گشتند که شعاع  
 ساطع هدایت را انقطاعی نه و پر توفیق حضرت احدیت را احتفالی  
 نیست بلکه بفرموده جلالت میثاق و مرکز عهد تیر آفاق چون بیکل  
 عنصری که آشیانه موقت آن روح قدسی بزدانی است منحل گردد و  
 طیر بقا از تزیینات عالم ادنی ربائی باید طیرانش در طلاء علی فرج بر شود

و جلالش در زلف امی عظیم چنانکه حساب چون از و چشمس مرغ  
 شود اثرش شدید تر گردد و آثارش با هر تر در این صحن آن حقیقت  
 نورانیه بی پرده و حجاب از خلف سجات جلال بر عالم امکان تابد و جهان  
 و جهانیان را از انوار ضمیمه لمبعه روشن و منور سازد.

هنگام صعود مبارک و طیفه نظیر و مقدس جمال اقدس ابی و جهان  
 ترابی بخاتم و ادنی انجام در رسالت عظیم و منبع آن مظهر کلیه الیه بغایت  
 قصوی و ذروه اعلای خویش متعاجز پیام حلیش در انظار عالمیان  
 کشف دعوات و خطابات بدیعیه همیشه اش بر بوسه و زمامداران  
 ارض ابلاغ و اصول و مباده می سامیه امر اغر اعلاش که کافل سعادت  
 بشری و مایه استخلاص جامعه انسانی از اسقام و آلام و نجات آن از  
 قید اسارت و اودام است بخو متقن و تین بنیان گردیده بود و ظهور



سباکش بحر اعظم الهی موج آمد و طوفان فتن و بلا یا اوج گرفت و اجساد  
 نالایقه را با صل و مارا کفند امر الله تبارک و تعالی بنیاده جامعه تقویت  
 پذیرفت زمین از دما بریده شد از رنگین شد و تراب منوسات نظم بدیع از  
 اسراف خون مظلومان ریاض و پریشان گردید و اعظم از کل علیه قیام  
 الهی و پیمان یزدانی مثبتیت مطلقه سبحانی بر اساس رزین و نیسان  
 رصین نهاده شد و آنچه علت وحدت امر الله و سیانت کلمه الله و وقایع  
 دین الله تفسیر حق و الشقاق تقسیم و اشعاب محبوب از علم علی  
 در کتاب عهد محبوب ابھی ثبوت و مسطور و خاتمه اعطاف فاتحه الطاف  
 حضرت پروردگار گردید.

امر جمال اقدس ابھی که عقول و ادراکات بشریه از درک نعمت  
 و عظمت آن عاجز و کور گردانیدند و اسنی و مقصد اعلائی عالم وجود

در صدف عزیز زمین آن ستور و مکنون الکنون با صد در کتاب مقدس  
 عهدی تعیین مرکز عدا الهی در صون و حمایت رحمانی قرار گرفت و بدیع  
 میثاق از سهام اهل نفاق محفوظ ماند غصن فحشم سدره منتهی و قوه  
 عین بها و جالس بر سر خلافت عظمی و مجری تعالیم و محور میثاق و حافظ  
 انعام مثل اعلی و در ظهور و مظهر کمالات و ستین افکار و مهندس و طراح نظم بدیع  
 درایت صلح اعظم و مصباح هدایت اتم افش که حاضر مقامی بی نظیر در تاریخ  
 ادیان عالم است بتائیدی از ملکوت ابھی قیام فرمود و بتوفیقی شدید التوفیقی  
 به حکیم و عالم پیرین آیات و شرفیات تشدید بنیان شوقی پروان آئین حضرت  
 منان مشغول گردید. ابلاغ مہجی که پس از عروج ملک آفاق از گلک  
 که بر طلعت میثاق خطاب بجهو مؤمنین و مؤمنات صادر و هم چنین بسیار است  
 و وعده های صریح که بر همه که ازیر ارحم قدرت و عظمتش در الواج و آثار بدیع

نسیه نازل و قلوب مجتنب آب حلیش روح اشتعال و اطمینان  
جدید بدید آفتاب عهد بدرخشید و غیوم افسردگی و خمود که موقفا  
حزین عشاق جمال حسن را اندر نموده بود منتشع گردید و کواکب هدایت که  
از بد و طلوع امر مقدس الهی در افق غرت و عنایت ربانیه مشرق  
و تابان با فاضله انوار مالوف شد و آفاق را پر اشراق کرد و حقیقت  
بیان مالک امکان که میفرماید «بذایوم لن یعقیبه اسیل» بکمال وضوح  
معلوم و مبرهن گردید جامعه شیم در آن بحضات مهیب و وقایع بر  
در نفس مقدس مرکز پیمان تسلیمت خاطر یافت و ظمیر نصیر و حامی و  
معین و فائد و معاضد و پشتیبان و پدر مهربان بدست آورد و بر برابر  
ثبوت و رسوخ بنفیس زود و در میدان خدمت سمندهمت بخت  
و بصوحت و انتصارات فخریه موقر گردید.

امر اعترافی که با جلوه فرسخ بعدیل قلب آسیار  
منور نموده و اشعه فرانس در ایام حیات مبارک شارع اعظم بشر  
ادنی متواصل گردید و جوشی دو قاره اروپ و افریکرا مشتمل  
و نورانی کرده بود اکنون در اثر قوه فائضه عهد و میثاق بکمال سرعت  
بجانب باخر منبسط گردید و در قطب امریک خیمه و خرگاه بر افراشت و  
از آن خطه عظیمه بدن و دیار اروپ و مشرق اقصی و قاره استرالی  
سرایت نمود و آن اقطار شاسعه و اشطار وسیعه نائیه را در ظل سطره  
محیط و قدرت غالبه نافذ خویش وارد ساخت.  
قبل از آنکه امر الهی علم مسبین در قلب امریک بر افرازد و از آنجا  
بفتح بلاد و اقالیم سائره در سراسر عالم غرب تا زمیستان جدید  
الولاده جمال اندس ابھی و چار طوفان نقض و عناد گردید و بنیران

امتحانات و افتخانات شدیدة مبتلا شد و در آتش امتحان چون ذره  
 ابریز بر افروخت و ثبات و اصالت و استحکام و جامعیت  
 خویش را بجهان متروک و بی ایمان ثابت و مدلل نمود این بجز بگری  
 و دایمیه و هباء مانند سینه عیاش صماء که آئین سجانی را در بدو  
 نشه امر حضرت رحمان در مدینه الله احاطه نموده بود عهد و میثاق  
 ربانی اعلی و ابی همه شمره ظهور و اعظم تجلی جمال قدم دریا  
 دور فخم اکرم را در همان نقطه شروع حرکت شدید داد و سراج  
 و تاج یزدانی را امره آخری به بند باو کرده عظیم مبتلا ساخت و اثرات  
 نامطلوب خود را تمام قسم بر یکیل انور شریعه الله باقی گذاشت  
 این زوابعه عظمی در رایحه و ذرا که مدت چهار سنه ارکان جامع  
 را متزلزل و قلوب و افکار جمعی از پیروان از صفحات مشرق مضطرب

و منقلب نمود از ناحیه بقعه بیضا بوزید و دشمنان سیاسی دینی  
 امر الله حتی امت مایوس یحیی را مطمئن و امیدوار ساخت که  
 بهوب ارباب اختلاف موجب حدوث اشعاب و افاق  
 بل علت انحلال شریعت الهیه و استئصال شجره مقدسه رحمان  
 خواهد گردید. مؤسس و محرک این طوفان شدید و نقض پیمان جنت  
 رب مجید غصن اکبر نابت از سدره ربانیه و مذکور در کتاب عهد  
 مولی التبریه بود که مقامش در آن سفر کریم بعد از مقام مرکز دنیا  
 می قدیم تصحیح و تنضیص شده بود این ناقص پیمان و ناکث عهد حضرت  
 رحمان بخالف عظیم برخواست در بین اقوام و اقارب حضرت هباء  
 زخمه عمیق ایجاد نمود و جمع کشیری از اخصان و اوراق و افغان و اصحاب  
 و متسین را از سدره الهیه منفصل ساخت بدیشاق ادرسنین

معدود در محاق تقصیر ارداد و محسوف حد محسوف و ممنوع نمودن  
 وحییت امر مقدس را که دار کرد و از اشاعه انوار بکاست ولی بعون  
 و غایت الهیه از ایجاد خلاف و سفاق در اساس دین الهی مایوس  
 و مخدول گردید و «ضربت علیه الذلّه و الهوان» در حق او تحقق و مصداق  
 پذیرفت.

علت این طغیان و غلیان با رحد و همیان در قلب ناقص کبر  
 و پاره ای ابر استگان فرزدیکان آن محور سفاق بهما تقدم مسلم حضرت  
 عبدالبهاء از حیث مقام و قدرت و فضل و لیاقت و علم و نبی و روح  
 و تقوی نسبت به جمیع اعضاء آن خاندان بود. این تقد و عدوان که از  
 چند سینه قبل از صعود طلعت قدم و نهضت و آن ناکث عهد الهی حابی  
 گزین شده و در زوایای ضمیرش مستور و مکتوم بود در اثر شاهه غیایا

و الطاف مخصوصه جمال اقدس الهی نسبت بان خصمن برود  
 بهما تجلیل و تکریم بی منتهی از طرف دوستان و پیروان امر الهی بل حم  
 خضری از نفوس غیر مؤمنه که عظمت ذاتیه بیکیل مبارک را از زبان او  
 صباوت احساس نموده بودند بر شدت وحدت بیفروود آن مظهر  
 نبوت و سفاق را بعداوت یک فاق برانگیزت چنانکه تفوق  
 نظریه یوسف موجب بغض و عناد برادران می گردید و محبوبیت  
 هایل آتش غل در سینه قایل برافروخت و بر قتل برادر مهر پرور مصمم  
 ساخت و در دوره جمال اقدس الهی نیز ان ضغینه و بغض را روح  
 مطلع اعصاب را احاطه نمود و آن نفس موهوم را بمخالفت  
 جمال قیوم داداشت.

کتاب مقدس عهدی با آنکه خصمن کبر را در صف مؤمنان

و پیروان ام مبارک رتبت شخصی مقرر و مقام و رابعه از مقام مرکز عهد  
 و میثاق الهی مقدر فرموده بود معذک اعلان و اثبات  
 آن کتاب عظیم موجب تخفیف حقد و حسد آن ناقض انیم گردید بلکه چون  
 بر اهیت آن مشور کریم واقف و بر اثرات مترتبه بر آن قطاس  
 قوم مستحضر گردید و یقین بین دانست که بوجوب نص قاطع الهی  
 و میثاق وثیق یزدانی جز توبه تام و اطاعت و انقیاد صریح بجهت  
 نسبت بقر منصوص و مرجح مخصوص گزیر و مغری ندارد بر معادلت بیفزود  
 و در دم بنیان مرصوص بهمت کاشت و بغضا و عداوت را شخصی بر  
 آزار و اید اهل کمال پیمان قیام نمود و در آن سنین بر محنت آنچه آن است  
 محبت و جوهر عنایت نصیحت فرمود و ملاحظت هدایت کرد  
 و کفر و هضم همیشه گرفت حتی بقعه مبارکه را ترک نمود شاید این سخن پیش

شود و این فتنه و فساد را اموش گردد شکر مکرر گوید و در قلب  
 چون صفحه صفا و مرکز شقاق ما سیر نمود بلکه روز بروز بر عیا و بیفزود و بر آس  
 بجای علاوه نمود تا آنکه عاقبت در غمرات نقص مستغرق گردید و  
 در مغوات رضی مستهلک شد و بیان مبارک «و ما ظننا بهم لکن  
 كانوا انفسهم نظليون» در حق وی و اعوان و انصارش  
 واضح و آشکار آمد.

باری مرکز نقص و قطب نفاق با انواع حیل و خداع و دسیسه و  
 افراتش ثبت گردید تا بتدریج قسمت عظیم از بنسبتین شعبه الهیه و  
 جمع کشیری از نزد یگان و طائفین حول رابد و رز خود کرد آورد و بر مخا  
 مرکز پیمان هم عهد و پیمان نمود از جمله دو جسم حضرت بهار الله و دو  
 نفس از انفسان میزبان بسیار الله مترو و میزبان بدیع الله خائن مع خواهر و

و ناخواه بری آنها و چنین شو بران این دینی سید علی دینی از افغان و محمدالدین  
 فرزند جناب کلیم که در آن تاریخ مملکت اسی صعد و نموده بود با اخت و اخوان  
 محمدالدین کلا بخشیم پیوستند و از هر طرف تقسیم و منبج قوم منحرف گشتند و بخندان  
 سردی گرفتار شدند حتی میرزا آقا جان کاتب و حی نیر که مدت چهل  
 سه خدمت امر مالک بریه مشغول و محمد جواد فرزند وی که از ایام ادرنه  
 تخریر و استنساخ الواح کثیره منزه از تسلیم اعلی مالوف بود با جمیع  
 اعضاء خاندانش در حلقه ناقصین میاق درآمدند و خود را در اتمام تقضیات  
 اقلیه و تسویلات ابلتیه آن قوم پر لوم افکنند و کل متحداً  
 متفقاً با طغیان نورسین برخاستند و آن دشمنین و یوسف عهد حضرت  
 رب العالمین را بشمن بخش و در اهرم معدود و فرسودند.  
 در این صحن طلعت میاق حی قدیم من دون ناصر و معین مورد حمله

برادران و بستگان پر کین که در حوال روضه مبارکه جمال اقدس احمی  
 در قصر سحری و بیوت مجاوره مجتمع و تکرار شده بودند قرار گرفت و در حالی  
 که ام بزرگوار و دو ویل حلیش مملکت اسی صرح نموده و از منتسبین  
 تقدیس خزینه البها حضرت زرقه مبارکه علیا و چهار صبا یا و حرم  
 و عم مبارک نارادوی حضرت بهاء الله سارین کلا بخالفت آن سیکل و فادانظر  
 عطف کبری قیام نموده بودند با نیامی طائف متعدد خویش مالوف گردید و فرداً  
 وحیداً در مقابل دشمنان داخل و خارج مقاومت فرمود و بخطر و صیانت  
 امر الله پرداخت.

این ناقصان عهد و ناگشان پیمان الهی اکنون معاشرت و پیوسته  
 جمال بر وجه سردی آن خائن پیمان شکن که در دایره دوستان نفوذ  
 و قدرت فراوان داشت و هم چنین معاضدین و هم بدستان دی

مانند حاجی حسین کاشی و خلیل خوبی و خلیل تبریزی که بنامه در مرز  
 اهل قزوین و اردکشته قدم در میدان معادلت گذاشتند و باب  
 مکاتبه با افراد و مراکز امریه کشوند و بار سال اوراق ناریه و اعزام  
 رسولان صفحات ایران و عراق و مصر و هندوستان پرداختند  
 و جمع کثرت واحد به شصت شل اجبار الله و تفریق کلمه الله و القاسمها  
 و تاویل تشابهات مبادرت نمودند و با تکالیف مصاد و امور و تعویب مراجع  
 جمهور که غالباً رشوه گرفته و یا بخیله و خداع اغوا شده بودند به سرف  
 و تحقیر مرکز عهدا و فی مشغول شدند و در این مخالفت تجربه و سلاجی  
 که کعبی ای بی حیاء سید لئیم علیه وجود مبارک جمال اقدس  
 ابی موسی گردیده بودند شب جسد و به بنال تمت و نصال افترا  
 بر حاتم و فا و قدوه اهل بها هجوم نمودند.

این عصبه شقاق و غده شقاق مرکز شقاق الهی را در نظر و  
 دشمن و بیگانه و آشنا از اعلی و ادانی گاهی توضیح و تصریح و  
 گاهی بکلیه و تلویح زمانی شفاهی و موقعی کتبی ایسا ذبانه غصه  
 بیحقیقت و خودخواه و نفسی غاصب و طالب جاه فکد اد نمودند و الهما  
 داشتند که آن وجود مبارک دستورات و وصایای جمال اقدس ای  
 را در توبه نسیان و فراموشی نهاده و در پرده و لطف با عبارات  
 مستعار مدعی مقام تسقل گردیده و خود را صاحب آیات و میرک  
 امر محسوب آفاق شمرده و در نکاتیب خویش با بدوستان خوب  
 زفر نه رحمت مسیح و ظهور ابن و حلال اب نموده و در مخبر آتش با  
 یاران هندوستان خود را شاه بهرام موعود خوانده و حق بئین آیات  
 و تفسیر کلمات و الدبزرگوار را مخصوص خود پنداشته و دعوی دور جدید

کرده و خویشتر را در صحت کبری با اسم اعظم و مظهر ظهور اتم اکرم  
 مشارک دانسته است و نیز نسبت دادند که آن وجود احدس نظر  
 بمقاصد خصوصیه و تغذیه مآرب شخصیته اش اختلاف را در امن نیند  
 و نیز خصوصت و عناد میکار و سلاح طرد بدست گرفته بر نفسی را  
 با اغراض خویش مخالف شمارد و شرح میکند و محروم مینماید  
 و همچنین عنوان نمودند که آن بین آیات رحمانی مقصدی و مقصود و اقی  
 وصیت نامه حضرت بهاء الله را که بر جسم آنان در مقام اول نظر  
 بمصالح و مسائل داخلی عالمه مبارک بوده از مجرای اصلیه منحرف و  
 از آن بمنزله یک میثاق عظیم و قدیم که حائز اهمیت جهانی و در تاریخ ادیان  
 الهی بی مثل و عدیل است تلقی نموده و نیز آن وجود مبارک را هم  
 نمودند که برادران و خواهران خود را از حقوق خود و وظیفه مسلمة شان

محروم ساخته و انانیتش شدید انگننده و وجود را صرف غم  
 نامورین و انجاح نوایمی خصوصی خویش مینماید و بالاخره اشارت دادند  
 که حضرت عبد الباقی از قبول دعوات کفری که برای مذکره در  
 مسائل مختلفه و حل و تسویه آنها بعمل آمده سپهری و بی اعتنائی  
 نموده و معانی آیات و الواج مقصد را تحریف کرده و آنها را بار بار  
 خویش تفسیر مینماید این است که اجابای شرق از ملاحظه این احوال  
 علم طغیان بر فاسد شده اند و آثار تشنگی و اختلاف در مثل باران از  
 برهته نمودار و جامعه پیروان جمال الهی محکوم بظن و اضمحلال گردید  
 حال با آنکه توجه سواقی امر و مطالعه ادراک و آثار معلوم میشود که  
 همین ناقص ایم و ناکث عهد رب کریم که اینگونه مغفرت اشارت دادند  
 چنین تمسک در حق مرکز میثاق بهاء و منصوص قلم اعلی رود داشته



در ایامی که شمس حقیق در خیر شهود مشهود و انوار مضمینه اش خاطر  
 البصار و کاشف قلوب و اسرار بود در حالی که خوشترین را مظهر شہوت  
 و رسوخ و رافع علم توحید و ساجد جمال تفسیرید و مدافع عالمه مقدسه  
 و لسان انحصان و حافظ آیات و ناشر نغایات حضرت سبحان بشیر  
 بکمال وقاحت و صراحت دعوی ظهور جدید نمود و آنچه را که اکنون  
 بکذب نسبت بطلعت پیمان میداد خود مدعی گردید و با شرخامه  
 و مهر خویش منتشر ساخت بخوی که جمال قدم جل اسمہ الاعظم او  
 بدست مبارک تنبیه نمودند. این بادم نمبیاں در نامیور  
 ہندوستان در الواج و آثار مقدسه امی کہ جہتہ طبع و شربوبی  
 سپردہ شدہ بود و حالت نمود و نہایت جبارت و بی پروائی  
 در مقابل ہیکل میثاق اظہار داشت ہمانطور کہ عمر خلیفہ ثانی در

غصب مقام خلافت و وصایت حضرت رسول اکرم سبقت  
 گرفت او نیز قدرت و توانائی آن را در خویش مشاهده میکند کہ آن  
 مظلوم آفاق را از مقام حقہ مخصوصہ محروم سازد و خود بر کرسی خلافت  
 جالس گردد و چون این وسوسہ و خیال بر خاطر وی مستولی  
 کردید کہ ممکن است ایام عمرش فنا نماید و قبل از احراز مقامات  
 منظورہ از این درگذرد و موردیکہ مولای حسنون اورا مطمئن فرمود  
 کہ تمام شئون و افتخاراتیکہ اکنون بکمال جد و طلب آنست  
 در موقع مقدر و میعاد مقرر بوی تعلق خواهد گرفت بلا تامل و جواب  
 اظہار نمود کہ بسیچگونہ تضمینی کہ پس از وجود مبارک و قیامات  
 باقیماندہ و با مال و مقاصد دیرینہ خویش موفق گردد در دست  
 ندارد. این قطب شفاق شہرحی کہ در توبہ نامہ میرزا بدیع اللہ مدون

و مسطور پس از صعود سیاه آفاق قبل از آنکه جسد مطهره تفصیل گردد  
 بسجرات مرقه محفل شود با حسیله و تزیید و دو جانانه از آثار مبارکه که متضمن  
 الواح مقدسه همته را که همگی تقابل از عروج برفرف اسنی  
 بحضرت غصن عظیم سپرده بودند بر بود و قلوب تابان بر پیمان را  
 درین اسف و حسرت بی پایان نمودیم عدو همین فاقص عهد حضرت  
 رب العالمین بود که از کثرت بغض و عناد بعضی از خطابات شدید  
 منزله از قلم اسعد در حق میرزا یحیی عدو و صائل جمال اسی را نهایت  
 مهارت تحریف و تصحیف نمود و با تبدیل عبارات و تزیید و تمقیص  
 کلمات آن بنیاد ایشان حضرت عبدالبهائیه را کرد و بالاخره این  
 شجره نهنی و ضلال بود که طبق شهادت همگی مبارک در الواح مقدسه  
 و صایا بحال بدیه در صد قتل و محارم که میشتاق بوده و نیز نزد

میرزا شجاع نیت سوء آن خصم عنود را در عقوبتی که طی همان الواح مبارکه  
 مذکور و موجود بتلویحی ابلغ از تصریح بیان نموده است .

باری عهد و میشتاق جمال اقدس ابھی با افعال و اعمال سیه  
 و انحرافات شدید مشرود و حرکات و سکنات نالایقه دیگر که ذکرش  
 در این اوراق تلخیص عذرا و صریحا نقض گردید و گره اخسری صبر نیت  
 عظیمی بر همگی امرائمه وارد آمد و رواج گریه نکت آفاق را متغیر نمود و شد  
 سینه شد از قلوب ارواح را تر زلزله ساخت طوفان نقض که  
 در کاشفات یوحنا بدان اخبار شده بود بحرکت آمد و مصداق  
 و عود الهیه و اشارات و اندازات کتب سماویه که میفرماید  
 « و طهمه تا بوقت عده فی بیکله و حدشت بروق و  
 اصوات و عود و زلزله و برد عظیم » پدید آید و تلویح

عذاب برکنندگان عهد حضرت رحمان بارید خصن اکبر ساقا و باطل گردید  
و انحصان بابسه و اوراق مصفیه از سرده البیه منفصل شدند.

این رجه کبری و طامه عظمی که بلافاصله پس از صعود سیرافاق  
اتفاق افتاد و خاطرات مصائب جمال اقدس ابعی را از اعمال  
و افعال مطلع اعراض و منع کفر و اغماض تجدید نمود بدوجه ای مکرر نمود  
میشاق الهی را سالم و متاثر ساخت و قلب معدش را آزرده  
و ملول نمود که با وجود قنوجات جلیله و استصارات عظیمه با بهره که در ایام  
قیادت آن طلعت انور در امر حضرت مالک قدر حاصل گردید آثار  
آن احزان و آلام پامایان حیات مبارک در شکل اظهارش باقی ماند و یکی  
از الواح در بیان شدت عظمت این بلا یا این کلمات نیات از قلم پیشا  
ظاهر قسم بحال قدم و اسم عظم که از کثرت انف و حسرت

قلم در بین اصابع این مظلوم از حرکت بازمانده و بداد از تحریر ممنوع شد<sup>(۱)</sup>  
و نیز آن همانند وفادار الواح معدسه و صایا در ذکر زاریای دارد بر  
آن مطلع تقی باین ترانه حسین مترنم «رب ورجائی و منیشتی و  
منائی و مجبیری و یحیی و ملاذی ترانی غریقانی بحار المصائب القاصمه  
للظهور و الزاریاء المصتیبه للتصدور و البلیاء المشتتة للشل و المحن  
و الآلام المفسدة للجمع و احاطتینی الشدائد من جمیع الجهات و اشد  
بے المخاطر من کل الاطراف خائضانی غمار الطامة الکبری  
و اتقانی بسبب لاقوار لما مضطهد امن الاعداء و محترقانی زیر  
البضای من ذوی القسری الذین اخذت منهم العهد الوثیق و  
المیشاق العلیط» و ایضا در همان سفر کریم میفرماید «یا الهی سبکی

علی کل الاشیاء ویفج ببلائی ذوالعتره بی فوغتک یا  
 بعض الاعداء رثوا علی ضری وبلائی وکبوا بعض الحساد علی  
 کربتی غسبتی وابتلائی ودر مقام دیگر این نفسه جانگداز از آن  
 طیر بقا و آرزو تیره جفا سمع شاقان روی صیخش اصل و  
 قلوب از لیب فراق در اتراق « یا صبار الابهی از جهان و  
 جهانیان که شتم و از بی وفا یان دل گشته گشتم و آرزو شده ام  
 و در نفس این جهان چون مرغ بر اسان بال و پر میزنم و هر روز  
 آرزوی پرواز ملکوت میکنم »  
 جمال اقدس ابهی نیز بنفسه المحیطه علی ماکان و ما یکنون دروغ  
 این بلیه کبری را از قبل اخبار و در وصف این مصائب مقدمه نموده  
 باین آیات باهرات تکلم فرموده قوله جللت عظمته « تالله یا قوم کیکی

عینی و عین علی فی الرقیق الاعلی و یضج قلبه و قلب محمد  
 فی السراوق الابهی و یصح فوادى و ائمة المسلمین عند  
 ادلی التلی ان انتم من الشاخرین لم یکن حزنی من نفسی بل  
 علی الذی یاتی من بعدی فی ظلیل الامر سلطان الاحسین  
 لآن هو لاد لایضون بطوره وینکرون آیاته و یجدون سلطانة  
 و یحاربون بنفسه و یخادعون فی امره « و هم حنین مفیسه باید « بل یکن بعد  
 اشه ان شمس بیتک من افق اکبر الواحک ان تنزل قم  
 احد من صراطک لتقسیم قنایا قلم الاعلی نیبغی لک ان  
 تشتمل با امرت من لدی الله العلی العظیم لا تسأل عما ینذوب  
 قلبک و قلب اهل الفسردوس الذین طافوا حول امری  
 الیخ لا یغنی لک ان تطلع علی ما سترناه عنک ان ربک

لهوالتشار العليم

و در حق مرکز تقصیران عظمت در یکی از الواح منسجیه باین کلمات  
 تاملات ناطق قوله البديع قل انه عبد من عباده «و اگرانی  
 از ظل امر منحرف شود معدوم صرف خواهد بود» و نیز در مقام دیگر  
 بصریح بیان میفرماید «تالله انی لو ماخذ عنه فی آمل من ابحین فیوضا  
 الامر لیسقط علی التراب»

حضرت عبد الهیبار روح الوجود الفدا در تأیید بیانات مقدسه  
 منزله از ریاضه جمال قدم جل ذکرة الاطعم راجع بناقضین بیاق و  
 ناکشین عهد حضرت رب الارباب میفرماید قوله العسیر «در آثار  
 مبارک الواح حضرت بهار الله البقه در همه ار موقع مذکور و تفرین  
 بر ناقضین میشتاق میمانند» و در مقام دیگر مسطور «در جمیع الواح و

صحائف تمسک بهمدت را نوازش دستایش فرمودی و منزلت  
 و ناقض را تفرین و کموشش نمودی» هیکل مبارک قبل از عروج بر رفیق  
 اعلی و مکن استی بعضی از آیات و خطابات جمال اقدس ابھی را  
 با همیت عهد و پیمان الهی و لزوم تجنب از ناقضین بیاق یزدانی را  
 در یکی از توقیعات مبارکه صادره از کلام مقدس درج فرمود  
 تا اهل دفاق آگاه و پر آنتسباه گردند و یاران شتاق بو شاق دلبر  
 آفاق در آینه دوز ناکشین پیمان دبا دین عهد حضرت رحمان که حفظ  
 کیان و وحدت امر الله بدان مربوط و معلق است احترام جویند و  
 بحال ثبوت در سوخ در وقایع شریعت الله و دفع شر اعداء الله و صون  
 کلمه الله سعی موفور و همت مسکور مبذول دارند.

## فصل شانزدهم

## طلوع و ستاره‌ها را در غرب

عسبان و طغیان مرکز نقض و هبوب اریاح عظیمه نکت هر چند  
 سراج شایق را در سنین معدوده از ساعه انوار بازداشت و حیات  
 طلعت پیمانرا بنظر عظیم نکت قلوب را متشوش نمود و خدمات  
 و مجهودات را فحش لواهی امر الله و ناشیرین نجات الله را در شرق  
 و غرب از تقدم و پیشرفت سریع محروم ساخت ولی چون بنظر دقیق  
 و بصیر حدید لاطحه نمایم معلوم و واضح خواهد شد که این فتنه باطله در

مؤلمه مانند سایر فتن و محن که از بدو طلوع نیز تحقیقت همکل امر الله را  
 طی یک قرن احاطه نموده بود موجب تطهیر آئین الهی گردید و مایه تشدید  
 شریعت سبحانی شد قدرت و زرانت کلمه الله را ثابت نمود و  
 قوای کمنونه مندمج در هویت این امر اعترضه انی را امیش از پیش بر بیگنا  
 و خویش ظاهر و آشکار گردانید.

الکون که به بنیروی اسم عظم و تاسیسات موعوده جمال قدم  
 بهجات اولیه اهل طغیان و همسات غافلان و ناقضان که قصد انهدام  
 میان حضرت رحمان دادا شدند مندمج گردید و انوار ساطعه از کتاب  
 عهد الهی قلوب ثابتهین در انجمن بر پیمان برار روشن و منور نمود و مقصد  
 جلیل و مقصود عظیم از آن سفر مبین و فصل الخطاب حضرت  
 رب العالمین واضح و آشکار گردید آئین رحمانی مسیر تحقیقی خویش

را در ظل ریاست ایشان ادامه داد و در هیچ قوم که اصابع قدرت ربانی  
برای آن بر رسم نموده بود سالک گردید کتائب یابید هجوم نمود و فیتن  
توفیق بر نصرت اعانت اهل یقین برخواست.

همگامی که مرکز عداقت بر سر خلافت عظمی جالس شد و زمام  
دقبضه قدرت آن حافظ امین قرار گرفت امر الهی در بسیاری از  
واقعات شامه آسیا مخصوصاً در موطن اصلی مبارک نسبت سده  
رحمانیه بقوحت شایان و تقویت شای نمایان نائل آمده بود حال  
آن قائد عظیم و دانش انوار رب قدیم بر آن گردید که در تعزیر و عظیم  
این میراث جلیل که بید اقتدارش سپرده شده قیام نماید و در تحلیل و عظیم  
این دویعه مقدسه همت کجارد مشعل فرزانش را با قالیتم باختر بکشاند  
و بساوی سامیه اش را بسع طالبان و تحسیران حقیقت

برساند و قدمهایی را که از پیش در راه ارتفاع ندای الهی در تقاضای ربانی برداشته  
شده تشدید و تکمیل نماید و بالاخره موجبات حلول عصر ملکوتین و در شمع بهائی را  
بطوری که در الواح مقدسه و صلیبا آخرین نه ملکوتی آن طیر تقاد جهان ادنی  
تسلین شده مهید و قوا هم دو عالم نظم بدیع الهی را در بساط غیر استقر نماید  
هنوز از اول سیر اقیانوس حیدریش از یکسال گذشته بود که از فرم طلعت پیمان  
بشارت عظمائی صادر که از قرب سطوع انوار انبیه و شمول الطاف رحمانیه در جهان  
غرب حکایت نمود این مرده جان بخش که مورد استهزا ناقضان پیمان و استغراب  
بیخبران باختران قرار گرفت بزودی آثارش با هر قوتش ظاهر و بر بانس لامع گردید  
چرخ امر الله در قطب باختر با هزار آمد و قطعه امر یک بنور عرفان نشد و گوی سبقت از  
بر بود و این تقبوت عظمی و مغزت کبری عزت بی منتهی حاصل نمود این فتح عظیم نصرت  
که گلی از خاک خرمیه دره شامی سوب بساط احواز در رقصه نور او در همه قلوب غمزدگان را مالامال

سرور و ابتهاج گردانید.

حصول چنین تحول شدید و ظهور عجیب در شرف و تقدم امر جمال  
 اقدس الهی یعنی استقرار شریعت سجدیه بیضا در خطه امریکه هنگامی که نرسیدن  
 تازه زمام مقام را بدست گرفته و با طوفان مهیب نقص و موانع و مشاغل لاجسی  
 مواجه بود بدینجه خطیر و همین است که بیان از وصفش عاجز و زبان از تحریرش قاصر  
 است چون با بار غیبه حضرت نقطه اولی روح الوجود المطلقه الفداء مراجعه نمایم  
 معلوم گردد که آن وجود اقدس از بدو نشئه امر حضرت رحمان که باب اعظم بروج  
 عالم متفوح گردید تحقق این نصرت عظمی از کتاب قیوم الاسما پیش بینی فرموده پس از چند  
 خطبات مهم غیبه اهل ارض را در و با احترام اهل دیار غرب ابا این خطاب جلیل خطاب  
 میفرماید قوله عزبانه «یا اهل المغرب اخرجوا من ديارکم لنعزلکم.....»

فاجسجوا فی دین الله الواحد اخوانا علی خطا السوا و جمال اقدس

اسبغی بنفسه المقدسه عن الکائنات راجع بظهور آثار الهی و  
 نفوذ کلمه ربانی در آفاق غسبه بیه باین بیان اسع مسکلم قوله  
 جل کبریا «انه اشرق من جهة الشرق و ظهر فی الغرب  
 آثاره» و هم چنین «لویسترون النور فی البرانه یظهر من قطب البحر  
 و یقول انی محیی العالمین» و بشرحی که در تاریخ نعل مسطور بریکل  
 قدم در ایام نزدیک بصعود میفرمود «شمس حقیقت اگر از افاق غرب  
 اشراق نموده بود و این آثار و انوار از آن جهات با تعلیم ایران  
 و سایر بلاد شرق ساطع میگشت واضح و معلوم میشد که اهل غرب  
 چگونه امر الله را استقبال می نمودند ولی مردم ایران قدر این  
 عطیه کبرنی و نعمت بی منتی را ندانستند»

حضرت عبدالمبارک مرکز عیاق یزدانی نیز در این مقام



باین بیانات عالیات ناطق همیشه از ابتدا تا حال چنین واقع  
 شده که نور آسمانی از شرق بغرب تابیده لکن در غرب سطوح شدید  
 یافته امر حضرت مسیح روح مقدس از شرق ظاهر شد چون بر نور آسمانی  
 بر غرب انداخت نور ملکوت در غرب آشکار میسر نمود» و نیز  
 میفرماید «عقرب ملاحظه خواهد کرد که از انوار جهان در غرب  
 شرق میشود ابر رحمت پروردگار میبارد جمیع قلوب بنبرد  
 خرم میشود» و هم چنین «ثم اعلم بان الشرق استفاضت آفتابها  
 بانوار الملكوت و عقرب تعلقا بذه الانوار فی مطالع الغرب اعظم  
 من الشرق و تحي القلوب فی تلك الاقالیم تعالیم الله  
 تاخذ محبة الله الافئدة الصافية» و ایضا میفرماید «امید از فضل  
 و موهبت رب جلیل در این عصر جدید چنان است که اقلیم غرب

شرق شمس حقیقت گردد و احبای آسمانی مطالع انوار و مظاهر آنها  
 شوند»

علاوه بر آنچه ذکر شد در کتاب مستطاب اقدس رؤساء و رؤساء  
 قاره امریکای باین شرف اعظم و دستور فخر اکرم مفتخر قوله الاعز الاعلى  
 «یا ملوک امریقا و رؤساء الجمهوریة... زینوا هیکل الملک  
 بطراز العدل و التقی در رأسه بالکلیل ذکر ربکم فاطمہ السماء کذلک  
 یا ملوک مطالع الاسماء من لدن علیم حکیم... اجرو الکسیر بامادی  
 العدل و کسر و الصیح الظالم بیاطا و امر ربکم الامرا حکیم»  
 حضرت عبد الباقی مرکز عهد آسمانی میفرماید «قطعه امریکای در نزد  
 حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و نشا ابرار و  
 مجمع احرار» و نیز میفرماید «در امریکای آثار تقدم و پیشرفت از همه

نمایان و آینه آن اقلیم روشن و تابان چه که آرائش نافذ  
 است و افکارش فائق و در عوالم روحانیه کوی سبقت از سایر  
 ملل و نخل خواهد بود (۱) « و نیز نسبت با ایالات متحدہ سر حلقہ ممالک  
 امریکایا ابراز عنایت مخصوص میفرماید « فی الحقیقه مردم این  
 سرزمین را چنان استعداد و قابلیت موجود که علم صلح عمومی  
 بلند نمایند و خیمه وحدت عالم انسانی برافرازد و در این  
 امر بر مردم بسیار اطمینان میقدم کردند (۱) « و هم چنین « این ملت  
 بزرگ میتواند با مری مباشرت نماید که صفحات تاریخ عالم بدان  
 ترینین باید دانسته اتم بزرگ خیر و شای او مالوف شود مغرب و طبعاً  
 گردد و مورد نظر عالمیان (۱) « و در مقام دیگر « امید است  
 این ملت آزاد و عظیم اولین ملت جمعیتی باشد که اساس

اتفاق داشتی بین الملل را بنسیان نهد و وحدت نوع انسان  
 را اعلان نماید هر چه صلح عمومی برافرازد و در ایت محبت و یگانگی  
 مرتفع سازد (۱) « و نیز از کلام اطهرش نازل « امید چنانکه  
 مردم این سرزمین معارف مادی را بمعرفت الهی منضم نمایند  
 و از ندیت جسمانی به ندیت روحانی و نورانیت آسمانی گرایند و این  
 حقیقت از این بلاد بسیار جهات سرایت نماید (۱) « و همچنین  
 در توجیه منیع خطاب جمهوریونین و مؤنسات در ایالات متحدہ  
 امریکایا و اقلیم کانادا این کلمات دریات ازیراعه مرکز عدالت  
 الآیات البنیات صادر قوله العظیم « ای حواریون بهما الله روحی کم  
 الفدا... ملاحظه نماید که حضرت بهما الله چه ابوابی از برای شما  
 گشوده است و چه مقام بلند اعلائی مقدر نموده است و چه بوی  
 (۱) ترجمه

یستر کرده است... حال موفقیت شما هنوز معلوم و مفهومی نگشته عمیقتر  
خواهید دید که هر یک مانند ستاره های درمی درخشنده در  
آن افق نور هدایت بخشید و سبب حیات ابدیه اهل امریک شدید  
و هم چنین میفرماید « این خدا، الهی چون از خطه امریک بارو پ  
و آسیا و آفریک و استرالیا و جزایر پاسیفیک رسد اجای  
امریک بر سر سلطنت ابدیه جلوس نمایند وصیت نورانیت و هدایت  
ایشان با فاق رسد و آوازه بزرگواریشان جهانگیر گردد، و در مقام  
دیگر خطاب بیاران آن سامان میفرماید « این کار عظیم است  
اگر بان موفق شویم تا امریک مرکز سنو حیات رحمانیه گردد و سریر مملکت  
الهی در نهایت حشمت و جلال استوار یابد»

جامعه بنایان امریک در اثر قوای خلاقه عهد و میثاق الهی

در سرزمینی که بچنین مواهب عظیمه و استعدادات عجیبه کامله  
مزین بود و جو آمد و از شدی محبت مرکز پیمان بنوشید و در ضمن  
شفقت و عظمت آن مولای مهربان پرورش یافت و کتب  
عهد و ایمان درس ثبوت و ایقان بیا مویخت و در طی پنج سال  
حیات روحانی خود با انجام خدمات بدیعه خطیره موفق گردید و صفات  
مشغلی از قوای و انتصارات با بهره بر تاریخ امر حضرت بهمان  
نیزود، نزول الواح منبعه و ارسال تعلیمات کافیه شافیه بوسیله  
زائرین بقبه احدیه که از حضرت مبارک سیکل اکرم و سوره الله الاقوام  
معاودت مینمودند بچنین اعزاز رسولان مخصوص بان دیار خصوصاً  
سیر و حرکت آن قدوه اهل بهباد و منادی مملکت ابھی  
در بلاد امریک و شرح مقام و عظمت عهد و میثاق الهی طی آن

انفار طولانی و بالآخره صدور فرمان عظیم الشان تاریخی برینج  
 تبلیغ و تشنه ملکوتی سالار چند بدنی آن جامعه مستعد را به تکالیف روحیه  
 خویش آشنانمود و به تحقق اهداف و اجراء وظائف محوله دلگرم  
 و امیدوار ساخت.

این جامعه جدید التاسیس از آغاز طلوع و ظهورش باغزنی راسخ  
 و تصمیمی خلل ناپذیر قدم در میدان خدمت نهاد و در ظل لوای میثاق  
 درایت محمد محبوب آفاق بر بشیر دین الله و اعلام کلمه الله قیام  
 نمود و در اثر هم و مساعی مستمره و مجهودات موفوره مشکوره پرچم امر بها  
 را در قسمت اعظم از اقالیم شصت گانه خاور و باختر که در نطاق دایم  
 الاتساع آئین بزرگانی وارد گردیده بر افراشت و به تمهید  
 اساس و نصب قواعد و دعائم تاسیسات اداری مشتمل بر

جهان آرامی آئین مبارک نمود و در این امر او عظیم شکر گردید و  
 باین افتخار و امتیاز حلیل مخصوص و ممتاز شد. مقاصد و مآرب اهل  
 بسا را من دون ستر و خفا اعلان نمود و در نشر آثار امریه و  
 معارف روحانیه جدیدین مبذول داشت ام المعابد غرب رفر  
 بدینت آئینه و شرق انوار سبحانیه با تقن و جود ابداع طهر از  
 و قلب امریک بید آن ناصران و مجاهدان امر حضرت رحمان بنیان  
 گردید یکی از مشروعات فخریه و عظیمه منصوصه در کتاب مستطاب آقا  
 تقن و اکمال پذیرفت بهمت و انقطاع کلی از درقات موفقات  
 و اما مبلغات این جامعه بلکه ای از ملکات مجذوب امر حضرت  
 رب الآیات البیانات شد و بصرافت طبع و طیب خاطر بصبر و ابلاغات  
 متابعه میده در مع دستایش تعلیم قیمه آئینه پرداخت و عقیده راسخ

خویش را نسبت ب عظمت و علویت مبادی سامیه این امر عظیم  
 اعلام نمود این نفوس زکیمه حارسان حصن حصین و رافعان علم نبین که  
 فی الحقیقه اعتقاد روحانی مطالع انوار عصر رسولی این دور تقدیر  
 محسوب در مواردی بکمال خلوص و انبساط و محبت و اشتیاق  
 مدافعه از حقوق مظلومین و اعانت محتاجین و حمایت امین و  
 مؤتسات امریه که از طرف برادران حقیقی آنان در اقطار شامه  
 ایران و روس و مصر و عراق و آلمان بنیان گشته بود پرداختند  
 و با سخا مختلف در تخفیف مصائب یاران که در اقالیم مذکوره بجهن و  
 آلام و تضییقات شرادی و مذنبی گرفتار بودند بجهت گماشتند و این  
 افتخار بدیر برای خود اندوختند.

اولین اشاره عمومی نسبت ب امر مقدس بهائی و شایع عظیم

آن در بلاد امریک یکسال پس از صعود مبارک جمال آمد بس بجهت  
 حل ذکره الاعلی اتفاق افتاد و این ابلاغ و اعلام بر حسب تصاد  
 از سان یکی از کیشان دروسای فرقه ای از فرق ملت  
 روح مسمول گردید که امر آنه از جانب آن فرقه رحمت و  
 رنجهای فرادان دیده و سالهای تمامای ناکزیر مبارزه و مدافعه  
 بوده است و تفصیل آن اینست که در تاریخ سپتامبر ۱۸۹۳ میلادی  
 بناسبت اتفاقا جشن چهارصدین سال کشف امریک و افتتاح نیایگاه  
 کلیسای لکده جهانی ادیان در شیکاگو تشکیل گردید و رئیس مشیرین

1- Columbian Exposition

2- World Parliament of Religion

مسیحی متسیم شامات شمالی از طایفه «پرسی ترین»<sup>(۱)</sup> موسوم به  
 «هنری جسیپ»<sup>(۲)</sup> و کتور آلیات پیامی مکتوبه مذکور ارسال  
 داشت و آن پیام توسط «جورج فورد»<sup>(۳)</sup> قسّس شامات در آن مجمع  
 بزرگ قرائت گردید مضمون آنکه «یلفر فلیوف و حکیم مشهور ایرانی  
 از صدتسین بابی اخیراً در نیه عکا در گذشته دو دو سال قبل از  
 یکی اردانشندان و محققین دارالفسنون کامبرج حضور حضرتش  
 گشته است حکیم مذکور در این ملاقات بیاناتی چنان لطیف و بدیع

- 1- Presbyterian Missionary Operations in North Syria
- 2- Rev. Henry H. Jessup, D.D.
- 3- Rev. George A. Ford
- 4- Cambridge

و تعالیمی چون تعالیم مسیح رسیع و فیح القانموده که نگارنده نامهربانی  
 در مقام آن برآمده که خبر آنرا بسبع حضار انجمن رساند و آنرا  
 در احساسات رقیقه ای که برای وی حاصل شده شریک و همساز  
 بدین ترتیب مردم آن سرزمین اجمالاً از وجود مقدّس حضرت  
 بهاء الله و تعالیم آنحضرت استحضار یافتند و اذعان برای اعضاء  
 کلمه آئیه که بعد از طرف ناشرین و مبلغین امر الله اظهار گردید مستعد  
 و حاضر شد.

آنانفسی که لوای امر الله را در خطه امریک باند نمود و کتبی بود  
 از اهل سوئیة موسوم با براسیم خیر الله که هنگام اقامتش در قاهره مصر  
 به منت حاجی عبدالکریم طهرانی با امر آئیه اقبال کرده بود مشایره  
 در ایام اخیر حیات مبارک حضرت بهاء الله زیارت توقیفی از یراصه

الطهر منقحر گردید و در ماه دسامبر ۱۸۹۲ میلادی با کسب اجازه از  
 محضر انور حضرت عبداله با بجانب امریک غریمت نمود و چند ماه  
 پس از انعقاد کنسره فوق الذکر یعنی در تاریخ فوریه ۱۸۹۴ محل  
 اقامت خویش را بشیکاگو منتقل ساخت و با نهایت جدیت  
 ب تبلیغ و نشر مبادی این امر عظیم مشغول گردید و پس از انقضای  
 دو سنه شرح خدمات و موفقیتها فی راکه در ابلاغ کلمه الله و ایضا  
 نفوس نصیب او گشته بود بحضور مرکز میثاق معروض داشت  
 و از لسان مبارک با القاب « پطرس صبا » و « کلومبوس ثانی »  
 و « فاتح امریک » ملقب و مقرر شد سپس در تیسبه مساعی وی ندا  
 امر الله در سال ۱۸۹۵ از شیکاگو به کنوشا کشیده شد و خیر الله

هفته ای یکبار برای بشیر دین الله بدان شهر میرفت و یکسال بعد  
 عدد مونسین در دو نقطه مذکور بصد ما نفس بالغ گردید ضمن خیر الله  
 کتابی بنام « باب الدین » در باره ظهور بدیع تالیف و در سال  
 ۱۸۹۷ بطبع و نشر آن مبادرت نمود آنگاه بشهرهای کانساس نیویورک<sup>(۱)</sup>  
 و ایسا کا و فیلا دلفی حرکت کرد و جمع کشیری از طالبان حقیقت را  
 در دایره محققین طسه فداران این آئین نازنین وارد ساخت .  
 از جمله نفوس مبارکه که در سنوات اولیه اعلام امر الله در  
 آن اشیم دعوت الهی را اجابت و حیات پر انوارشان را در  
 بسیل اعلام کلمه الله و نشر نفعات الله و خدمت عهد و میثاق الله

صرف نمودند عبارتند از ثرن تون<sup>(۱)</sup> چیس غنصر شیح و بزرگوار که  
 در سال ۱۸۹۴ تصدیق امر مبارک فائز و از قلم میثاق بلقب  
 «ثابت» بلقب و از لسان طهر به «اول مؤمن امریک»  
 موصوف و منقوت گردید و یکد لوئیز امور<sup>(۲)</sup> ام المبتغات غرب که  
 ذکرش الی الابد مستند و جاودان و از قلم مبارک بلقب «لوا»  
 یعنی پرچم بلقب شد و یکد کتر ادوارد گتسینگر<sup>(۳)</sup> که خانم لوا بعدا به همسری  
 وی در آمدن محققین هوارد نکات<sup>(۴)</sup> - آر توردوج<sup>(۵)</sup> - ایرا ایلایر<sup>(۶)</sup> سیکلیام

- 1- Thornton Chase
- 2- Louisa A. Moore
- 3- Dr. Edward Getsinger
- 4- Howard Mc. Nutt
- 5- Arthur P. Dodge
- 6- Isabella D. Brittingham

لیلیان کپس<sup>(۱)</sup> - پول دیلی<sup>(۲)</sup> - چستر ساچس<sup>(۳)</sup> و هلن گودال این  
 ذوات مقدسه مانند نجوم بازغه از افاق عننت ابدیه  
 طلوع نمودند و ما شان پیوسته صفحات تاریخ با تائیس و  
 استقرار شریعت الله در خطه امریک توأم و هممنان خواهد بود  
 در سال ۱۸۹۸ خانم فوبه هرنست<sup>(۵)</sup> (زوجه سناتور جورج هرنست)<sup>(۶)</sup>  
 که با احساسات و عواطف نوع خواهی و بشر دوستی معروف  
 و در اوقات مسافرت خانم کتسینگر با لیلیان نیابوسیله مشارک

- 1- Lillian F. Kappes
- 2- Paul K. Dealy
- 3- Chester I. Thatcher
- 4- Helen S. Goodall
- 5- Mrs. Phoebe Hearst
- 6- Senator George F. Hearst



بام مبارک اقبال نموده بود شاق زیارت روضه مبارکه علیا  
و تشریف بساحت اقدس حضرت عبدالهبار گردید و نیت  
خویش را با جمعی از دوستان از جمله دکتر گتسینگرو همسروی و دکتر  
خیر الله قسیرینه اش در بین نهاد و آنها را دعوت نمود که در  
این زیارت تاریخی باومی بمقدم شوند و بیات اجتماع بگویی  
محبوب ستانند برای این شخصاً و سائل سفر را مهیا ساخت و  
نفوس مذکوره بحال حب و شوق بصوب اردب بسیار گردیدند  
در پاریس چند تن از دوستان رحمانی امریک مقیم آن نیت  
از جمله امه الله المنجد به «می ایس بولز» که بوسیله خانم گتسینگرو

<sup>(۱)</sup> May Ellis Bolles

بام مبارک مشرف شده بود و «میس پیرسن» <sup>(۱)</sup> و «آن اپرسن» <sup>(۲)</sup>  
خواهرزاده های خانم هرست نیز آرزو مند طواف کعبه معبود شدند  
و بصحبت «میس سورن بوزغ» <sup>(۳)</sup> و دخترش آن کاروان آلمی  
پیوستند در مصر نیز صاحبای می دکتر خیر الله و جده آنها که اخیراً  
بوسیله مشارالیه در ظل امر مقدس وارد شده بودند بیات از این منضم گشتند  
و کل خاضعاً خاشعاً آهنگ ارض مقصود و عزم مقام محمود نمودند.  
این بیات مجله اولین زوار بقعه احدیه که عدو شان سازند  
نفس بالغ بسه دسته تقسیم شدند دسته اول که دکتر میس گتسینگرو

1- Miss Pearson

2- Ann Apperson

3- Mrs. Thornburgh

در عداد آنها بودند در تاریخ دهم دسامبر ۱۸۹۸ بمده محسنه  
 عکادورد نمودند و بحضور انور طلعت من طاف حوله الاسماء شرف  
 گشتند و از کانس قهای میثاق سرست شدند این تماس که  
 بین مرکه محمد و پیمان حضرت بهاء الله در اقصین و مجتین جدید امر  
 متدش در غرب حاصل گردید و سیجان احساسات لطیفه  
 روحانیه ای که هنگام تبیل عقبه مقدسه علیا برای آن عشاق جمال  
 ابی دست داد و افتخار عظیمی که بوفود در ضریح مقدس و مضع انور  
 اندس در ملازمت هیکل میثاق نصیب آنان گردید و سورد  
 که در ارضایات و الطاف مبارک در مدت کوتاوه تشریف در قلوبشان  
 ایجاد شد و سعه محبت و انجذابیه که نصایح و تعالیم الهیه در زجا سبه  
 وجودشان برافروخت کلا بر افتتاح فصل جدید و دور بعدی

در تشریح و توسعه امر الله و تشریح و تالیس ملکوت الله در عالم  
 بانقر و لالت می نمود که ساعی و مجهودات جلیله بعضی از همین زائرین قیام  
 و انقطاع سایر دوستان آئی در غرب عظمت و اهمیت آن را در  
 سنین مؤخره واضح و آشکار گردانید.

یکی از زائرین در بیان احساسات روحانی و عواطف قلبی که از  
 اولین تشریف باستان مبارک برای وی حاصل گردید چنین  
 بیان کرد: «خاطراتی که از تشریف بحضور مبارک حضرت عبدالبهار در  
 باقیاننده تفسیر و تفسیر در نیاید و الفاظ و عبارات تبیان و ترجمان شوند  
 در آن ساعت توه عظیمی سرپای وجودم را احاطه نمود که بالمره خود را  
 فراموش کردم و عقل و هوش از کف بدادم حالتی دست داد و متدس  
 از حسن و سرور و کفایتی نمره از ذکر و بیان همی مقدر میدانم که باز یار

وجهش طیر حوسم و فضای لامکان سپه دار آمد و جان در دام  
 با جهان بالا و عالم لایتنهای و مساز گردید محو طاعت بی تلاش  
 گشتم در زخم بیانات روح پرورش نصیب موفور بروم آنچه  
 فرمود بسمع قبول اصفا کردیم و آنچه از آیات و تعالیم بدیده  
 القانمود در صفی ضمیر مرقم ساختیم و محضر مبارکش شستیم و چون  
 پروانه حول سحرش مجمع شدیم ولی از خود بخود بودیم و گونگی  
 در قید حیات نیستیم و چون آن بیکل مقدس قیام فرمود  
 ناگهان ما را وداع نمود بخود آمدیم و جان رفته بایمان بازگشت اما شکر  
 ساحت محبوب را که دیگر حیات احیات اولیه نبود بلکه نشی  
 جدید بود و روحی بس لطیف و بدیع،

و باز همین زار غلبه آتی از کیفیت آخرین سخنانی که بدرک محضر

انوریشاق موق شد میسوزید « بقوت عظمت تعالیم مبارکش  
 خوف بابایان و ضحان بقوت و خرمایان بسر و تبدیل شد از قسط  
 عشق و محبت آن دلبر احدیت خود را فراموش کردیم و چون برای  
 استماع بیانات و مقابل آن وجود اقدس شستیم بعضی از دوستان  
 از شدت عشق و غلبه ان احساسات اشک شوق از دیده جاری  
 ساختند آن تسلی دهنده قلوب آنانرا نوازش فرمود و دلداری داد و داد  
 فرمود اشک از دیدگان برزایند و بواهب الیه مسرور و دانا  
 باشند ولی دلنا چنان شقیقه آن مه تابان و منجذب آن یار مهربان  
 بود که سکون و آرامش میسر گردد و غلبه بر جذبات شوقیه مقدر لهذا  
 بیکل اقدس مجدداً با اظهار عنایت و عطفوت لایتنهای فرمودند  
 گریه نکنید گریه نکنید و تا کنید نمودند که تا اشک از دیده پاک نشود

و صد در محبت محبوب مطمئن و سرور گردد محبت نخواهند فرمود و ما را ایم  
نخواهند داد»

خانم هرست نیز شخصاً در یکی از مکاتیب خویش مینویسد «آن سه  
روز که در محضر مبارک گذراندم از بزرگترین و تاریخی ترین ایام حیات  
من محسوب است... قلم از وصف آن بیگانه است و عاجز و  
بیان از توصیفش قاصر است بقیه قدر از اعماق قلب متعجبم که اوست  
مولی و آقا و سید بزرگترین افتخار و عزت و شرف و ثقیب من  
در آن است که در این جهان بدرک محضر انورش فائز شدم و دیده از  
وجه غیرش روشن کردم... بدون تردید عباس افندی مسیح  
این عصر و نوبی و نبی این نسل است و با وجود مقدسش ما را انتظار  
ظهور جدیدی نه در تصدیح دیگری نیست» و در نامه دیگری مینویسد:

«باید اعتراف کنم که مرکز حمد و میثاق کفایت انگیزترین نفسی است  
که در حیات خویش ملاقات نموده و یاد عالم ناموس است انتظار ملاقات دارم  
نموده قدرت عظمی که در آن طلعت احدس موجود و به نفسی که بغیض  
دیدارش موفق القامی نماید غیر قابل شریح است و تصور و ادراک  
دریاید من تمام قلب و روان بآن ذات مقدس ایمان دارم و  
اسید دارم آنکه در ایام حیات از قیاس بویف میثاق اششام نموده و خود  
را در مرتبتین استقلین و ظل حضرتش میبازند جمع عظمت و جلال او را  
دریابند و لسان بده و شنایش گشایند زیرا بیقین مسین است  
این الله و اوست نفسی که روح آب سماوی در وجود مبارکش  
شکل و مشرق است»

عنایات و اللاف بیکل مبارک نه تنها جاذب قلوب و دستان

بود بلکه مقامیست حش ائمه یگانگان را نیز نمفتون و مجذوب  
 میساخت چنانکه گماشته خانم هرست موسوم به رابرت تورنر<sup>(۱)</sup>  
 از سردار سیاه در اتریشارت جمال پیمان و ملاحظه جلال و عظمت آن  
 نیرتابان شیشه و حیران گردید و در حلقه مومنین وارد شد و او اولین  
 نفسی است که از این سیاه پستان امریک در ظل این امر اعظم  
 درآمد و باین عنایت غلطی متفکر گردید مراتب اشتیاق و انجذاب  
 این خادم سیاه بدرجه ای بود که حتی پس از آنکه خانم ویستش که او را  
 بی نهایت محترم و گرامی میداشت بنوع غیر منطقی متوقف  
 گردید و از ادامه طریق عشق که خود بطیب خاطر و علاقه و انس اختیار  
 نموده بود باز ماند ابد او حرارت و نورانیت وی تا سیر طرد و بیسبب

از میزان شوق و ذوق و دله و محبتی که الطاف مبارک حضرت عبدالمبارک  
 در قلب او ایجاد کرده بود نکاست بلکه در خلوص ثابت تر شد و در جذب  
 و شورش انحراف گردید.

زائرین که از نصیب ای غایت آئینه سرشار و انجام است  
 سرست شده بودند پس از انجام این سفر تاریخی با غرضی قاطع و فوادی  
 منجذب و روحی مستبشر با دستان خویش معاودت نمودند و در اقالیم  
 فرانسه و انگلستان ایالات متحده امریک تبریح و بشیر تعالیم  
 رحمانی پرداختند تا آنکه دایره خدماتشان دست یافت و نطاق  
 مجود ایشان در ارد پای غربی و ایالات و ولایات قاره امریکای  
 شمالی منبسط گردید و کسب اهمیت نمود بدرجه ای که مرکز عهد و میثاق  
 الهی اراده نمود که بجز استخلاص از سجن نفسه المتدلس قیام نیاید

وجه ابلاغ کلمه الله و تائیس مملکت آلبه بجان غرب تابد و به شوق  
دوستان تمشیت امور امریه آن سامان پردازد.

یکی از روفاقت موفقات که پس از معاودت از کوی محبوب  
بکمال محنت و جانفشانی بخدمت امر الله و اعلا کلمه الله قیام نمود  
امر الله المنقطع می بولز بود که ناش از پیش مذکور گردید این  
آیت هدی و منادی ملا اعلیٰ موجب دستورات الیه طلعت  
عیاق تائیس اولین مرکز بهائی قاره اروپا در پاریس مبادرت  
ورزید و در انجام این امر خطیر سعی و اهتمام فسیر بذول داشت و  
آن مرکز امریه بفاصله قلیل در اتر اقبال جمعی از نفوس خالصه زکیه  
تقویت گردید از جمله مستظلمین در کل کلمه الله تماس بر کول بود<sup>(۲۱)</sup>

نور مصور در محرم که مورد الطاف و عنایات بیکران بگل  
پیمان واقع اولین فردا کلیسی است که بشیریه آلمیه وارد و احشاش  
بیاران پاریس سبب فرید اشتغال آن جمع گردید دیگر  
هیپولیت دریفوس<sup>(۱)</sup> اول مؤمن فسرانسوی که کتب و آثار  
و ترجمه ها و مسافرتها و خدمات جلیله با بهره اش علت استهلاک ممکن  
امر الله در آن اقلیم شد دیگر خانم لورا بارنی<sup>(۲)</sup> که بیانات گران بهائی را  
که طی دوره خدمت زیارتش در ارض مقصود از لسان مبارک در جواب  
اسئله خویش در مواضع مختلفه اصفا نموده جمع آوری و تدوین  
کرد و بنام مفاد و ضات عبدالبهائیه منتشر ساخت و با انجام این خدمت  
فراوش نشدنی بگنجینه امی از حقایق روحانیه و لسانی شینیه

بدیه برای اعتاب باقی گذاشت و افتخار ابدی برای خویش  
ببند وخت .

در سال ۱۹۰۲ میلادی یعنی سه سنه پس از تشکیل اولین مرکز  
بھائی اردو پ خانم می بولز که در آن هنگام بازواج یکی  
از امالی کانادا آورده بودند محل اقامت خویش را بشهر مونتريال منتقل  
ساخت و در آن مزد بوم به نشر نجات حضرت قیوم پرداخت  
و بنهایت حرارت و انجذاب با استقرار و استحکام شریعتہ اللہ در خطہ  
کانادا مالوف گردید

1- May Bolles

2- Montreal

از جمله از اماذ اثرات میس سورن بونگ کرار بود که پس از مراجعت از <sup>معدن</sup>  
باروجی سرشار و قلبی طاف از محبت الہیہ در لندن بخدمت تبلیغ  
امرائتہ قیام نمود و دست بکار اقدامات و مشروعاتی گردید که اندک  
اندک بہمت و محافظت دوستان اولیہ انگلستان بلا تخص  
مساعی جمیلہ ایسل روزنبرگ که در سال ۱۸۹۹ با مبارک اقبال  
نموده بود بسط و توسعه پذیرفت و در سنین مؤخرہ یاران جسزائر  
بریلانیای کیسیر تاسیسات امریہ خود را بر اساس آن مجبوبات  
محکم و استوار نمودند .

اما خیر آنکہ اولین قدم را در اعلا کلمہ الہی در خطہ امریک

1- Mrs. Thornburg—Cropper

2- Ethel J. Rosenberg

برداشت و لوازم شریعت الهیه را در مدینه شیکان خو برافراشت پس از  
 بازگشت از ارض اقدس دچار انحراف گردید و بجا گفت مرکزین  
 قیام نمود و تجدیدش اذعان و شتیت شل یاران پرداخت و دوستان  
 آن سرزمین را که تازه پروبالی گشوده و قصد پرواز در آسمان امرا  
 نموده بودند بجز امتحانات و افتانات شدید سر او را لیکن جامعه  
 بهائی امریک از روبرو امتحان متزلزل گشت و از آشوب و انقلاب  
 که آن نفس مغرور به عاصدت ناقص الکر و جمعی دیگر از ناگشتین بیایق  
 برانگیخته بود آفسرده و ملول نشد و باعمال شعاع الهیه سرزند مرکز نقض  
 که برای افشاندن بذر نفاق بان اسیلم گیل گردیده و همچنین تلقینات  
 روسای ملت روح که از بسط و نفوذ امر الهیه در حد شدید افتاده بودند  
 ترتیب از نهاد بلکه برکت تعلیمات مستمره مولای حسنون و صدور

الواح و آثار منسیه و اعزام مبلغین و مأمورین مخصوص از طرف  
 هیکل مبارک مانند حاجی عبدالکریم طهرانی و حاجی میرزا حسن خراسانی  
 و میرزا اسدالله و جناب ابوالفضل و سیر و سفر نفوس بگور  
 در نقاط مختلفه آسمان عرفانش کلیل و ارکانش تقویت و روح ابر  
 در قلوب اعضایش جاگزین گردید و بقوت ایمان و سطوت پیمان  
 بیک رشته از خدمات و اقدامات جلیله ای دست زد که در سفر  
 مبارک بصنفاست غرب مورد تأیید و تقدیس هیکل اطهر واقع گردید و  
 بعد از دوره تکوین نظم ابدع اعظم پایه مشروعات و تأسیسات  
 عظیمه ای قرار گرفت که افراد آن جامعه غیور و خدوم طبق الواح مبارکه  
 و صایا بدان باشرت نمودند و در تقویت کلیل آن سعی و غیرت  
 بلیغ مبذول داشتند.



اجامی شیخان و در سال ۱۹۰۰ میلادی تشکیل بیاتی بنام  
 «بیات شور» که بعداً بعنوان «بیت عدل» آئی و پس به  
 «بیت روحانی» خوانده شد مبارک نمودند بیات فروردین حقیقت  
 بمسئله اولین فصل از محافل روحانیه ای که قبل از اختتام قسم اول  
 بهستانی سراسر کشور پهنای امریکارا از شرق تا غرب پوشانده بود  
 محسوب میگردد. در سال ۱۹۰۲ جمعیت دیگری بنام «موتسه  
 مطبوعات بهائی» بنظر اشاعه کتب والواح در همان مدینه تائیس  
 در «شهر امری» جهت تبلیغ و نشر نفعات آئینه در شهر نیویورک منتشر شد

- 1- "Council Board," 2- "House of Justice,"  
 3- "House of Spirituality,"  
 4- "Baha'i Publishing Society," 5- Baha'i Bulletin

پس ورقه ای بنام «اخبار امری» که در فواصل معین اشراف می یافت  
 در شیخان تنظیم گردید و پس از چندین اخبار مذکور بصورت مجله آئی  
 بنام «غیب باختر» درآمد نگاه برخی از الواح و آثار همه حضرت بهاء آینه  
 مانند کلمات مبارکه نمونه و کتاب مستطاب ایقان والواح طوک و  
 هفت وادی مع توقعات مبارکه حضرت عبدالهبا، و چند فقره خطابات  
 در رسالات از قلم جناب ابوالفضائل مبلغ و نویسنده شهیر امرالله و  
 بعضی از مستغنیین و ناشرین نفعات آئینه کمال بهمت ترجمه و نشر گردید و با  
 مکاتبه با مراکز مختلفه بهائی در سراسر شرق منقوح شد و در روز بروز برود  
 و اهمیت این مجازات بیفزود و بالاخره تاریخ مختصر امر و کتب و

رسائل نفیہ و اثبات حقانیت این مہوار اربع جلدیہ برشتہ تحریر و آند  
 و مقالات متعددہ جہتہ برج در جہر اید و شرح مسافرتہای سفین و  
 یادداشتہای زائرین و پارہ امی اشعار و سرودہای امریہ تدوین و  
 بین یاران و محسبان حقیقت نشر کردید.

و چون دوستان آن سامان فارسان مضمار احدیہ و مشطاران  
 مدنیہ الیہ از طوفان سہگین امتحانات و افتانات خلاصی یافتند  
 بخلوصی حریت ایلیر و غمی خلل ناپذیر بہ بشر و تبلیغ کلمہ اللہ و تخریر  
 و دیار و شید حصین امر اللہ قیام نمودند و علم شریعت اللہ را در  
 بلاد « واشنگٹون » و « بوسٹن » و « سانفرانسیسکو »

- 1- Washington 2- Boston 3- San Francisco

و « لاس آنجلس » و « کلیولند » و « بالتیمور » و « مینیاپولیس »  
 و « بو فالو » و « راجسٹر » و « پیسبورگ » و « سی اتل » و « سن پول »  
 و نقاط اشہری برافراشتند و با عشق و علاقتہ مخصوص وطن بالوف را  
 ترک نموده بشر تعالیم الہیہ و ترویج بشارت سماویہ و تاسیس مراکز  
 جدیدہ و سرکشی و تقویت تعلق موجودہ و توطن در اقالیم عبیدہ  
 پرداختند و انوار الہیہ را بقلب اروپ و شرق اقصی حتی جزایر  
 مانیہ پانسیک و قلب محیط اعظم متواصل ساختند.

- 1- Los Angeles 2- Cleveland 3- Baltimore

- 4- Minneapolis 5- Buffalo 6- Rochester

- 7- Pittsburgh 8- Seattle 9- St. Paul

از جمله اسفراهای تبلیغی و تشویقی که از طرف اجنای امریکای  
 آمد مسافرت مین<sup>(۱)</sup> یکی بصفحات روسیه و ایران است شارالیه  
 بعداً بصیت هوارد استروون<sup>(۲)</sup> برای اولین بار در تاریخ بهائی بدو  
 جهان گردش نمود و در طی طریق بحسن اثر باوایی و در این چین  
 و هندوستان بر همه سرکشی کرد و بر نیارت و دوستان موفق گردید  
 ایران خپور هوپر هریس<sup>(۳)</sup> و مارلان ابرنیز قریب بهفت ماه در اقطا  
 هندوستان بر همه حرکت نمود و در بلاد بستی و پونه و لاهور و  
 کلکتہ و رنگون و مندله بر نشر آثار و سطوع انوار پرده اخفا شده آینه آینه المانیا<sup>(۴)</sup>  
 ک<sup>(۵)</sup>

- |                  |                   |
|------------------|-------------------|
| 1- Mason Remey   | 2- Howard Struven |
| 3- Hooper Harris | 4- Harlan ober    |
| 5- Alma Knobloch |                   |

بر اثر اقدام دکتر فیشر<sup>(۱)</sup> قیام نمود و علم امر الله را در آلمان بر او نوشت  
 و مشعل فسر و زبان کلمه الله را تا خطه اطیشش پیش برد حضرات  
 خادمین و خاددات جانفشان آئی و دکتر سوزان مودی<sup>(۲)</sup> - سید  
 اسپریت<sup>(۳)</sup> - لیلیان کپس<sup>(۴)</sup> - دکتر سارا کلاک<sup>(۵)</sup> و الیزابت استوارت<sup>(۶)</sup>  
 بمطوره همکاری با یاران ایران و شرکت در خدمات روحانیه انسانا  
 بعاصمه مملکت عنیمت دور مدینه منوره طهران اقامت اختیار نمودند و  
 از انار حمن که خدمات مهمه موفق گردید سارا فارمر است که از سنین<sup>(۷)</sup>

- |                     |                      |
|---------------------|----------------------|
| 1- Dr. K. E. Fisher | 2- Dr Susan I. Moody |
| 3- Sydney Sprague   | 4- Lillian F. Kappes |
| 5- Dr. Sarah Clock  | 6- Elizabeth Stewart |
| 7- Sarah Farmer     |                      |

قبل یعنی ارسال ۱۸۹۴ میلادی در گرین اکر در ایالت مین به  
 تاسیس کنفدراسیونهای تابستانی اقدام تشکیل مرکزی جهت تحقق  
 در ادیان ایجاد اخوت و اتفاق در بین ملل و اجناس مختلفه  
 کرده بود خانم مذکور پس از ورود و در ظل امراته و شرفش بارض است  
 در سال ۱۹۰۰ میلادی کلمه آن تاسیسات و تسکيلات را در احتیاء  
 پروان امراته قرار داد و وقف مصاحح شریعه الله نمود.

علاوه بر خدمات و جهودات مذکوره دوستان پر شور و حرارت  
 شیخانغوز بهمان اوائل امر به پیروی از یاران در استان حسن آباد  
 که بانی اولین مشرق الاذکار عالم بهائی بودند بکرتائیس

مشرق الاذکار جدیدی در خطه امریکه افتادند و آنرا بهترین وسیله  
 جهت ابراز تعلقات قلبیه و جسم احساسات و عواطف روحانیه خویش  
 شدند این بود که با شوق و وله فراوان از ساحت مقدس طلعت  
 پیمان کسب اجازه نمودند و تصویب مبارک را جهت مبارک باش  
 چنین شروع سردی الاثار خواستار شدند بیکل مبارک نیت پاک  
 آنرا تصدیق و این مسؤل را طلی توقع مخصوص که در ماه ژوئن ۱۹۰۳ میلادی  
 از یراهه فضل و عظمت آن قسوده اهل محبت صادر بکمال شرح  
 دسترس و عظمت و عنایت تصویب فرمودند این بود که یاران آن  
 مدینه با وجود قلت عدد و محدود بودن وسائل در راه احداث این  
 شروع بدیع که فی الحقیقه بزرگترین خدمت جامعه بهائی است  
 بل بهائیان بابت نسبت بامر مبارک حضرت بهار الله بشمار میآید

قدم نهادند پس شویعات ستم‌محرر شتاق و اعاناتی که از امر آن  
و محافل مختلفه امریه برای انجام این امر خطیر و اصل گردید محفل روحانی  
شیکاگو را بر آن داشت که نمایندگان کافه دوستان نقاط  
متعدده امریک را دعوت و برای مباشرت در این تائیس عظیم  
و جلیل که مطمح نظریاران و مورد تأیید و علاقه مرکز چنان بود شورت و  
تبادل افکار نماید در این دعوت و کلامی اغرامی در تاریخ ۲۶ نوامبر  
۱۹۰۷ در شیکاگو مجتمع شده با انتخاب یک هیأت نه نفری مبارز  
و امر تعیین محل مناسبی را برای ارتعاع مشرق الادکار بهیأت مذکور  
محوّل نمودند اولین قدم در سپیل اجزای این منظور را تم در نهم آوریل  
۱۹۰۸ میلادی برداشته شد و مبلغ دو هزار دلار جهت تاسیس  
و دوطرفه زمین در جوار شتین مرکز جدید التاسیس امرائمی واقع در کنار

دریاچه میشیگان تأدییه گردید پس در ماه مارس ۱۹۰۹ بموجب تعلیمات  
و اصله از ساحت مبارک حضرت عبدالبهار انجمن شوری از نمایندگان  
مراکز مختلفه بهائی امریک تشکیل شد و سی و نه نماینده بوکالت از طرف  
دوستان سی شیش مرکز امری آن ارض در همان روز که تربت  
قدس اله حضرت نقطه اولی در مقام مخصوص در صبح جبل کرمل  
استقرار یافت در شیکاگو مجتمع گشته جهت تمشیت امور مشرق الادکار  
سازمان ملی دائمی بنام «هیأت معبد بهائی» ایجاد نمودند و این  
تائیس حسب مقررات و قوانین جاریه ایالت ایلینویز بعنوان<sup>۲۱</sup>  
یک شرکت مذہبی تحصیل و بانجام وظائف مربوطه مشغول گردید

ضمناً در همین پنجمین شور که در حقیقت اولین مؤتمراتی بهائی امریک  
 محسوب است اساساً لازم تنظیم و بیات تنفیذیه مشرق الاذکار  
 از طرف عموم و کلامی مجتبه انتخاب و اراضی معبر سما آن بیات  
 مستحبه انتقال پذیرفت اجازه داده شد که معامله بقیه اراضی را  
 که در پنجمین شور سابق توصیه شده بود اتمام و وسائل ساختمان  
 را تمهید نماید از آن پس برای کمک باین مشروع تاریخی عظیم از طرف  
 دوستان هندوستان و ایران ترکیه و شامات فلسطین و روسیه  
 و مصر و آلمان فرانسه و انگلستان و کانادا و مکزیک و جزایر و ادنی  
 حتی از جزیره کوچک موریتس<sup>(۱)</sup> در حدود شصت بلد از بلاد مختلفه  
 امریک اعانات پیاپی واصل گردید تا آنکه در سال ۱۹۱۰ میلادی

یعنی دو سینه قبل از تشریف فرمائی سیکل میشتاق بدان سلمان مجرب  
 تقدیمی بصندوق مشرق الاذکار جمعاً به بیست هزار دلار بالغ گردید  
 این همکاری و معاوضت یاران در ارسال اعانات از اقالیم تنوعه  
 که شاید پیشی از مراتب وحدت و اتفاق بین پیروان این مکتب  
 اعظم در مشرق و غرب عالم محسوب هر چند بی نهایت عظیم و خیره و وحشت  
 این شروع حلیل نافذ و مؤثر بوده ولی فی الحقیقه حصول این مقصد  
 اصلی مریدان مساعی و مجتهدات دوستان امریک و جانفشانی و  
 فداکاری آن جامعه تقدم و غیور است که تا آخرین مرحله اقدام  
 بحال خلوص و استقامت قیام نمودند و در تقدیم تبرعات بهمت  
 گذاشتند و سهم بسزائی از مصارف ارتفاع بنا و تزیینات خارجی  
 آنرا که از یک میلیون و نیم دلار تجاوز نمود و عمده دار گردیدند تا مشرق الاذکار

باحسن وجه و ابداع طرز از در قطب آن قاره عظیمه بر پا گردید و آمال و  
آرزوی دیرینه آن دوستان عزیز برآورده شد.

فصل هفدهم

تجدید سخن حضرت عبدالمجید

قوتات و انتصارات جامعه شمع و ممتحن امریک که در ظل الطاف  
و عنایات مخصوصه حضرت عبدالمجید تربیت یافته و نخستین ثمرات  
الطیفه طیبه و فواکه رطبه روحانیه شجره عمد و میثاق آلی در جهان عرب  
بشمار میآید توجه مرکز پیمان را بیش از پیش باریان آن سامان مبطون  
نمود و پایه مبنای شنبلیلی برای غنیمت همکل مبارک بدان صفحات  
بهناد ولی تاطوفان شدید بعض و عناد که سنین تمادی آن

غصن دوحه بقار احاطه نموده بود آرام نشد و ابواب سخن مفتوح  
گردید آنوجود آهس نتوانست بانجام این مقصد خطیر منظور عظیم  
قیام نماید و بسزنی که در اثر طلوع و استقرار امراء بزرگوار  
شاید موفقیتهای بسیمه گردیده بود قدم نهد.

زوبعه ثانی دوره میثاق که به تجدید سخن و قلعه بندی مرکز  
عهد آلمی منجر گردید دو سال پس از معاودت اولین دسته  
زائرین کعبه احدیه یعنی در سال ۱۹۰۱ میلادی آغاز شد و مدت  
هفت سال گهی شدید و اوقاتی بالنسبه خفیف ادامه داشت  
در اثر این بحران حیات مبارک در خطر عظیم افتاد و حمامه میثاق از آرزو  
نسبی که وجود مقدسش از آن برخوردار بود محروم گردید عالمه مبارکه  
و باران آلمی در شرق و غرب در دریای اخراستغرق شد

و مراتب انحطاط و پستی دشمنان و نمانت و ذنانت ناقضان  
کاشمش فی راتنه النهار واضح و آشکار گردید تا بالمال امور در خطه  
عثمانی منقلب شد و سیاست آن ارض تغییر یافت و شکل  
اکرم از قید اسارت خلاصی حاصل فرمود این قننه علمی و زوبعه  
کبری هر چند برخلاف قننه اولیه که مسئله داخلی و مربوط به نقض  
عهد میثاق شمرده میشد جنبه خارجی داشت و از طرف  
مقامات رسمی و بیات حاکمه مملکت مجری گردید ولی در حقیقت  
مستبب اصلی و محرک و اتمی آن همان ناقض اکبر و تابعان و همکاران  
او بودند که با دسائس و چیل و اکلیات و منقریبات ناز و فساد  
برافروختند و آن بهیچل محمود و مرکز میثاق رب و دود را بنهایت  
حد و آن فکند و تفصیل آن بدقیقار است:



مرکز نفاق چون از ایجاد رخنه و شقاق در جمیع شایستین و راسخین  
بر عهد آئی متمسکین برده و تقایم یزدانی خائب و خاسر گردید  
و پرچم میثاق را در جمیع آفاق موج و پراپه استرزیافت و  
فتوحات منادیان پیمان را در قطعه امریک مشاهده نمودار حدش  
بغلیان آمد و آتش عنادش بغوران این بود که در راه مخالفت  
مرکز عهد فکر جدیدی اندیشید و طریق دیگری در پیش گرفت و  
آن طرح دوستی با مصادر امور و تسویش افکار زمانداران جهو  
نسبت بطلعت میثاق رب غفور بود و چون در آن ایام بساط  
حیل و خدعه در ارکان حکومت بنحو کل و اتم منبسط و در اس  
آن سلطانی خود خواه چون عبد الحمید پدید قرار داشت آن بدم  
بنیان آئی بر احب امی نقشه خویش پایدار گردید و بر نیل

بمقصود مطلق و امیدوار شد باب سعایت باز نمود و بحمل انکار  
و القاء شبهات پرداخت و حقایق را در انظار متصدیان امور بخود  
جلوه داد و در مسافرتین فرازترین غم ربی و سناحتان مقام نهاد  
لعل راهبان نمود و برای تخدیش اذنان دستاویز مناسبی نمود  
و جمیع قوی متشبث گردید تا بدست یاری و معاضدت ابدیع  
بدن خصال برادر و محمد الدین خبیث شوهر خواهرش افکار  
حکومت را مشوب و حس و قیدیرا که حضرت عبد البصیر در ایام  
بارک جمال اندکس اسی باشد احوال بدان متلا بود تجدید نماید  
دیگر آن یوسف مصر آئی را در چانه سیان اندازد و خود شهره شهر  
و بازار گردد و صد نشین ایوان یکمیکه باز میدان شود.

میزاید ببع الله عهدت و خلیفه مرکز نقض که در الواج مبارک

و صایا بجزگ متحرک و در عجم ثانی موصوف و مذکور در ضمنی که موققات اب  
 و باستان مبارک راجع و خاضع گردید رساله ای بنامه و مهر خویش  
 اشاره داد و در آن رساله جمیع وقایع را شرح و اعمال سنییه تخلص  
 اکبر و اعوان انصاری را تفصیل افشامود از جمله شرحی بدین مضمون  
 می نگارد « حال این عبد از آنچه از سایر نفوس اصفا نموده نصر  
 نظر میکند و صرفاً به بیان اموریکه بحشم خود مشاهده کرده و یا مستقیماً  
 لسان میرزا محمد علی شنیده می پردازد » سپس متذکر میشود که « پس  
 از مصلحت و مشورت قرار بر این گردید که مجدالدین از طرف مختصر  
 با تخف و هدایا و عرضهای بجز پارسی نزد ناظم پاشا و الی و متسلخ عم  
 و حکم و پشتیبانی مشارالیه را در اجرای مقاصد شیطانیه اهل  
 قوت و خواتار گردد و در این ملاقات مجدالدین بنحوی که شخصاً برای من

نقل نمودیت تمام مبذول داشت تا جریان ساختمان جبل کرمل و ایاب  
 و ذهاب دوستان امریکائی و احتمالات ارض آفوس را با  
 و تاب ذکر نماید و عزم خویش برده از اسرار برگیرد و افکار والی را  
 علیه وجود مبارک بر انگیزاند و چون پاشا نیز است بر مجاری امور  
 بتفصیل اطلاع یابد و در انجام منظور خویش زمینه ای فراهم سازد  
 نسبت بفرستاده مرکز نقض کمال رافت و همربانی ابراز نمود و  
 علی الظاهر اورا از حمایت و مساعدت خود مطمئن ساخت و مجدالت  
 بنیایت سرور و اطمینان خاطر معاودت کرد لیکن از بازگشت  
 وی چند روزی پیش گذشت که لغو آن رفوی از باب عالی بمقتا  
 مربوطه حکما ارسال و فرمان سلطانی نسبت بتجدید سخن عبدالمبارک  
 این عبد و دیگران صادر گردید « بعد در همان رساله نقل میکند که

« در آن احوال نفسی از روش بجا وارد شد و در محافل و مجالس الهمار داشت  
 که علت حبس و بند عباس انندی شخصی نامم پاشا بوده و غیر  
 آنکه میرزا محمد علی که خود محرک این فساد بود همیشه گرفتار شد و آتش  
 عناد و تکبر وی گردید نامه ای بنام پاشا ارسال داشت  
 و استدعای عطف توجه نمود تا نسبت باستخلاص او مساعدتی  
 مبذول گردد ولی پاشا هیچوجه اعتنا نکرد حتی یک کلمه نه بنامه اول  
 نه بنامه ثانی او جواب نوشت »

فرمان سلطانی دایره تجدید سخن حضرت عبدالبهادر تاریخ پنجم  
 جمادی الاولی سنه ۱۳۱۹ هجری مطابق با بیستم اوت ۱۹۰۱  
 میلادی، ابلاغ گردید در آن روز همگی اکریم در خشنی که بنا سبت یوم  
 بعثت حضرت نقطه اولی حل ذکره الای علی در بیجی بر پاشده بود

شرکت فرموده بودند حکام مراجعت ملی ملاقاتی که با متصرف عکا  
 بعزل آمد شارالیه دستورات مؤکد سلطان بسنی بر تجدید سیقات  
 و استدار قلعه بندی سابق را که بتدریج تخفیف یافته بود حضور مبارک  
 معروض داشت و یکل انوار حیران امر استحضار حاصل فرمود  
 و معلوم گردید که از آن پس آن وجود اقدس و اخوان مجدداً در حصاً  
 شهر بسوس محصور خواهند بود و حکم محکم و فرمان صریح مبرم در بردار  
 بنهایت غلظت بموقع اجرا گذارشته شد و آزادی مهاجرین بشده  
 معدود گردید و یکل میثاق ایام متوالی محل حکومت احضار فرمود  
 و حید امور دستنطاق و پرسشهای مفصل قضاه و عمال حکومت  
 واقع گشتند و چون دستور صادره بمیرزا محمد علی و سایر اخوان  
 مبارک نیز اعلام گردید حضرت عبدالبهادر فوراً برای استخلاص آنان

اقدام نمودند و عینة مبارک را بنفشه برف سهام قرار دادند و  
 چندی از این مقدمه گذشت که دوستان و مهاجرین عکاد را در وساطت  
 و ضمانت بهیگل اطرز نو ادلیای کشوری و شگری آزاد شدند و بلا  
 معارض در پی کسب و کار خویش رفتند و با ما را معاش مشغول گردیدند  
 ناقصین از گرفتاری مرکز عهد ابھی و استواران حمامه و فادوست  
 جندان بخا از غیض و عنادشان نکاست و حمایت و شفقت  
 آن بظرف عطف کبری در حق برادران بیوفاد و قلوبشان مؤثر واقع نگردد  
 بلکه جمیع قوی در ابلاک و محاط طاعت پیمان قیام نمودند و کل درس  
 در بدم نسیان شایق تمسک گشتند تا امر الله را در انظار خاص و عام  
 مومنون و العیاذ بالله نام مبارک را از لوج وجود معدوم دان  
 ذات مقدس را بنقطه بعیدی سرکون و سیانسیا نمایند نام آم

در دست گیرند و در میدان ریاست و ابهت نفسانی جولان کنند  
 این بود که با یکی یک مشهور رئیس پلیس و سایر عمال حکومت که در آن  
 تشبثات آن عصبه قور جانشین انفرادی شده بودند که نسبت  
 بهیگل اطرز احترام و ارادت مخصوص داشتند طرح دوستی افکندند  
 و از کمک و پشتیبانی جاسوسان و نقشان ستری که پیوسته بین عکاد و  
 اسلامبول در حرکت و بانهایت دقت مراقب امور و جریانات  
 میت مبارک بودند استفاده نمودند و برای نیل بمقاصد سیئه خویش  
 اشیاء نفسیه تبرک را که از ایام مبارک جمال اقدس ابھی باقی مانده و  
 یا از طرف حضرت عبدالبهاره بعضی از آنان عنایت شده بود برسم  
 تعارف بمعاندین و مخالفین از دلاوه و متصرفین اهدا نمودند و برخی را  
 بمعرض سر و شرس رساندند و از وجه آن مقامات دولتی از اعالی

دادانی رشوت و بطیل دادند با والی دمشق و مفتی بیروت و تبرین  
 ملت روح مقیم عکا و شامات باب مراد و مخابره باز نمود حتی  
 باشیخ ابوالهدی در مدینه گیره که صاحب نفوذ و اقتدار در آن  
 در نظر سلطان عثمانی مانند حاجی میرزا آقاسی در نظر محمد شاه  
 دارای مقام و احترامات زائد الوصف بود و باطنیه برقرار  
 کردند شاید از قدرت و موقعیت وی استفاده نمایند و در تنفیذ اغراض  
 و مقاصد خصوصیه خویش کامیاب گردند.

این باقضان عمد بها در پیامهای خصوصی و مفاد ضوات  
 و مکاتبات رسمی با مقامات و رجال مذکوره لزوم اخذ تصمیمات سهیه  
 و توسل با اقدامات شدید نسبت به کل مبارک را خاطر نشان میسازند  
 و نهایت خدعه و تزویر اظهارات و مذاکرات خویش را با افکار و نظریات

هر یک از مصادر امور تبصره است میدادند مثلاً نزد بعضی حضرت عبدالمجید  
 را نمود بانه شخص غاصب و بی عاطفه ای قلمداد میکردند که حقوق آنان را  
 تضییع نموده و ایشان را از میراث پدر محروم و فقیر و تنگدستی مبتلا  
 ساخته و یاران ایران را بعد و ان و مخالفت آن جمع برانگیزه و ثروت  
 بی منتی انداخته و قسمت اعظم از اراضی حیفار تحت تملک خود در  
 آورده است و نزد برخی مدعی شدند که آن حضرت قصد دارد عکا و حیفار را بکند  
 و دینیه جدید تبدیل و اتباع خویش را بدان جهات دعوت نماید پیش  
 جمعی اظهار نمودند که حضرت بهار الله از خود و اعیان مستغنی نداشتند  
 بلکه در طریق عرفان و تصوف سالک و در سلک اسلام مسلک  
 به سیرت و تبلیغ شریعت حضرت سید الانام مالوف و مانوس بودند  
 ولی عباس افندی بنظر تحلیل نام و تعظیم مقام خود ایشان را بر تیره است

در بومیت رساند و خویش را ابن الله و حجت میخ خوانده است  
 و بالاخره حضرت عبد البهار را سهم کردند که آن حضرت علم مخالفت بر  
 افراشته و قبائل و عشائر را شورش و حصیان داد داشته دور  
 سرتر قشونی مرکب از سی هزار سپاهی آماده نموده و در کوه کرمل بنا  
 قلعه پرداخته و مخزنی از مهمات و معدّات حربیه فراهم ساخته  
 و گردوی اردوستان انگلیسی و امریکائی خویش و جمعی از عمال و  
 صاحب منصبان دول جنبی را بدو در خود گرد آورده و بدستگیر  
 و مساعدتهای مادی و مخنوی این جمع که بلباس تبدیل وارد عکا شده  
 نقشه تسخیر و تصرف ایالات مجاوره را طرح نموده و قصد آن  
 دارد که در سلطنت عظمی رخنه کبری اندازد و لوای حریت و استقلال بر  
 وزارت شام و فلسطین مرتفع سازد و ضمناً در تأیید این ترتبات و ارجاف

عرائض و لوائی ترتیب دادند و شکایت بقامات عالییه بردند و  
 بانواع حیل و خدعه و رشوه و دیسه جمعی از ائمه الی را بر آن داشتند  
 که لوائج را ارضا نمایند و شهادت خویش را بر آن اوراق بنگارند  
 آنگاه عیبه ایض مذکوره را بوسیله عوامل و ایادی مخصوص که در  
 اختیار داشتند بیاب عالی ارسال نمودند.  
 بدیهی است القای چنین اتهامات و مغتربات شدید و ارسال  
 لوائج شستی بر مرکز حکومت خاطر سلطان مستبدر را که در اثر آشفتگی  
 اوضاع پیوسته مکران امور و مترصد بلوای جمهوری بود بی نهایت  
 متوشش و مضطرب میساخت و در قلبش ایجاد خوف و عبرت  
 عظیم مینمود این بود که بلا درنگ بیاتی جهت فحص و تحقیق گماشته شد  
 تا درباره لوائج سگوائیه رسیدگی نمایند و مراتب را بمقام سلطنت

گزارش کنند بنیات مزبور بکرات بیکل مبارک را بمنظور استعلام اجزای  
 ابر بحکم دعوت نمود و حضرت عبدالباق بانهایت ثبات و استقامت  
 و خالی از هرگونه بیم و مخافت ایتمات تقبیه را رد فرمود و سخافت  
 این افکار و تقریبات را ثابت نمود و در تأیید و لائل و شواهد خویش  
 بمضامین و مندرجات وصیت نامه حضرت بهار الله استناد جست  
 و میآبودن وجود اقدس را باجرای تقسیمات و اداء حکومت اعلام  
 فرمود و بنیات صراحت و صراحت اظهار داشت که اگر آن بیکل  
 انور را در سلسل و اغلال ننهد و یاد کوچک و بازار کشاند و مورد شتم و  
 طعن و تمسار و یا آواره و یار کند و در امر آمی عام بد  
 آویزند و سینه اش را بدف رصاص سازند بکمال تسلیم و رضا بجان  
 چالاک زهر بنیات را چون آب حیات بنوشد و قضایای مبریه آیه

را عطایای سبحانیه تقی نماید و نشانه افتخار شمارد زیرا با حصول این  
 مواهب بولاد و مقصد رای خویش حضرت نقطه اولی تاسی بسته  
 و در مصائب و زاریای آن مظلوم عالم شریک و سهم گردیده است  
 باری در اثر اقدامات ناقضین و تهدیدات تضییقات مخالفین  
 روز بروز بر شدت و خامت اوضاع بغیر و بجدی که درود و خروج را از  
 حتی ارسال رسائل تقسیر گردید و ابواب رخا از هر جهت مسدود شد  
 ملاحظه این آثار و احوال همچنین شیوع ایکنونه اخبار در افواه مانس وجود  
 اشارات و کنایات در بعضی از حبه اید مصر و شامات راجع  
 بامکان حدوث و قیام غیر مستطره و قمار موهم و تجاوز آمیز پاره امی  
 ساکنین حیف و عکاسبت باجبا بیکل مبارک را بر آن داشت که اثری  
 از اثرین را منحصر و ماچندی اجازه تشریف بساحت اقدس را بوجه

موتسه محول فرمایند نیزه مقرر دارند که اوراق و مکاتیب بجای آنکه بار  
مقصود ارسال گردد بقصد مصر نزد مرجع مخصوص فرستاده شود و تا دستور  
مجدد در آن نقطه باقی نماند بعلاوه بدوستان و منشیان خود تاکید فرمایند که نوشتن  
و آثار امیریه را برگزاشتی اشغال دهند محال اقامت خویش را موقفاً در مصر  
برقرار نمایند حتی محافل و مجامعی را هم که معمولاً در بیت مبارک تسکین  
میکردند متوقف سازند تا بهانه ای بدست نغرضین و معاندین نیفتد  
کار ترضیاتی و فشار در آن ایام بر انقلاب بجائی رسید که حتی  
دوستان و ارادتمندان آن حضرت نیز که سابقاً تشرف بحضرت خویش  
بریکدیگر بستت میخواستند از ملاقات یکدیگر خودداری نمودند بباد بدستی  
وجود اقدس شرم کردند و روزگاری مورد تعقیب نامورین واقع شوند بدین  
ترتیب بیت مبارک که سالهای همادی مرکز اجتماع و کانون خدمت

و فعالیتهای امری در روحانی شمرده میشد در بعضی از ایام ویلایی گرفتار  
سلطت دولتیان تسبیح و تار بود کلاً استروک و مجبور باقی ماند و جاسوسان  
و معشایان سری و جبری کمال شدت مراقب بیت بودند و هر حرکت  
و اقدامی را مورد دقت و تعقیب قرار میدادند و آزادی عائله مبارک را  
سبک محدود نمودند.

این ترضیاتی و موانع مانع با وجود شدت و عظمت که هر نقطه حیات  
مقدس به یکل مشایق را تهدید نمیدادند وجود انور را از اجرای نوایای  
معدته روحانیه باز نداشت و از تنقید وظائف خطیره منسیه  
منع نمود ساختمان مقام اعلی که حجر زاویه آن بدست خصص اعظم الهی  
در محلی که از غم طمس جمال قدم جل ذکره و شانه تعین و بقدم مبارک  
شرف گشته نمانده شده بود بهیچوجه تعطیل نگردید حتی در برهه تقلیدی



زمان متوقف نشدیم چنین تنایب مشاغل و مساجم غوائل آن  
 طلعت بسین را از نزول الواح در سائل که چون امطار ساد می آید  
 کوشش منجم و باطل گشت منصرف ساخت و تقاریر و مکاتیب  
 یاران که از شرق و غرب جهان وصل و گل متضمن گزارشات و  
 و سوالات و دعا و مناجات و طلب تأیید و توفیق و اظهار ایمان  
 و ایقان بیان ستایش و نیایش باحت قدس بزدان بود  
 هیچیک بلا جواب باقی نماند نفوسی که در آن احیان پرافتخار  
 ناظر حوادث و وقایع حیات مبارک بوده شهادت میدهند که چه  
 بسیار از آیام که کلمک اطهر صفحات اوراق بلا انقطاع در جلال  
 و ارقم معجز شمس در هر یوم ما میزبان بود لوح صادر میگردد و چه بسا  
 از لیلی که از غروب آفتاب تا طلوع فجر آن مظهر عظمت و وفاتنا

در اطاق خواب تبریم الواح و ترسیل مکاتیب بیاران را ستان  
 مانوف بود چه که امور مترامکه و مستوحش می شدیده متنوعه آن  
 وجود مبارک را از هزار مبادرت تخریر و اشتغال بمکاتبات  
 در ساعات روز منع می نمود.

در بحسبوجه بلایا و طوفان نوائب و مصائب آن وجود  
 اقدس با قدرت و فعالیت بی نظیر و سکون و قرار بی عدیل و  
 شیل دست بکار اقدامات و شروعات مهمه دوره قیادت خویش  
 گردید در همان احیان نقشه ارتفاع اولین مشرق الاذکار عالم بهما  
 در خاطر مبارکش تحسین یافت این شروع جلیل سمیت یاران و مجانبان  
 پر شور و دلش در دینیه عشق آغاز شد و نیزه معان همان اوقات  
 با وجود انقلابات عظیمه که موطن اصلی مبارک را احاطه نموده بود از

طرف بیکل اقدس تعلیمات لازم نسبت به تفسیر بیت تاریخی و تفسیر  
حضرت ربّ اعلی در سیر از صادر گردید و شوقیات مستمر مرکز پیمان  
آئی راه را برای ساختمان امّ المعابد غرب که حجر زاویه آن در زمین  
متعاقب بدست مبارک در جوار اولین مرکز کعبه سانی امریک  
نموده شد صاف و هموار نمود و بالاخره در همان او ان بیانات  
و گفتگوهای مبارک بر سر بنا مبارک اندک فرصتی برای آن وجود آید  
حاصل بود بعلل آمدن آن جوهر شریف و درر و لسانی کریمه که بعداً  
تحت عنوان «مفوضات عبدالمبارک» طبع و نشر گردید و در  
بخش عالم تحول وارد شد و در طی این مفوضات بیکل  
الکریم پاره ای از اصول و مبانی سامیه امراب صلیبش را  
تبیین و بر این عقیده و نقلیه در اثبات این ظهور ابدع اعظم القا

فرد مورد بعضی از مسائل مربوط به بیانات حضرت مسیح و تحاقق  
انبیای الهی و اثبات لزوم مربی و معانی اخبار و شارات  
کتاب آسمانی و اصل و مبدأ انسانی و پاره ای دقایق علمی و  
حقایق الهیه را بنحی متقن و مستدل توضیح و تفسیر و تفسیر و تعلیم نمود.  
در مظلمترین ساعات آن دور بود که حضرت عبدالمبارک توفیقی  
باغزار افغان سدره مبارک جناب حاجی میرزا محمد تقی وکیل الدوله  
مبارک اصلی بنای مشرق الاذکار عشق آباد صادر و در آن کوه  
ابیع المنع با بیانات رشیقه منبیه و خطابات مهیننه شدید علمت  
ظهور جمال اقدس امجی را تشریح و حکایات و بجاتی را که از طرف اعدا  
دین الله از قریب و بعید و آشنا و بیگانه بیکل امر الله وارد خواهد  
آمد انخبار و نزول تأییدات الهی و نصرت و غلبه فارسان

مضار ربانی و تمسکین بسره و تقای سبحانی را با نخی نافذ و سیاه  
میچ تصریح و تاکید فرمودند.

و نیندر جهان ایام که دشمن از جمیع جهات مهاجم و قبه مبارکه  
در آشفته انقلاب بود کل انور الواح مقدسه و صایار امر قوم و شئون و  
اصول نظم اداری بشهر نظم جهان آرای الهی را که پس از صو  
حشرش میبایست در عالم کون تائیس و ملکون پذیر تعیین و نقشه  
بیش را ترسیم و ارکان و دعائم آنرا حکیم فرمود و همچنین طی  
همان سنین بر مهابت و خطیر آن وجود اقدس پایه تائیدات  
اداری و روحانی و تربیتی امر الله را که تازه قدم بعرضه وجود نهاد  
بود در جمیع دایم الاتساع یزدانی در خطه مقدس ایران نسبت  
شجره رحمانیه و ایالات متحده امریک همد نظم بدیع و مشاییت الهیه و سوره

کانا د افسرانسه و انگلستان و آلمان و مصر و روسیه و عراق و  
هندوستان و برمه و در این حتی اظهار شاسعه و جزائر نائیه محیط عظیم  
استوار نمود و بر حسب تعلیمات و تاکیدات مبارکه اش در ترجمه  
آثار امریه بخت موفور مبذول و در طبع و نشر کتب و رسائل بهائی  
بالسنه فارسی و عربی و انگلیزی و ترکی و فرانسوی و آلمانی و روسی  
و برمه ای اقدامات لازمه معمول گردید.

در آن اوان پرافتخار همیشه تقدیر که در امواج شدائد تخفیف  
حاصل میشد و در نجوم اهل رجوم اندکی میکاست و دستان و طالبان  
حقیقت از او طمان و اجناس و طوائف و فرق مختلفه آریسی  
و مسلمان و یهود و زرتشتی و هندو و بودائی حول آن شمع انجمن  
رحمان و مرکز عهد حضرت منان بستم و از پر تو فیوضاتش مستفیض و از

خوان نقشش مزروق و بوسه نمیدهند صبر جمع با وجود شکلا  
 و خطرات متنوعه عظیمه آن منبع جود و معدن کرم بید مکرمت بجزه و جبین  
 و ضغفا و ملوفین که در بیت مبارک و حوالی آن اجتماع نموده بودند نقود  
 غنایت میفرمود و این لطف عمیم و احسان بیدریش بخوی عام  
 و شجون از محبت و اخلاص صورت میگرفت که بهیكل مبارک را الواء  
 و بجا و ملاذی چارگان نام نهادند هیچ امری خاطر متدش از توجه بحال  
 مستمندان باز نمیداشت هیچ غایله و آشوبی آن بظهور آفت گبری  
 از نقد بنیویان و دجونی مساکین و ایام منع نمی نمود حتی از نقوی  
 که لازم بشمر بوده و یا از ابرار مسکنت و تقاضای مساعدت خود  
 داری داشتند بفسه عیادت میفرمود و آنانرا مورد مهر و شفقت

قرار میداد.

بنگامی که سیل جارف بلا از هر سو متابع و تیر خا از شش جهت  
 متوار و یکل متدس در نهایت اطمینان دست در بیدیل صبر و اصطبا  
 نسبت حسند فرار اختیار نمودند و در استخلاص جان بکوشیدند بلکه  
 در غایت ثبات و استقامت و اثر اقدام حضرت رب اعلی و  
 جمال اقدس اسی حرکت و بحال قدرت و عظمت در مقابل دشمنان  
 مقاومت فرمودند و هر چه اصحاب و طائفین حول رجا و اسدا  
 کردند که بیکل انور چندی از حکا نقطه دیگر هجرت فرمایند مقبول  
 واقع گردید حتی و نوسول اسپانیا که از بستگان مدیر شرکت  
 کشتی رانی ایتالیائی مقیم عکا بود نظر بفرط ارادت و کثرت  
 علاقه ای که نسبت بهیکل مبارک داشت حاضر شد کشتی مخصوص  
 در اختیار آن وجود اقدس قرار دهد و آنحضرت را بر نقطه ای که اراد

مبارک تعلق گیر و صحیحاً سالماً منتقل سازد ولی آنچه در این باب استدعا و  
 تمنا نمود بل اصرار و اسحاخ کرد مورد موافقت مرکز میثاق قرار گرفت  
 و بدو به ای خاطر مبارک مطمئن و مستیج بود که علی رغم شایعات که مکن است  
 حضرتش را در دریا افکنده و یا بصحرای فیسان تبعید و یا زینت و ازینا  
 آن مظهر و قار و استوار در بجزوه مصائب و مشکلات بفرس اشجار و  
 ترتیب از بار و تنظیم با آنچه ببردنی بیت مالف بود و این منی که چکا  
 از مراتب رضا و تسلیم آن مخزن توکل و تفویض مینمود موجب تحیر  
 دوستان و مورد تحریه و استهزا و دشمنان واقع گردید ما الله اعلم  
 فائق آمد و شیت نافذ به جانی بر دفع اعدا تعلق گرفت ابرهای  
 تیره متواری شد و طوفان انقلاب خاموش گردید و مردمان از بار و غما  
 بزیارت حضرتش شتافتند و در احیان ملاقات بهیكل مبارک ایل قاسم

خادم جانفشان بیت را نامور فرمودند از میوه همان اشجار که در  
 ایام سختی و شداد غرس شده بود برای همان نفوس که عمل مبارک را بدید  
 تحیر و استعجاب مینمایند حاضر نماید و آنان را از اثرات صبر  
 و انقطاع پذیرائی کنند.

در اوائل زمستان سال ۱۹۰۷ تا کمان بفرمان مخصوص  
 سلطان بیات و یکرمی مرکب از چهار عضو تحت ریاست عارف بیگ  
 با اختیارات تامه بعکا اعزام گردید چند یوم قبل از ورود بیات مذکور  
 حضرت عبدالبهسا، خوابی دیدند و برای اجبت نقل فرمودند که  
 در عالم رویا مشاهده شد سفینه ای در کنار عکا لنگر انداخته و از آن سفینه  
 طبعی چند بشکل دینامیت بیرون آمد و در حسینی که جم خضری از اهل  
 بحال اضطراب و وحشت بهیكل مبارک را احاطه نموده بودند طبعی فرمود

حول رئیس مبارک حرکت کردند و بدون آنکه دینا سیت با  
منفجر گرد و بستی باز گشتند.

اعضای هیئت نقیثیه بجز روز و دو ایرست و مکراف را تحت  
نظر و اختیار خویش در آوردند و رؤسائی را که نسبت با آنها ظن  
بوده و یا تصور دوستی و آشنائی با حضرت عبدالبهار و هاشان  
از کار برکنار نمودند از جمله متصرف شهر را تفسیر دادند و باب  
مخابره مستقیم با اولیای حکومت در باب عالی گشودند و منزل و ماوای خویش  
را در بیوت مجاور ناقضین و عکاران صمیمی آنان قرار دادند در حوالی  
بیت مبارک پلیس و مراقب مخفی بگاشتند و نفوس را از معاشرت  
و ملاقات آن حضرت منع نمودند و در نفس تحقیق رویه مخصوص پیش  
گرفتند و تحقیقات را از نفس معیان و امضا کنندگان لوائح

از مسلمان و سخی شرقی و غربی آغاز نمودند و اعداد را بعنوان شهود طلبیدند شایسته  
و شاکلی نفوس را احده شدند و مدعی و حاکم ظهیر دشتیان بکند مگر گردیدند  
در این هنگام که بحسد آن باشد وجه حکم فرما بود فعالیت ناقضین  
میستاق خصوصاً ناقض البر که در وجه و سرور و شغف و نشاط موفور  
بیر نیست منتهی در جبر رسید باز صحبت و معاشرت گرم شد و بیاط  
پذیرائی و ضیافت گسترده گردید آن فیه ضلال اعضا هیئت را احاطه  
نمودند و امید و طید حاصل کردند که در این دوره حکومت حضرت عبدالبهار  
امری مخوم و مستدر و قح و ظفر آنان اصلی محقق و مسلم است جمعی  
دیگر از طبقات سافل و عناصر فرسوده و مایه نیز بدین خیال و خوش بود  
که پس از تبعید و اخراج مهاجرین اموال و دارائی آنان بچنگ  
آن قوم جهول خواهد افتاد و از این بگذر بصره و نواحی خواهند یافت

دایره لعن و لعن توسعه پذیرفت و میدان دشنام و اتهام جلوه گاه  
 عوام کالهدام گردید حتی پاره ای از قرائین که پیوسته از خوان نعمت  
 و محبت حضرت عبدالبهاء فرزوق و مستحکم بودند از خوف آنکه با  
 روزی مورد اندوختن قرار گیرند و معرض تعقیب و توبیخ واقع  
 شوند بیگل مبارک را فراموش کردند.

در ایامی که اعضاء بهیئت تعقیبیه علی الظاهر رسیدگی و تحقیق  
 مشغول و در باطن بیخس و تقنین و تنظیم گزارشات علیه بیگل مبارک  
 مألوف بودند حضرت عبدالبهاء با وجود تهدیدات و اندازیکه  
 در پرده و خفا از طریق قاصد و اعزام نفوس مخصوص از ناحیه مستحقین  
 که مدت یکماه در عکات اقامت داشتند بعمل آمد بیچو جبراضی بملاقات  
 آنان نشدند و از تماس و مذاکره با آن بهیئت شدیداً احتراز فرمودند

و همین قضیه یعنی بی اعتنائی مبارک بیشتر موجب تعجب و تحیر ایشان  
 و اضطرابم نیران بغض و عناد آنان گردید و بر اجرای مقاصد سلطانی  
 و نقشه های اطمینان خویش مصممتر و جراتمتر شدند و در آن احوال که  
 سیل بلا بر هر همه منهدم و امور شدت منقلب حتی سفینه جهه انتقال  
 بیگل مبارک بصحرای فیران حاضر و مستعد و بین جفا و عکا  
 و حرکت بود آنوجود اقدس در کمال عظمت و اقدار سلوک نمودند  
 و در طمس و قرارشان ادنی ترزلزل و تغییر می حاصل گردید و جفا  
 که طائف حول بودند فرمودند «رذیائی که دیده بودم حال  
 تغییرش واضح و صد اقس آشکار گردید اشک این دنیا نیست  
 منقبح نخواهد شد (۱)»

در خلال احوال یک یوم جمعه اعضاء بهیئت مجتمعاً بخیار و  
 (ترجمه)

شدند و ساختمان تمام اعلی را که من دون وقفه و تعطیل در کوه کرمل  
ادامه داشت مورد نقیض و باز دیدت سر دادند و از استحکام و  
عظمت بنا در سگفت ماندند و از یکی از خدام از تعداد حجراتی که در زیر  
ساختمان قرار داشت استفسار نمودند.

چیزی از این تحقیق و نقیض نگذشت که روزی مقارن غروب  
آفتاب گشتی که در حیفا لنگر انداخته بودند نسبتاً بجزکت آمد و بجانب  
عکاز بسیار گردید و خبر غرابت اعضاء بیت نقیضه فی الفور در بین  
اهالی انتشار یافت و جمع مستظر و مترصد بودند که گشتی پس از  
مختصر توقفی در عکاز و دستگیری حضرت عبدالبهار بطرف مقصد یعنی  
طرابلس غرب و صحرای فیزان که منقاسی بیکل مبارک تعیین شد  
بود حرکت خواهد نمود از استماع این خبر اهل حرم در دریای حزن

والم استغرق و طائفین حول نالان در پیشان و از فکر دوری  
و مجوری از محضر مبارک قرین حسرت و اندوه بی پامان گشتند و  
بیکل اطرد آن بخله بر خطر و بیرونی بیت بکمال تمکین و وقار و  
و تسه از فید او حید امشی میفرمودند.

در همان وقایح حساس که افکار در نهایت خلیجان و قلوب در غیا  
اضطراب و بیجان ناگهان ملاحظه شد که نور کشتی بر پدید سفینه سیر  
خویش را تغییر داد و بجانب اسلامبول روان گردید این مطلب فوراً  
بصاحت انور معروف و بعضی از دوستان نیز که در نقاط مختلف  
مراقب حرکت کشتی بودند با نهایت شتاب خود را بخبر مبارک  
رساندند و در همین که تاریکی رو غلظت میرفت و آن وجود مقدس هنوز  
در حیاط قدم میزد این خبر سرت بخش را تأیید نمودند و بدین ترتیب



یکی از بزرگترین مخاطری که حیات پر بهای میل میثاق را تهدید  
 میس نمود در آن یوم صیب مرتفع گردید و بار اوده نافذه سبحانی متفی  
 شد و مرکز عهد و پیمان آبی از چنگال آن قوم ظلوم و جهول ربانی حال فرود  
 باری هیئت نقیضیه هنوز مقصد رسیده بود که دید اقتدار خسیبی از  
 ارجح خلعت درآمد و سطوت یزدانی قدرت و قوت خویش را نمایان  
 ساخت ارکان ظلم متعزین گزید و بنیان جور متزلزل شد اخبار  
 سو قصد نسبت شخص سلطان در جمیع بلدان اشرار یافت معلوم  
 و محقق گردید که عبد الحمید یوم جمعه همه ادا می صلوه جماع سلطانی قریه  
 و در حین خسرو ناریگی در سر راه او منفر شده است چند روز از این  
 واقعه تا آنکه پیش گذشت که هیئت ظالمانه نقیضیه گزارش خود را بمقام  
 سلطنت تقدیم نمود ولی در آن اوان امور تجدی متقلب و سلطان اعضا

دولت بدرجه ای گرفت و سرگرم مسائل داخلی خویش بودند که  
 فرصت تعرض و ایذا بهیکل مبارک را نیافتند و موضوع سکوت عنده  
 باقی ماند تا چند ماه بعد که قضیه مره آخری تعقیب و تجدید شد ولی این  
 بار با بلوی و بحان عسومی مواجبه گشت و باقیام و انقلاب در جوانان  
 ترک مصادف جند الله منظر منصور گردید و بلا یام و مشاغل جدید  
 بر عبد الحمید متتابع و چون زمام امور کف آزاد بخوانان در ارت  
 سلطان غدار را بر آن داشتند قانون اساسی را که معلق و موقوف  
 نگار داشته بود اشرار و بدو شرو طیتت را در سر اسر مملکت اعلام  
 نماید و نیز وی را ملزم نمودند زندانیان سیاسی و مذهبی را که  
 تحت رژیم استبداد سجون و مطرود و مبعوض و مظلوم واقع شده

بودند بتمامه آزاد نماید و این حکم محکم قهرشامل به کل مبارک حضرت  
 عبدالهدی سید وید ولی مأمورین و تصدیان عکا در اجرای این  
 فرمان تردید نمودند و تحصیل اجازه مخصوص نسبت باستخلاص آن وجود  
 اقدس را لازم شمرند این بود که نگارنده خاص بر حکومت اسلامی  
 مجاز گردید و در این باره کسب تکلیف شد فی الفور از مقامات  
 مربوطه جواب مثبت و اثر بر آزادی طلعت پیمان صد دریافت و آن  
 مرکز امر حضرت رحمن از چکال عد و صائل و خصم مائل نجات پذیرفت  
 یوسف عهد آئی از قهر چاه برآمد و در مصر جان عزیز و فرزند  
 گردید و این واقعه عظیمه تاریخی در سال ۱۹۰۸ میلادی اتفاق افتاد  
 چند ماهی پیش از این مقدمه نگذشت که سلطان عبدالحمید  
 مجدداً برای مثبت توقیت خویش بدست و پافت او با حوا

مفیدین و محرکین در مقام آن برآمد که دستگاه مشروطیت و قانون  
 اساسی را نمودند نمونه نماید ولی در این کوه هیئت احرار از  
 شیخ الاسلام محکومیت آن قائد اشرا را خواستار شدند و بعد  
 از مقام سلطنت خلع و مخدول و منکوب گردید و تبعیر زندان مبتلا  
 شد و در جهان منتهی بر انقلاب (۱۹۰۹ میلادی) در کروز  
 سی و یک تن از وزراء و رجال و عمال نامدار حکومتش که جمعی از آنان  
 در عدد دشمنان دیرین و مشهور امر الله بودند قتل رسیدند و  
 بجای اعمال سینه خویش حاصل شدند طرابلس غرب نیز که  
 منقایی به کل مبارک حضرت عبدالهدی تعیین شده بود از تصرف  
 آن دولت خارج گردید و به تملک دولت ایتالیا درآمد و بدین  
 ترتیب دوره فساد روانی «سفاک بیباک از دل و اسج

دافند و ظلم سلطان وسیع کار آل عثمان « خاتمه یافت و حکومت  
ظلم و جور که « از لحاظ انقلاب امور و سیاسی حال رعایا وارد شد  
دادن اراضی از قبل و بعد از سخت ترین و پر محنت ترین ادوار  
تاریخی آن خاندان محبوب و در عصر پیک از بسیت و سه خلیفه دارا  
مالایق سلطان سلیمان مشهور عظیم بدین پایه ارتدنی و انحطاط نرسیده  
بود « سپری گردید .

### فصل سیم

استقرارش مطهر حضرت بت ادیب جل کربل

استخلاص تاریخی و غیرت حضرت عبدالبهار از سخن چیل ساله عکا  
ضربت شدیدی برآمال و اغراض ناقضان میثاق وارد شد  
و آن نکه نفاق را که پس از انول نیرافاق بهدم بنسب میان مصو  
و مخالفت مرکز مخصوص کمر بسته بودند مکره آخری و چار خدلان و  
غیبت آمال گردانید حال پس از آزادی طلعت عهد سبحانی  
ضربت ناشی بر آن قوم پرلوم وارد آمد شعبان بسین از آستین مرکز

عهد حضرت رب العالمین خارج شد و جبال اودام و تسویلات  
 و تسویفات آن حصه عشر در را بعلید یعنی همان قوه غالبه محیطه که  
 خصن اعظم اسی را بجنط حقوق و اختیارات منصوصه الهیه مفتوح  
 ساخت و با استقرار شریعت ربانیه در خطه امریک تأیید نمود و بر  
 سلطان جابر خصم الدائین نازنین فاتح و غالب آورد و وجود مبارک  
 را الهی و نصیر گردید تا در بگونه بلایا مقام مقدس اسلمی از  
 بدترین و شاخص ترین مشروعات ایام قیادت خویش را  
 علی غرسم ناکشین پیمان و بادین امر حضرت رحمان مرتفع و مس  
 اقدس و بیکل انیع الطیف حضرت نقطه اولی را از ارض طار بار  
 میعاد مستقل نماید مگر از فرم اطهر مرکز میثاق مسجع گردید که میفرمودند  
 اشغال آنجند منور بجمع جمل کرل و ناسیس مقامی شایسته محل

برای خط آن و دلیعه الهیه و استقرار آن امانت رحمانیه بدست  
 مبارک در آرا نگاه ابدی خود یکی از مآرب و مقاصد مقدسه ثلاثه  
 بوده که آن منادی ملکوت از آغاز دوره خدمت در سالت  
 خویش در نظر داشته و اجراء آن را از اعظم و طائف برمه محموده  
 خود می شمرده است این است که تحقق این مقصد اعراضی را  
 میتوان یکی از مشروعات مهمه و ناسیسات و حوادث جسمیه قرن اول  
 بهائی محبوب داشت .

چنانکه در فصول سابق ملاحظه گردید پس از شهادت حضرت  
 نقطه اولی روح الوجود لرشحات و مه الاطرف ذابکلی مقدس آنحضرت  
 و حسب مظهر آقا میرزا محمد علی نسیس که لسان قدم در حق اوبه  
 بیان رفیع « آناند که فی هذا المقام محمد قبل علی الذی استنجح

محمده بلحم مولاه. ناطق در نیمه شب دوم شهادت بوسید حاجی  
 سلیمانخان کی از دوستان مخلص و مجرب از کار خندق کاغذ  
 حسیر متعلق یکی از اجامی مهیسان منتقل گردید و روز دیگر  
 آن دوس اطراد صندوق چوبی نهاده در محلی امانت گذاشته  
 سپس بر حسب تعلیمات صادره از ساحت اقدس حضرت بهلا  
 صندوق حامل عرش مقدس از آذربایجان بطهران حمل و در مقبره  
 امامزاده حسن قسره ردا داده شد و پس از چندی بمنزل شخصی  
 حاجی سلیمانخان در محل حرسه تغییر مکان پذیرفت و از آنجا به  
 بقعه امامزاده معصوم منتقل و آن رموس مقدسه تا سال ۱۲۸۴  
 هجری در آن مکان مستور و مکتوم باقی ماند تا آنکه توقیفی از یراعه مبارک  
 جمال اقدس ابھی در ارض ستر نازل و در آن توقیف منسحب

جناب آقا ملا علی اکبر شمسیر زادی و جمال بر وجه سردی راهبان  
 میفرمایند که بدون تأخیر عرش مبارک را از امامزاده معصوم نقطه دیگری  
 حرکت دهند چون در عقبه مذکور بلافاصله پس از انتقال  
 صندوق تمییراتی مجری گردید و در وضع بنا تغییراتی راه یافت حکمت  
 ربانی و تبدیل مکان لایح شد و شیت مطلقه سبحانی در خط وصیت  
 آن در دیده رحمانی بوضوح پیوست.

جناب حاجی ملا علی اکبر و معاضد ایشان بدو در مقام آن برآید  
 که در اطراف و جوانب بقعه حضرت عبدالعظیم محل مناسبی نیابند و  
 عرش مبارک را در آنجا قرار دهند ولی چون در آن ضواحی از یافتن  
 نقطه ای نایوس شدند در راهی که بجانب چشمه علی امتداد داشت  
 حرکت نمودند و بختی برود آختند تا در اثنای طریق مسجد ماشاء الله که

محلّ متروک و مظلوم بود بر خوردند و آن مکان را برای منظور خویش  
 مناسب یافتند این بود که بعد از غروب آفتاب آن روز  
 مطهره را مجدداً در پارچه ابریشی که بهمین نیت همراه داشتند بچیدند  
 و آن محلّ گرانها را در یکی از دیوارهای مسجد پنهان ساختند و  
 چون فردای آن روز متوجه شدند که محلّ احتفای اجساد مشرف  
 و نفوس بر آن راه یافته اند مخفیانه صندوق را از محلّ جدید بر  
 داشته بجانب شهر روان گشتند و پس از عبور از دروازه پانجیت  
 بمنزل یکی از دوستان یعنی میرزا حسن فریر داد حاجی میرزا سید  
 علی نقشبند بجدال اشرف منتقل ساختند و آن امانت  
 معشیت بدت چهارده ماه در آن نقطه محفوظ و مخفی باقی ماند تا کم کم اجابا  
 باین سر مستور راه یافتند و بقصد زیارت عرش معشیت شرعی

بر آوردن آن میت نمودند چند آنکه جناب حاجی ملا علی اکبر ناگزیر شد  
 عریضه ای بساحت انور جمال قدم حلّ اسمه الاعظم معروض  
 دارد و هدایت مبارک را در این خصوص خواستار شود این بود که دست  
 بسکلت اقدس صادر گردید و حاجی شاه محمد شادی ملقب بامین البیان  
 را نامور فرستادند که آن دو یعه آئینه را بحال حکمت و احتیاط  
 از حاجی ملا علی اکبر تحویل گرفته در مقام امنی قرار دهد.  
 جناب حاجی شاه محمد باستعانت یکی دیگر از دوستان  
 صندوق را در حرم امامزاده زید نقشبندی ساخت و آن دشمن را  
 در زیر زمین مستور نمود و چندی بر این منوال بگذشت تا دستور مجیدوار  
 ساحت اقدس خطاب بمیرزا سید احمد اصفهانی صادر و شایسته  
 از محلّ احتفای ریس مبارک مطلع گردید و حسب الامر مطاع معشیت

نسبت با انتقال صندوق اقدام نمود بدو آزارخانه خویش منتقل  
 ساخت سپس عرش عظیمی بمجلیهای مختلف دیگر طهران از قبیل خانه  
 آقا حنیف علی صنفسانی و خانه آقا محمد کریم عطار حرکت داده شد و تا  
 سال ۱۳۱۶ هجری در آن نقاط باقیماند و در آن تاریخ بموجب تعلیمات  
 واصله از طرف بیگلر مبارک حضرت عبدالبهاء میرزا اسدالله مذکور <sup>صاحب</sup>  
 جمعی از دوستان صندوق را از طریق آصفهان و کرمانشاه و  
 بغداد و دمشق به بیروت و از آنجا از راه دریای کاسپین نمود و این کنیز <sup>کشت</sup>  
 آلمی در تاریخ نوزدهم ماه رمضان ۱۳۱۶ هجری مطابق با ۳۱ ژانویه  
 ۱۸۹۹ میلادی، پس از پنجاه سال کامل قبری که از شهادت  
 آن سید انعم و مظلوم عالم در تبریز گذشته بود بارض اعلی و مقراسا  
 خویش وصل گردید.

در همان سنه که این ودیعه نورانیه بسواصل ارض مقدس واصل  
 و تسلیم مرکز عهد آلمی گردید طلعت میثاق در حالی که دکتر ابراهیم حیرانی  
 فاتح امریک افتخار حضور داشت بجانب بقعه ای که بقدم جمال  
 اقدس اسی مزین و در حرم شریف نمانده و دستور صادره از فرم  
 اطهر میباشده بود حرکت فرمود و حجر زاویه بنائی را که بایستی صد  
 آن لؤلؤ لالاست را گردید به دست مبارک خویش نهاد و چند ماه بعد  
 ساختمان آن مقام منیع آغاز گردید و نیز مقارن بهمان ایام صندوق  
 مرمری که از طرف اجبای مخلص و جانفشان رنگون مخصوص استقرار  
 عرش انور ابد گشته بود مطابقاً لتعلیمات المطاعه تکمیل و بست  
 اقدس ارسال شد.

از این تاریخ تا اختتام مقام مقدس اعلی و استقرار

منور در آن بقعه نور و نظیره غنا قریب ده سال بطول انجامید  
 حال در این مدت طولانی با وجود حملات ناقضین و تشبثات آن  
 قوم پر کین چه محظورات و مشاکل عظیمه ای رخ گشود و آن حال آنست  
 الهیه و بانفی سیکل ربانیه با چه موانع و مخاطر می مواجه گردید و چه مصائب  
 و طماتنه بر وجود مبارکش وارد آمد تا بالمال با انجام وظیفه  
 مقدسه تاریخی که از طرف جمال اقدس الهی بعهده آن مرکز اتم  
 اوست فمخول گردیده بود توفیق یافت شرحش در این مختصر نموده  
 و بیانش در قالب الفاظ و عبارات در نیاید بقدر می توان  
 گفت که آنچه در مدت نیم قرن بر نفس مقدس حضرت بهاء الله  
 و از آن پس بر مرکز یشاق الهی در راه حفظ و صیانت آن رس مظهر  
 وارد و موجب حلول مالمات شدید بر آن دو وجود اقدس گردید

نسبت بظلمات و زحمتی که حضرت عبدالباقی بوجه علی ساختمان تمام  
 و استمرار آن جبهه مقدس تحمل فرمود و تا آخرین لحظات استقامت  
 مبارک از شدت سخن ادامه داشت بنزله جزئی از کل و مقدمه ای از  
 چنان امر او نظیر بوده است.

اولین مشکل قسم در اجراء این مقصد جلیل تدارک محل جبهه ارتفاع تمام  
 بود که مالک حریص و طماع آن نادت میدید بر حسب تحریکات  
 ناقضین و تسویلات مغلیین از فروش آن اعیان میوزید و دیگر مسئله خرید  
 اراضی جبهه احداث طریق بقام که از لحاظ ساختمان امری لازم و ضروری  
 محسوب میگردد و صاحب زمین مبالغ باهظه ادعای میکرد و بجای  
 که وجود اطهر با مصرف اوقات پر بها مجبور بودند متهابا دی بنگلفکوندند که  
 پروازند و دیگر ایرادات و اشکالات بجهت و محصر عمال حکومت



و دلاۀ امور از عالی و ادانی که حضرت عبدالمبارک سیب است با او  
 توفیقات و سپردن تعهدات کلیه اشکالات و موانع را بر طرف  
 و انکار شوش و منحرف آنرا مطمئن و مستیج نمایند دیگر وضع مخاطره دیگر  
 در اثر القآت و نصیحتات مرکز نقض و اعوان وی نسبت منظور و مقصود  
 از احداث این بنادر از ان تولید گشته و حیات همگن مبارک  
 را تهدید می نمود و دیگر تعویق و تاخیری که در نتیجه غنیمت طولانی و الزامی  
 آن وجود مقدس از حفا و امر ساختمان پیش آمد نموده و طلعت انور را از  
 نظارت و سرپرستی مستقیم در این کار عظیم باز میداشت این موانع  
 و مخلوقات از جمله مسائل و مشاکی بود که در سپیل تحقق این مقصد اعراض  
 موجود و آن حافظ و دبعه رحمانیه سیب استی در آن بخلات حساس  
 و خلیه ربیک یک از آنها فائق آمده در راه را برای تنقید نوایای ستم

صاف و جوار سه باید.

چه بسیار که از لسان مبارک شنیده میشد که میفرمودند «هر سنگی  
 از سنگهای مقام دراهی که بان بقعه متعه منتهی میگردد با انگ  
 چشم و مصائب و مصارف لایحسی برداشته شده و در جای خود بر  
 قرار گرفته است» «یکی از دوستان که ناظر اوضاع و احوال  
 آن ایام بوده نقل میکند که یکبار مبارک فرمودند «کیشب چنان خود را  
 در دریای احسان و الام استغرق و ابواب را از هر چه بسته  
 و استغلق یافتیم که جز تو سئل بدعا و تثبیت بذیل کبریا چاره ای ندیم  
 این بود که تمام لیل را استقامت ذکر می که از حضرت نقطه اولی دایم  
 پرداختم و از ترسیل آن آیات اطمینان قلب و راحت خاطر یافتیم فردا  
 آن شب صاحب زمین بنفسه آمد و غدر خواهی کرد و شما تقاضا

و استعدانمود که ملکش را خریداری نمایم (۱)»

باری پس از ده سال مصائب و متاعب بیکران در سانس  
و تضییات اعداء داخل و خارج مرکز میثاق موفق گردید در جهان سنه  
که خصم الامراء از مقام سلطنت مخلوع شد و اولین مؤتمری بهائی  
امریک برای انتخاب عمیت تفهیدیه و شیت امر شرق الازکا  
آن ارض در مدینه شیکاگو تشکیل گردید امر خطیر و عظیمی را که مبادت نمود  
بود به منزل مقصود رساند و امانت الهیه را بحمل معلوم  
و مرکز محمود سپارد و این اقدام منسیع در تاریخ بیت هشتم ماه صفر  
۱۳۲۷ هجری (مطابق با ۲۲ مارس ۱۹۰۹ میلادی) در یوم نبرد  
و عید سعید سیزده آذرین بیکه میل مبارک پس از خروج از حبس پاداشته  
بودند صورت گرفت و آنوجود اقدس در آن یوم مکرّم عرش مطهر را

بازنجات بسیار بتمام علی که قدس الاقداس را در بجهت انقلاب  
تاضمین و مفشین بد قدرت بیان فرموده بود مستقل ساخت و شب  
هنگام در روشنائی سراج واحد در حضور جمعی از یاران شرق و غرب  
با وضعی مهین و مؤثر تابوت مرمری حاصل بیکل مقدس را بدست  
مبارک در قلب آن ضیح نمود و مضع مغز قرار داد و چون این امر بحال  
احترام و احتشام اختتام پذیرفت و عنصر اغرا لطف حضرت علی  
بتائیدات غیبیه و توفیقات صدایه آنان سالاً محفوظاً محدوداً و غیر  
ابدی خویش در آغوش جبل مقدس رب استقرار یافت حضرت  
عبدالبهار که تاج مبارک را از سر برداشته و کفشها و لباده مبارک را  
بیک سونپاده بوزند بجانب تابوت خم شدند و در حسنی که شعرات  
نقره ای فام آن طلعت نوار در حول رأس غیر پریشان و چهره مبارک

شع و در شان جبین را بر کنار صندوق قرار داده با صدای بلند  
 شروع بگریه نمودند بطوریکه حاضرین از مراثت و احزان قلبیه  
 بهیکل همسر بناله و ضنین درآمدند و آن شب از کثرت مالمات  
 و غمجان احساسات خواب از دیدگان مبارک متواری گردید.  
 پس از انجام این امر جللی و مقصد فریعی توقع مقدسی از برآ  
 عظمت مرکز میثاق نازل و حصول این موفقیت جدید و مبوب  
 حضرت رب مجید را بدوستان الهی و یاران یزدانی بشارت  
 فرمودند قوله العزیز « ای یاران الهی بشارت کبری اینک یک  
 مظهر منور مقدس حضرت اعلی روحی له الفداء بعد از آنکه  
 شصت سال از تسلط اعداء و خوف از اهل بغض استوارده از  
 جانی بجائی نقل شد و ابد اسکون و قرار نیافت بفضل جمال اسی در

یوم نسیروز در نهایت احتفال با کمال جلال و جمال و جل کرل در  
 مقام اعلی در صندوق مقدس استقرار یافت و اهو المرقه  
 اخیلی و اهو اجدث المظهر و اهو الرمس المنور... امید چنانست  
 که بمنیت این امر عظیم امر الله در جمیع اطراف و کناف جلوه دیگر  
 نماید و طلوع و اشراق عظیم فرماید و خدا من فضل ربی این یابید است  
 و توفیقات از مظهر جمال قدم موعود بود و احکم الله بنجر حصول رسید  
 فاشکر الله علی هذه النعمة العظمی و الموهبة الکبری الی سئلنا  
 اجمعین من رب العالمین».

و همچنین در آن لوح منسوخ مذکور « و از تصادفهای عجیب آنکه در  
 همان روز نوروز از رشکاغولگرانی... رسید مضمون اینکه از شهر شری  
 از شهرهای امریک احبابا بنیابه از خود سبوثی انتخاب نمودند و

بشیکاغوزستان از چهل مبعوث در شیکاغو جمع شدند و سه قطعی  
موقع مشرق الاذکار و بسیاریاش دادند تا کل اجابای امریک و بین  
مشرق الاذکار در شیکاغو مشترک باشند»

با انتقال عرش اطهر حضرت نقطه اولی بکوه کرمل و استقرار آن  
رس منوره در آن جبل مقدس نقشه ای که نهایت عظمت در او اوجیات  
مبارک حضرت بهار الله تنظیم و بشیت نافذة الیه ترسیم شده بود  
تفصیلاً گردید و ساعی و زحمات بی شمار مرکز عهد و پیمان الهی بنا بر تقویت  
کبری متوج شد و بقعه مقدسه علیا مطاف ملا اعلی که بفرموده مبارک  
حضرت عبدالبهاء ربش مطلع الهام و پس از روضه مبارکه جمال  
اقدس ابی اعلی و اشرف مقامات مقدسه عالم بهائی محسوب است  
بطور ابد در صحن جبل رب مرتفع گشت و آن مرکز نبی الانوار در ارض میعاد که

از اول لا اول مغزود کتب و صحف سماویه با بدع اذکار معروف و موصوف  
بوده بطراز منسج تا نسیس گردید.

این مقام مقدس و هفت لبوی مدینه منوره عکاور و روضه مبارکه علیا  
قلب العالم و قبله الامم توجیه بسیارش من حضرت علیا و در پیش اطلال  
مهدی صبح بیخ و خفتش جلگه شارون و در دامنه اش گلنی ز باد آسمانی  
که از ایام تقارن الهام امر جمال منسیر ابی در مدینه الله لانه و کاشانه  
خود در ترک نموده و در استظار «محبی رب» باین صحن مقدس غمچی  
گردیده اند و واقع می باشد.

پس از ارتفاع مقام تحولات حاصل از تکمیل و تشدید آن بقعه مبارکه  
نور او ایجاد حدائق غلبه و تحصیل اراضی موقوفه و سید و استقرا  
مضایع منوره مراقب مندره کبری ام حضرت عبدالبهاء حضرت

خصن الله الاطهر و حضرت درقه علیا ثمره از لیه سدره منتهی در جو اراک  
 کمن اسنی شطری عظمت و جلال و شهرت و کمال آن در ضمه غناد  
 رحال بلاغی را ظاهر و آشکار ساخت و شیخی از رفعت و استماع مقصد  
 اعتراف بهائی را که علت بعث و پیدایش این مقام آقدس اعظم  
 بوده با هر دو پدیدار گردانید حال چون بر در ایام تأسیسات بنیه و مشرعان  
 جلیله و معابد عظیمه طائف حلال این مرکز اداری جهانی اهل بهار ایجاد کرد  
 قوای مکتوبه منتبث از آن مقصد قدسیه و لطیفه ربانیه از خیر غریب  
 قدم بعرضه شهود خواهد گذاشت و این مصدر الطاف الهی و مشرق  
 آیات سبحانی علی رغم شبثات دشمنان و جهات عنیفه اهل  
 طغیان بر منزلت و مکانت خواهد افزود تا آنکه شوکت و عظمت  
 بانه اش واضح گردد و قدرت و عزت کامله اش در انظار عالم و

عالمیان مشرق و نمایان شود.

لسان قدم در الواح و صحائف مقدسه بذكر شئون و مقامات  
 فنیعه آن جیل الهی و کرم اعظم بزدانی مالوف و در لوجی مخصوص که با عاز  
 آن مطلع انوار از سما اراده طلعت مختار نازل این خطابات  
 عالیات مدون و مسطور قوله السبع «یا کریم انزلی بما اقبل  
 الیک وجه الله مالک ملکوت الاسماء و فاطمه السماء...»  
 طوبی لک بما جعلک الله فی هذا الیوم منقته عرشه و مطلع آیه  
 و مشرق بنیاته طوبی لعبد طاف فی حو لک و ذکر ظهورک و برزک  
 یا کریم شری صهیون قولی اتی المکنون سلطان غلب العالم  
 و بنور ساطع به اشرف الارض و من علیها ایاک ان  
 تگوئی متوقفا فی معاکم اسرعی ثم طوفی مدینه الله اتی

نزلت من السماء وعبت لله التي كانت مطاف المتقين و  
المخلصين والملائكة العالمين»

فصل نوزدهم

## سفر حضرت عبدالباہار و پامریک

چنانکہ در صفحات قبل مذکور گردید سطوع انوار حقیقت بر افاق باختر استقر  
امر مقدس حضرت بہار اللہ در اقطار غربیہ کہ از شون و مطاہریتہ  
دورہ میثاق محسوب توای عظیمہ روحانیہ و ثمرات خفیہ طیبہ  
بیار آورد کہ الطاف مخصوصہ تیرہ بیان و شرکت مرکز عہد حضرت  
رحمان زاد تمشیت امور و تفسیق خدمات تاریخی یاران آن سامان خود  
جلب نمود و ارادہ مبارک بر اعلا کلمہ ربانی و مذاہلکوت

یزدانی در مدین و دیار غرب تعلق گرفت ولی تا بحران ناقضان پیکان  
 موجود ظلم و عدوان حکومت جائزه در بین بود انجام نوایمی طلعت  
 میثاق الهی میسر نگردید و تحقق آمال آن شرف مواسف سبحانی  
 ممکن نشد تا آنکه توفیقات صمدانیه طلعت و بحور نقض زائل گردید  
 و آفتاب جناب عهد آفاق قلوب را منور نمود و رقا، ایکه  
 عبودیت از نفس سخن ربانی یافت و در نخبه سخن یوسفی از گردن  
 عبدالبهادر بر داشته شد و سلاسل و اغلال برگردن عبدالمجید  
 ختم پدید نیفتاد این بود که آن بیکل انور مجید استخلاص از حبس و  
 استقرار مسالطه حضرت باب در آرمگاه ابدی خود و فراغت  
 و اطمینان خاطر از مخاط آن و دلیله الیه در عهد سابق از حیات معدن  
 خویش قیام فرمود و با آنکه در ارتسابع محسن و بلایا و صرف ایام

مبارک در غربت و اسارت و وجود غوائل و مشاغل بی پایان  
 علل و امراض مختلفه بیکل انورش طاری گردیده و قوای جسمانی بکلی  
 تحلیل رفته بود آن منادی ملکوت با بهت و استقامت بی نظیر  
 اراده فرمود تا آخرین منق حیات را در سبیل خدمت امر محبوب  
 ایثار نماید و با انجام خدمت و رسالت عظیمی که در قرن اول بهائی پیش  
 و عدیل است مبارک و زرد.

سفر سه ساله مبارک بدو بقطر مصر و سپس بصنجات اروپا  
 و امریک بدرجه ای عظیم و حائز اهمیت است که بوصف نیاید و  
 نتایج تاریخی آن بقدری مهین و ظریف است که در تحریر و تقریر گنجینه عقیده  
 میستوان گفت که این سفر مقدس فصل بدیعی در تاریخ قرن اول  
 بهائی منقوح و دوره نوینی در عالم بسط و اشاعه امین حال اقدس

ایسی ایجاد نمود که در مستقبل ایام قدر عظمت آن معلوم و آثار بیهوده مضیبه اش  
کما نیسفی و یثیق بر جهان و جهانیان کشف خواهد گردید.

ام مقدس آئی در استعوط و بهبوط دشمنان از قیودی که مدت شصت و شش سال  
آزاد حرکت و تقدم سریع باز داشته بود تخلص گردید و فایده عظیم و مرکز عهد کیش با  
وجود تفسیحات اضطراریات و غیره که هنوز فعالیت دوستان جهانی را در مبد

این نازنین محدودی ساخت آزادی عمل یافت و این آزادی بجز بر هر فصلی از  
ایام جنگ عمومی که مخالفت اعدا تجدید گردید تا پایان حیات مبارک او ادامه پذیرفت

و تأسیسات و شرورات مرکز جهانی امر آنست که نیز از هر گونه تفسیق تهیدید برای حال  
نمود در این تفسیر و تحول شدید برای تیره رائل شد و شمس پیمان در آسمان هراس  
سطوح و اشراق جدید نمود و چنان بنور افشانی و در فانی مالوف گردید

که عشاق روی بنفش را در شرق و غرب در دریای شگفتی و اعجاب

مستشرق ساخت و نفوذ و تاثیر نامتناهیش را در جریان تاریخ این امر  
ابوح عظیم باقی گذاشت حامیه الهیه آبرنگ ریاض عربیه نمود و غصن دو حدیحه  
که بفرموده مبارک در ریعیان شباب بزدان اعدا گرفتار و در سپری و فرسودگی  
از آن استخلاص یافته بود به تبلیغ امر پروردگار قیام فرمود و با آنکه در مدت حیات  
در محافل و مجالس اهل غرب وارد شده و در مجامع عمومی بطق و بیان سپرد آنچه  
در سر نهیده و لسان و آداب رسوم و قواعد قوم را بیا موعظه بود بلخی بدیع و قدرتی  
محیر العقول از نسیه از نساب و گرسی خطابات و دعوا صم تمه ارباب  
و بلاد شامه امریک با ثبات حقیقت الوهیت و حقانیت  
مظاہر متصدیه و ابلاغ تعالیم رحمانیه و بسط مبادی سامیه ربانیه  
و کشف اسرار مدنیته الهیه و حل مسائل اقتصادی و اعلان  
وحدت عالم انسانی پرداخت.



وجود مبارک نظریه تصمیم قاطعی که در انجام سفر بدین طرف  
 وندامبلکوت آلمی در آن بلدان اتحاد فرموده بودند با وجود ضعف  
 و انحلال قوادری از ایام ماه سپتامبر ۱۹۱۱ میلادی یعنی یکسال  
 پس از سقوط عبدالحمید و استقرار مسعود حضرت اعلی در  
 جبل کرمل بدون اطلاع قبلی بصوب مصر توجه فرمودند و قریب  
 یکماه در پورت سعید اقامت کردند آنگاه بقصد غیرت بجانب  
 اروپا و اردو کشتی گردیدند ولی چون صحت و سلامت مبارک  
 رخصت حرکت نداد در اسکندریه نزول اجلاس فرموده سفر را  
 تاخیر انداختند و مقرر مبارک را در راه یکی از ضوایح اسکندریه  
 معین فرمودند و پس از چندی به زیورن و قاهره تشریف  
 بردند و آن اشعار بقدم مرکز عهد حضرت پروردگار مین گردید

پس در تاریخ یازدهم اوت ۱۹۱۱ میلادی آمدن بمعبیت چها  
 نفر از خدام و ملزمین رکاب بوسیله کشتی بخار کرسیکا بجانب ماری<sup>(۱)</sup>  
 رسپا شدند و بعد از توقف مختصری در تونون<sup>(۲)</sup> لپن بلندن عزیمت  
 فرمودند و یوم چهارم سپتامبر مردم آن عاصمه عظیمه بمبارت  
 مرکز میشتاق آلمی مفتخر و مستباهی گردیدند و پس از یکماه اقامت  
 در این مدینه وجود مبارک بپاریس تشریف فرما شدند و مدت  
 نه هفته در آن شهر اقامت و در دسامبر همان سال به برنصر معاد  
 فرمودند و مجدداً در راه اسکندریه رحل اقامت افکندند و فصل  
 زمستان را در آن محل بسر بردند تا نوبت سفر ثانی مبارک رسید

1— S.S. Corsica

2— Marseilles

3— Thonon - les - Bains

(۱) جزری سیتی - کامبریج - مدفورد - موریس تون - دابلین  
 (۲) (۳) (۴) (۵)  
 (۶) گرین ایئر - مشرال - مالڈن - بو فالو - کنوشا - سینا پولیس  
 (۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱)  
 (۱۲) سن پل - اوماہا - لینکلن - دنور - گلین وود اسپرنگز - سالٹ لیک  
 (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶)  
 (۱۷) سیتی - سان فرانسسکو - اوکلنڈ - پالو آلتو - برکلی - پاساڈینا  
 (۱۸) (۱۹) (۲۰) (۲۱) (۲۲)  
 (۲۳) لاس آنجلس - ساکرا متو - سن سینا تی و بالٹیمر موٹی اقدام  
 (۲۴) (۲۵) (۲۶)

- |                    |                      |               |
|--------------------|----------------------|---------------|
| 1- Jersey City     | 2- Cambridge         | 3- Medford    |
| 4- Morristown      | 5- Dublin            | 6- Green Acre |
| 7- Montreal        | 8- Malden            | 9- Buffalo    |
| 10- Kenosha        | 11- Minneapolis      |               |
| 12- St. Paul       | 13- Omaha            | 14- Lincoln   |
| 15- Denver         | 16- Glenwood Springs |               |
| 17- Salt lake City | 18- San Francisco    |               |
| 19- Oakland        | 20- Palo Alto        | 21- Berkeley  |
| 22- Pasadena       | 23- Los Angeles      |               |
| 24- Sacramento     | 25- Cincinnati       | 26- Baltimore |

و در تاریخ میست و پنجم مارس ۱۹۱۲ با جہاز «سدریک» از نیوی  
 یارک مستقیماً بصوب نیویورک حرکت و در یازدهم آوریل بہ بندر  
 مذکور ورود فرمودند و مدت ششماہ در خطہ وسیعہ امریکای  
 گرانہ تا کرانہ دیگر بہ سیر و ساحت برداشتند و طی آن شہرهای  
 واشینگٹون - شیکاگو - کولمبیا - پیسبورگ - مونت کلر - بسٹن  
 و ستر بروکلین - فن وود - میلفورد - فیلادلفیا - وست انجلوود  
 (۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷)  
 (۸) (۹) (۱۰) (۱۱) (۱۲) (۱۳)

- |                    |               |                  |
|--------------------|---------------|------------------|
| 1- S.S. Cedric     | 2- Washington | 3- Chicago       |
| 4- Cleveland       | 5- Pittsburgh | 6- Montclair     |
| 7- Boston          | 8- Worcester  | 9- Brooklyn      |
| 10- Fanwood        | 11- Milford   | 12- Philadelphia |
| 13- West Englewood |               |                  |

مرکز میثاق الهی واقع گردید پس در تاریخ پنجم دسامبر ۱۹۱۲ میل  
 مبارک بوسیدگشتی «سلیتیک»<sup>(۱)</sup> از نیویورک شطبه لیورپول<sup>(۲)</sup>  
 عزیمت و از آنجا با قطار آهمن بجانب لندن حرکت فرمودند بعد  
 به اسکس فور و ادینبورگ<sup>(۳)</sup> و بریستول<sup>(۴)</sup> تشریف فرما شده و از آنجا  
 مجدداً لندن معاودت و در تاریخ هجدهم نوامبر ۱۹۱۳ بطرف  
 پاریس توجیه فرمودند و درسی ام مارس عازم اشتوتگارت گردیدند  
 و از آنجا در یوم نهم آوریل<sup>(۵)</sup> بوداپست تشریف بردند و در روز بعد به  
 عزیمت فرمودند و در تاریخ هجدهم آوریل به اشتوتگارت

- 1— S.S. Celtic      2— Liverpool      3— Oxford
- 4— Edinburgh      5— Bristol      6— Stuttgart
- 7. Budapest

مراجعت و در اول ماه مه وارد پاریس شدند و تا دوازدهم ژوئن  
 بیگل آندس در آن شهر توقف فرمودند و روز بعد بوسیدگشتی  
 «هیمالایا» که از ماری حرکت میکرد بقطر مصر بر سپار شدند و بقلعه  
 چهار یوم سوپرت سعید رود فرمودند و پس از گردش مختصری در ایسما  
 و ابوقیر و توقف بالنسبه ممتدی در رمله بجانب حیفا توجیه فرمودند  
 و سفر تاریخی مرکز میثاق الهی در یوم پنجم دسامبر ۱۹۱۳ میلادی  
 پایان پذیرفت.

بیگل مبارک طی انظار مذکور در مجامع و محافل و کنائس و معابد  
 و دارالسنو نهاد و معاهد علمیه در حضور جماعات کثیره از فلاسفه  
 و دانشمندان و ارباب علوم و صنایع در رؤسای ادیان و اعظم  
 رجال و اکابر قوم از هر طبقه و مرتبه که در بعضی موارد عدویشان

از هزار تجاویز نمود تعالیم اساسیه و اصول و مبادی سایه  
 این امر اقوم را با انگلی بدیع و بیانی بلوغ و قدرتی بی مثل و عدیل  
 اعلام و سیاست الهیه را ملل و نخل عالم بچشمین بر سران و  
 زمامداران انکار عمومی بشهریه علمی ردس الاشهاد ابلاغ فرمودند  
 از جمله بیان تحسری حقیقت فارغ از سوء تفاهم و تقلید و حدت  
 عالم انسانی محور تعالیم ربانی در این امر ابداع عظیم و وحدت ادیان  
 الهیه ترک تعصبات مذہبی و جنسی و طبقاتی و وطنی تا تطابق علم  
 و دین تساوی حقوق رجال و نساء که طیر عالم انسانی را بمنزله  
 دو جناح همه عسروج بمدارج ترقی و حصول مقامات مادی و  
 مصنوعی است، تعلیم اجباری، اختیارسان بین المللی و تعدیل  
 معیشت حل مسائل اقتصادی تالیس محکمه کبری برای حل اختلافات

و منازعات بین دول و ملل و موجب اشتغال بکار و قبول آن  
 در ساحت پروردگار بمنزله نفس عبادت مادام که با روح خلوق  
 و خدمت توأم گردد، تحلیل عدالت بعنوان اصل اساسی  
 و ضابطه حقیقی در جامعه بشری، تکریم مقام دیانت چون بزرگ  
 و حسن بستن از برای نظم عالم و حفظ اعم و بالاخره تأسیس صلح  
 عمومی هدف اعلی و مقصد انسانی عالم انسانی و غیره و غیره  
 آن مادی ملکوت علاوه بر بدین تشریح تعالیم مقدسه این  
 دور اکرم که نفس موده حضرتش «روح عصر» و مایه سعادت  
 و نجات عالم بشریت است بکمال صراحت اخبار فرمود که  
 آتش مهیب جهان نوری در کار است اگر رجال عالم مصلحان  
 و زمامداران اعم در دفع آن بلا می مبرم نموشند و آب تعالیم

آئینه خاموش نماینده قاره اروپا بتمامه منقح گردید و بسبب  
 آن عالمی را بسوزاند و نیز بصریح بیان اعلان و انداز فرمود  
 که «قطعه اروپا مانند جبهه خانه شده و موقوف بیک سراره است  
 بعلاوه همکل مبارک در جمع محافل و مجالس تحولات و تطورات  
 عظیمه ای را که در آن قاره منقلب و شرف تکوین بود اعلام و  
 نهضت عدم مکرر قوای سیاسی را که نهایت شدت در  
 خیر ظهور و برزور بقویت و استقلال اجزاء داخله حکومت تقسیم  
 حدود و اختیارات متسی میگردید گوشزد نمود و بوقوع حوادث  
 مؤلمه در زمین ترک و ایذا و آزار ملت یهود و قطعه اروپا  
 اشاره فرمود و منظره آئینه جهان و اشراق نیز صلح و سلام  
 از افق امکان را پس از ختام انقلابات حالیه و استقرأ

تعلیم ربانیه باین بیان روح بخشنده روشن و آشکار ساخت  
 قوله العسیر «عقرب ملاحظه نمایند که علم تقدیس بلند گردد  
 و پرچم وحدت و محبت عالم انسانی در قطب آفاق موج زند و  
 صلح عمومی بنیاد شود و پرتو حقیقت جلوه نماید» همچنین «روی  
 زمین هشت برین گردد و جهان ناسوت آئینه ملکوت شود جهان  
 جهان دیگر گردد و نوع انسان تربیت و روش و سلوک دیگر یابد»  
 در طی این انفاز از همکل مبارک چنان روح حیات و اشتقا  
 و انقطاع و فعالیت و توجه تام و حصر انکار در احب برای منظور تبتی  
 که لاجل آن قیام فرموده بود ظاهر و باهر گردید که ملازمان  
 حضور و کافه نفوس که از نزدیک افتخار ملاحظه اطوار و افعال  
 آن وجود اقدس را داشتند در ریای بهت و حیرت مستغرق

شدند در احیان سفر و گردش بلاد حضرتش بهیچ وجه مبایط و مواقع  
بدلیه و آنسیه و جهات عالمیه که انظار واردین و مسافریں را  
بخود معطوف میساخت و ملزمین رکاب اکثر از لحاظ تنوع و ارتفاع  
خشکی و انبساط خاطر مبارک مایل بودند که بیکل اکرم آن مواضع و  
مواقع را دیدن نمایند توجیهی نمیفرمود بصحت و سلامت خویش  
اهمیت نمیداد و با وجود ضعف و تقاهت باسایش در راحت خود  
غنی پرداخت شب و روز بشرف نجات الله مشغول بود و در شب  
به بشیر ملکوت الله مألوف آمد دیگر که موجب جلب انظار توجیه  
نفوس از خاص و عام گردید مراتب استغنا و استقلال آن مظهر  
لطف و عطا و معدن جود و سخا بود آن وجود اکرم از قبول هدایا  
و تحف یاران و اعانات دوستان که همه مصاریف مبارک

لطیب خاطر و شف وافر تقدیم نمودند استسناع میوزید و ارتقا  
حال مملوین و در بختی مظلومین و عیادت مرضی و بذل بقرا و  
مستندان آن دایر خودداری نداشت چون ابر رحمت برارضی  
قلوب کئیه میسبارید و چون آفتاب کرمیت بر ارواح و عقول  
مسفده پرتومی افکند با اعتراضات رؤسا و پیشوایان متعصب بهی  
اعتنا نمیفرمود و بحکامات مغلیں و تحریکات مخالفین و غمی نمی  
گذاشت از کرسی خطابه و لفظ حقانیت امر حضرت مسیح رادر  
معابد هیود و حقیقت رسالت حضرت سید المرسلین رادر کائنات  
ابنا کلیم و ملت روح بنهایت صراحت و صراحت اثبات  
و دلائل میفرمود و همچنین وحدت ظهورات الهیه و لزوم اتباع تعالیم  
ربانیه را از نواد و قیون و زنادقه و معترضین و مرتابین تشیح و توضیح

مینمود تجلیل و تکریم مقام حضرت بهاء الله در مجامع و محافل و بیساکل  
 و صوامع مرکب از اجناس و طبقات و مذاهب مختلفه من دون  
 ستر و حجاب میکشید و از قبول طرفداری و پشتیبانی آن  
 ثروت و قدرت و ارباب نفوذ و مکنات که در موارد عدیده چه  
 در انگلستان و چه در امریکان نسبت با انجام هرگونه خدمت و بذل  
 بهر نوع مساعدت در راه اشاره و تقویت پیام آن منادی بقا  
 انهار میل و اشتیاق مینمودند شدیداً استکفاف میفرمودند  
 و بالاتر از همه این مراتب سحیه محبت و مخلوقی بود که آن قدوه اهل  
 بهاء و مرکز عهد اتم او فی کمال خلوص و صمیمیت نسبت با کافران  
 از بیگانه و آشنا و وسیع و شریف علی حد سوی ابراز میداشت  
 و این انهار غایت و بذل مرحمت بجان و زمان مخصوص محدود

نبود و با فساد معدود اختصاص نداشت بلکه جمیع نفوس در هر  
 مقام و رتبت و از هر طبقه و ملت که بحضور او ریش مشرف و بفض  
 زیارش منتظر شمول الطاف بیکران و مورد فضل و احسان بی  
 پائینش واقع میشدند به نظر حق آن مشرق مواهب سبحانی و مطلع  
 انوار رحمانی در مدت سه سنه اهل عالم را در دریای او هام و انکار کرد  
 مستغرق و در بادیه اغراض و تعصبات جاهلیه سرگردان و  
 بسات غفلت و دوری از حق و حقیقت گرفتار بودند نصیحت  
 و ارشاد نمود و آنچه مایه نجات عباد و آسایش من فی البلاد است  
 تشریح و جامعه انسانی را برود و در شریعه ربانی و دخول در سرا  
 پرده وحدت و یکگانه دعوت فرمود.

بیکل مبارک در طی سفرهای متعدد بصر چند بار با خدیو آن قطن

عباس حلی پاشای دوم ملاقات فرمودند و بین آنحضرت و  
 لرد کچپنر<sup>(۱)</sup> مراسم معارفه و آشنائی بعمل آمد و هفتی آن دیار شیخ محمد  
 نجفیت هم چنین امام خدیو شیخ محمد راشد چند تن از علما  
 و پاشاها و رجال ایران و نمایندگان مجلس ترکیه و ارباب  
 جرائد همه در مدینه قاهره و اسکندریه و رؤسا و مدیران مؤسسات  
 عظیمه ندیمی و دون ان مجله انور مشرف شدند و کل از فیض  
 لغایش ستفیض و از بحر فضل و احسانش منعم و موزون گشتند.  
 در مدت اقامت هیکل اکرم در انگلستان عمارتی که در کادگان  
 کار و زرد اختیار آن وجود اقدس قرار گرفته بود زیارتگاه و اردین<sup>(۲)</sup>

و مطاف طابین و قبله منجذین و مقبلین از طبقات و ساکن  
 مختلفه واقع گردید که با سه در مو فور و اشتیان از اندالو<sup>صف</sup>  
 بملاقات زندانی عکاشاقتند و زیارت نفس مقدسی که دیار  
 آنرا بقدم مبارکش فرین و آن سه زمین را اولین صحنه  
 از مساعی روحانی خویش در غرب مقرر فرموده بود رواور گشتند  
 لیدی بلا مفسیلد و زقه لومنه موقنه که در ایام اقامت  
 هیکل اطهر در لندن افتخار پذیرائی و مهمانداری مبارک را دارا بود شرح  
 مشاهدات خویش را در آن ایام پرا بهتجاج بدین وصف  
 میگارد « آه چه ایام خوشی بود ااطابین و محبین از نقاط مختلفه عالم  
 برای زیارت هیکل اقدس میآیدند گونی بسنوز صدای



استادم آنها در گوش طنین انداز است همه روز از صبح تا شام  
 سیلی از نفوس و جماعات من دون وقفه و تعطیل بجانب بیت  
 مبارک روان و مجذوب آن مه تابان رؤسای کنائس  
 بشرین ملت روح، استادان علوم و السنه شرقیه، رجال و  
 مصادر امور، عرفا و حکما، نمایندگان فریق مختلفه عیسوی از طایفه ای  
 و کاتولیک و دون آن، تیسافه، هندو، اصحاب  
 علم مسیحی، اطبا، شخصیتهای مهمه از اسلام و بودائی و زردشتی  
 هم چنین سیایسون و سربازان شکر نجات و سایر خادمین

1- Christian Scientists

2- Salvation Army

نوع و کارکنان امور خیریه و تأسیسات عام المنفعه، طرفداران حقوق  
 نسائیه، ارباب جراند و اصحاب قلم شعراء معاصره که کنندگان  
 بوسائل روحانی، طبقات ممتاز نسوان بنرمندان و صاحبان  
 حرفه و صنعت، دوستداران موسیقی و درام و بازیگانان پر  
 ثروت و عظام مردم فقیر و بی نوا که با بجزه مبارکش شرف و  
 جمیع مشمول مراحم و اعطاف آن منادی ملکوت که حیات  
 مقدسش را وقف راحت و ترقی اینان نوع نموده بود میشنیدند و گوشت  
 روح از ایامی فضل و احسانش مسح میشدند»

اولین بار که میکل مبارک حضرت عبدالهبا در یک احتفال  
 غربی حضور بهم رسانید و از کرسی خطابه در مقابل جمع کشیری  
 از حضار ایراد نظر فرمود در کنیسه مسیحی موسوم به

موقع دیگر در هفتم سپتامبر بحسب تقاضای آرچدیکن  
 ویلفورس<sup>(۱)</sup> طلعت میثاق در کنیسه «یوحنا می لاهوتی»<sup>(۲)</sup> در  
 «وست مینستر»<sup>(۳)</sup> پس از نماز عصر در باره تحقیق و عظمت الوهیت  
 بشانی که در کتاب مستطاب ایقان از کلک اطهر جمال آدرس  
 ابی نازل گردیده بیاناتی ایراد فرمودند یکی از نفوس که جریا  
 تشریف فرمائی مبارک را کنیسه مذکور در همان ایام ثبت نموده  
 مینویسد «آرچدیکن کرسی مخصوص استغف اعظم را که در صدر محراب  
 قرار داشت در اختیار میمان جلیل القدر خویش گذاشت و خود بجا  
 خضوع در کنار میکل انور باستان و ترجمه خطابه مبارک را بنفسه قرأت

1- Venerable Archdeacon Wilberforce

2- St. John the Divine 3- Westminster

«سیتی تمپل»<sup>(۱)</sup> در شهر لندن بود و آن در تاریخ دهم سپتامبر ۱۹۱۱  
 اتفاق افتاد بدو قیس محترم راج<sup>(۲)</sup> کبیل میکل اطهر انبیا  
 تجلیل و احترام معرفی نمود پس آن وجود اقدس با بیانی مهیج  
 و نجی طنین فاسکن شروع با تقاضای خطابه فرمود و اثبات وحدت  
 الهیه و وحدت اساس ادیان پرداخت و بکمال وضوح  
 اعلام نمود که امروز معاد وحدت نوع انسان از جمیع اجناس  
 و طوائف و شعوب و قبایل ادیان و مذاهب فراسیده و وقت  
 آن است که کل در ظل خمیه یک رنگ توحید در آیند و در سر پرده  
 اتفاق و یکسانی محسوس شوند.

1- City Temple

2- Reverend R. J. Campbell

نمود حاضرین از وضع محل و احترامات فائده رئیس بی نهایت متعجب  
و متشکر گردیدند و به جمعیت قنیس زانوزده از آستان مبارک رجای  
نماید و برکت نمودند در این صحن وجود اقدس قیام فرمودند و در حالی که  
ایادی مبارک مرتفع بود با نغمی طبع و جذاب درین سکوت خصماً  
بدعا و مناجات پرداختند و از ساحت کبریا طلب برکت و رحمت  
نمودند چنانکه فضای آن معبد عظیم از ارتعاشات آن صوت بدیع تیزتر  
آمد و قلوب از توجبات آن بحر محیط انشراح و انبساط بی پایان حال نمود  
علاوه بر احتفالات مذکوره بهیچل مبارک بر حسب دعوت  
و خواهش شهردار لندن<sup>(۱)</sup> در نشین هوس تشریف فرما<sup>(۲)</sup>

و با مشارایه صرف سبحانه فرمودند و نیز در محل جمعیت تیار فیها  
بموجب استدعای رئیس جمعیت خطابه ای ایراد نمودند و همچنین در  
جلسه ای که در مرکز نیت افکار عالیه در لندن تشکیل شده بود صحبت  
فرمودند از طرف انجمن براموسوماج<sup>(۱)</sup> نیز از سبیل الطهر دعوت گردید و  
آن وجود اقدس در جلسه مخصوص که تحت اداره آن انجمن منعقد  
شده بود ایراد نطق فرمودند و همچنین طبق دعوت جمعیت مسلم  
انگلستان در جامع اسلامی واقع در وکینگ<sup>(۲)</sup> در مقابل جم غفیری  
از اجله نفوس در باره وحدت عالم انسانی خطابه ای مهین و خراش  
فرمودند و از طرف شاهزادگان در حال ووزراء سابق ایران و

کنائش بنام «کنگره‌ی شمال چسچ»<sup>(۱)</sup> در «ایت اند»<sup>(۲)</sup> لندن  
 بر حسب خواہش رئیس کنیہ بیانات فنی ادا نمودند و در بعضی از  
 مراکز مهمه از جمله در «دست نیستر ہال»<sup>(۳)</sup> خطاباتی بحیثیت حاضرین  
 کہ از اجلہ نوس تشکیل و در اسس آنها سر تو مانس بر کلی از بزرگان  
 انگلستان قرار داشت القا نمودند همچنین در کاکسٹون ہال<sup>(۴)</sup>  
 بہ بیان مبادی الہیہ و بسط تعالیم ربانیہ پرداختند و کل از ان بحر  
 زخار اعتراف حقایق و معانی بدیعہ نمودند بعلاوہ یکل مبارک در

1- Congregational Church

2- East End

3- Westminster Hall

4- Sir Thomas Berkely

5- Caxton Hall

اعضای سفارت شام شاہی در لندن پذیرائی گشتند  
 در کسفورد و جوہ مبارک در منززل و کٹر چن بعنوان میمان<sup>(۱)</sup>  
 اقامت فرمودند و در همان شہر در مقابل جمعیت عظیمی از حضار در  
 جلسہ ای کہ تحت ریاست و کٹر اسلین کارپنٹر در انسکده منچستر<sup>(۲)</sup>  
 منعقد شدہ بود نطقی بیغ و موثر و مستدل ایراد فرمودند  
 بطوریکہ حاضرین کلاً مجذوب بیانات مبارک گردیدہ و بی نہایت  
 باصول و مبادی امر علاقہ مند شدند همچنین از کرسی خطابه در یکی از

1- Oxford

2- Dr. T. K. Cheyne

3- Dr. Estlin Carpenter

4- Manchester College

نمایش مذهبی «قلب شتاق» در چرچ هوس در محل دستگیر  
 حضور بهم رسانند و این اولین نمایشی بود که آنجودا تیس در مدت  
 عمر ملاحظه فرموده بودند و چون در آن نمایش تاریخ حیات  
 و مصائب حضرت مسیح له المجد والشمار نشان داده میشد  
 است از دیدگان مبارک جاری گردید و طالار «پاسمور اووارد»  
 تسلیمت<sup>(۲)</sup> واقع در میدان «تاویستاک»<sup>(۳)</sup> مرکز شتاق در  
 حضور جمعیتی مرکب از چهارصد و شصت نفر از افراد برجسته و منتخب  
 جامعه که تحت نظارت پروفیسور میکائیل سادلر اداره میشد<sup>(۴)</sup> صحبت

1- Church House 2- Passmore Edwards Settlement

3- Tavistock Place

4- Prof. Michael Sadler

فرمودند سپس طلعت انجمنه ای از جوانان کارگر انجمن را که در فاصله  
 بیست مایلی لندن تعطیل را بر گزار میکردند دیدن فرمودند  
 و باز برای مرتبه ثانی بدان مؤسسه تشریف فرما شدند و جمعی از طبقات  
 و عناصر مختلفه از جمله چند تن از کشیشان متعلق بفرق متنوعه مسیحی  
 رئیس دبستان سپران یک نفر از اعضا پارلمان یک دکتر  
 یک نویسنده مشهور سیاسی معاون یک دارالفنون و عده ای  
 از جریده نگاران یک شاعر معروف و یک قاضی بزرگ شهر  
 لندن را که برای تشریف بمحضرمبارک اجتماع نموده بودند ملاقات  
 و بهر یک اظهار محبت و عنایت مخصوص فرمودند.

نگارنده وقایع تشریف فرمانی حضرت عبدالهبارک انگلستان  
 ضمن تاریخچه مسافرت مبارک مینویسد «خاطر دارم روزی بیگل

انور در کنار چپه بزرگی در روشنائی آفتاب جلوس فرمود  
 و در حین که جمع کثیری از مردوزن در حول مبارک حلقه زده و در انتظار  
 بیانات وجود مقدس به بحث امور تربیتی و اجتماعی و لویح  
 اصلاحات مملکتی و ارتباط تحت البحرها و منابر است بی سیم  
 با برقیات عصریه و حلول دور جدید و سائر مسائل روز سرگرم بود  
 مرکز میثاق طفل خرد سالی را که لباس مندرسی در برداشت  
 و از محضر مبارک همه فلک پول و مصارف مادر مفلوحش تقاضا  
 اعانه می نمود در اغوش گرفته الهام محبت و عطفت میفرمودند و طفل  
 این نهایت مبارک غرق سرور و شادمانی بود « سپس نویسنده  
 متذکر میشود که « این منظره فراموش نشدنی بخوبی نشان میداد  
 که چگونه بیکل مبارک حضرت عبدالهبارانی از تقدیر و بخوبی ستند

انصراف خاطر حاصل نمیشد موند و هیچ احتفال و اجتماعی هر قدر  
 مهم و بزرگ بود آن وجود اکرم را از انجام این مقصد خیر باز نمیداشت  
 از جمله از شخصیتهای مهمه که در ایام اقامت مبارک در انگلستان  
 اسکانند بساحت انور شرف حاصل نمودند عبارتند از  
 روزند آرچدیکن ویلیامز (۱) - روزند لیل (۲) - روزند زدا ویلیامز (۳)  
 روزند راند کربت (۴) - لرد لایسنگتون (۵) - سر ریچارد و لیدی استپلی (۶)

1- Reverend Archdeacon Wilberforce

2- Reverend R. J. Campbell

3- Reverend Rhondha Williams

4- Reverend Roland Corbet

5- Lord Lamington 6- Sir Richard and Lady Stapley

سر میکائیل سادلر - جلال الدولہ فرزند ظل السلطان - سربراہ  
 ہمارا جہ جلاور کہ بدفعاات عدیدہ حضور مبارک عسرت و پذیرائی و ضیافت  
 شایانی باقتضای مبارک برپا نمود و دیگر ہمارا جہ راج پوتانا - رانی  
 اوساراوا - شاہزادہ خانم کاراجا - بارونس بارنکف - لیدی ویمیس  
 ونواہرٹس - لیدی گلن کامر - لیدی انو - میس کنستانس مود

1- Sir Michael Sadler 2- Maharaja of Jalawar

3- Maharaja of Rajputana 4- Ranees of Sarawak

5- Princess Karadja 6- Baroness Barnekov

7- Lady Wemyss 8- Lady Glencomer

9- Lady Agnew

10- Miss Constance Maud

پروفیسور برون - پروفیسور پاتریک گدس - مسٹر آلبرٹ داسن  
 مدیر و ناشر مجلہ "کریسچین کمنولٹی" مسٹر ڈیوید گراہم پول - میس  
 انی برنانت - میس پانکھورٹ - مسٹر اسٹید ہیکل  
 اظہر مذاکرات مفصل عمل آورده و گل مجذوب بیانات مبارک شفقت  
 وقار و عظمت و ہمنہ و احاطہ علمیتہ الوجود اقدس گردیدند.

1- Prof. E. G. Browne

2- Prof. Patrick Geddes

3- Mr. Albert Dawson

4- Christian Commonwealth

5- Mr. David Graham Pole 6- Mrs. Annie Besant

7- Mrs. Pankhurst

8- Mr. Stead

مجدد ایماندار مذکور در توصیف احساساتی که برای انسداد حکام  
 تشریف خصوصی بمحض مبارک دست میداد مینویسد «نفسیکه  
 استدعای این افتخار و موهبت را داشتند بسیار بودند افتخار و  
 موهبتی که درک آن خبر برای همان نفوس که از کائنات غایب  
 سرشار و از بحر بیانش تنفیض میشدند برای احدی کجا بود متذکر  
 و ناظرین صرفا شده ای از آن تحول روحانی را از وجود آن  
 مستغرقین دریای انوار پس از خروجشان از ساحات مبارک  
 احساس مینمودند حالتی مخلوط از حیرت و سرت و قلوبی مشحون از  
 رضایت و قناعت بعضی اوقات زائرین چنان محو آن طلعت  
 احدیت بودند که گویی میل مفارقت نداشتند و آن سرور و انتعاش  
 و ارتقار و اعتلا خاطر را که در مصاحبت آن شمع انجمن الهی برآی

آنان حاصل شده بود نعمت دو جهان مبادله نمیکردند.  
 همان نویسنده آثار و نتایج تشریح بر سفر تاریخی مبارک را  
 بالکلستان بدین بیان توصیف و تشریح میکند «مسافرت  
 حضرت عبدالهسا، باین سرزمین تاثیر عمیقی در قلوب و ارواح  
 از طبقات و مسالک و فرق و مشارب مختلفه متوجه باقی گذاشت  
 اقامت مبارک در لندن بنهایت مورد تحلیل و مکریم قرار گرفت بهمان  
 نحو که معاودت حضرتش موجب انبساط و حسرت فرادان گردید  
 در این سیر و سفر سبک انوار خود دوستان و ارادتمندان بسیار باقی  
 گذاشت عشق و محبت نورانش دلمانرا جذب نمود و بجزارت شوقیه  
 بگذرخت قلبش بعالم غرب راه یافت و افنده اهل غرب را منجذب  
 دلبر ما هر وی شرق گردانید خطابات مؤثر و گرانبهایش نه تنها انظار



حاضرین و مستمعین را بنجد جلب نمود بل در اذنان و افکار کافه نفوس  
از نزدیک و دور رسوخ میکرد و آتش حبت و دود قلوب  
مشتاقان بر میافروخت . . .

تشریف فرمائی آن وجود اقدس در پاریس نیز با همان شغف  
و تعظیم و تکریم که از طرف دوستان لندن ملحوظ شده بود انجام گردید  
هیكل مبارک چندی در یکی از عمارات خیابان کامونس اقامت  
گزیدند لیدی بلا منقصد که ذکرش از پیش گذشت و در رکاب مبارک  
بدین شهر آمده بود میسنوید « ایام اقامت مبارک در پاریس مانند  
لندن در محیط روحانی و پراخنداب برگزار گردید ... بیکل طمسه  
هر روز صبح بر حسب روش و سبب معهود برای طالبین و وار دین

که حول آن مظهر فضل و عطا مجتمع شده و نهایت احترام و استیانت  
استماع بیانات مبارک را انتظار داشتند از تعالیم حضرت  
بهار الله و مبادی این امر اعظم صحبت میفرمودند نفوس  
مذکور از اجناس و اوطان و مذاهب و مسالک مختلفه هر  
و غربی مرکب بودند مانند تیا سو فیما - ماد یون - زما و قه - متعین  
باخصار و ارتباط با ارواح - صاحبان علم مسیحی - مصلحین  
اجتماعی - هندو - صوفی - مسلم - بودائی - زردشتی بسیار  
از ارباب عقاید متنوعه دیگر هنوز یک ملاقات و مصاحبه تمام  
نشده ملاقات و مصاحبه دیگر بعمل میآید رؤسا و شخصیتهای مهمه  
مذهبی از شعب مختلفه مسیحی حضور مبارک میرسیدند بعضی طالب  
درک حقایق و مسائل بدیهه بوده گوش هوش سخبات مبارک

فرامید اوند و برخی از شدت تعصب آذان خود را میگرفتند  
 مبارکطلبی بشنوند و یا حقیقتی ادراک نمایند».

نفوس مهمه ای که در پاریس افتخار شرف بحضور احدس را  
 حاصل نمودند بسیارند از جمله شاهزادگان و رجال و وزراء سابق ایران  
 مانند ظل اسطان، وزیر مختار ایران، سفیر عثمانی در پاریس  
 رشید پاشا و الی سابق بیروت، پاشا و وزراء اسبق عثمانی  
 و اکنونت آراداگان سفیر ژاپن در دربار اسپانیا، یکل انور در پاریس<sup>(۱)</sup>  
 در مجالس اسپرانتیست و دیاسوفیا و محصلین دانشکده علوم دینی و  
 عده کثیر می از مجمع روحیون صحبت فرمودند و نیز در یک

کانون مذہبی واقع در یکی از نواحی تعمیر نشین آن شهر بر حسب دعوت  
 کشیش ایراد نطق فرمودند و جمعی از متحریمان حقیقت نیز که از پیش  
 نسبت بامر مبارک آشنائی داشتند در مجامع و محافل اجاب حضور  
 بهم رساندند و شایع تعالیم الهیه را از زبان اهلر اصفا نمودند  
 در استوگارت<sup>(۱)</sup> توقف یکل مبارک بالنسبه کوتاه و قلیل بود  
 ولی از لحاظ انجذاب دوستان و عنایات مرکز پیمان شیل و عدیل  
 هرگز نشود و نشود آن ایام از صفت ضمیر محو نشود و خاطرات خوش آن  
 احیان فراموش نگردد طلعت میثاق با وجود کسرت و ضعف  
 مزاج منظور ملاقات دوستان عزیز و مخلص آن مدینه بدان صوب  
 حرکت فرمودند و گذشته از حضور در احوال بایران غیر و فداکار

اشتهوگارت نسبت باعضارئیت جوانان که در شهر اسلینگن<sup>(۱)</sup> مجتمع  
 شده بودند اظهار نوازش و عطف بکیران فرمودند و بر حسب عودت  
 پرفسور کریستال<sup>(۲)</sup> رئیس اسپرانتیست های اروپا نطق غزالی  
 در مجمع آلمان در حضور جمعیت کثیری ایراد فرمودند بعد از آن وجود آندیس  
 برای دیدار اجابیه باد مرگن تایم واقع در ایالت وورتامبرگ<sup>(۳)</sup>  
 تشریف فرما شدند و در همین محل بود که چند شبه بعد یعنی در سال ۱۹۱۵  
 یکی از دوستان بیادگار تشریف فرمائی حضرت عبدالبهار بدین

1- Esslingen

2- Professor Christale

3- Bad Mergentheim

4- Wurttemberg

صفحات و ابرار شکر و قدر دانی از الطاف و مواهب آن وجود  
 اقدس مجسمه ای از میل مبارک برپا نمود  
 یکی از نفوس که در اجتماعات ایران آلمان حاضر و انجذابات  
 روحانی و عواطف قلبی آمانرا شاهد و ناظر بوده سینویسید «مراتب خضوع  
 و خشوع و توجیه و خلوص احبابی آلمان موجب انبساط و سرور خاطر مرکز  
 عهد و پیمان گردید و دوستان آلمانان غنایات مبارکه را بجان دل  
 استقبال و بیانات و نصایح شفقانه مولای خوزرا بسمع قبول اصفا  
 نمودند یاران اردور و نزدیک برای زیارت میل اقدس شش شش نقد  
 و شتاقان و طالبان حقیقت در مقام تشریف بجزر انورش برآمدند  
 پیوسته سیلی از عشاق بجانب هتل مارکارت<sup>(۱)</sup> اقامتگاه مبارک در حیرت

1- Hotel Marquart

بود و آن مظهر اُفت کبری بامر و عطف سرشار و ارین را پذیرفت  
میفرمود و مورد لطف و محبت قرار میداد چنانکه قلوب در دریای  
بجست و سرت مستغرق شد و وجه از انوار وجه محبوب ساطع  
و لامع گردید و اسکن کل بذكر محامد و نفوس دلبر مشتاق  
ناطق.

در دیند پانچت اطریش حضرت عبدالهبا چندیومی اقامت و مجمع  
تیا سونیهای آن شهر القا، خطابه فرمودند. در بود ایت رئیس  
دار الفنون رجای تشرف نمود و بحضور مبارک شول یافت  
هیکل انو چندی نوبت مستشرق مشهور پروفیسور آرمینیوس و ابروی  
را ملاقات و در مجلس تیا سونیها صحبت فرمودند و رئیس انجمن

1- Prof. Arminius Vambery

تورانیا ن و نمایندگان مجامع ترک و افسران آتش و چند تن از  
اعضا پارلمان و هیئت از طرف حزب ترک جوان برهنائی  
پرفیسور جولکیوس<sup>(۱)</sup> جرمانوس حضور مبارک مشرف شدند و کل احترامات  
فائقه مبذول داشتند و مقدم مبارک را بدان مدینه گرامی  
شمارند.

دکتر روستم و ابروی در باره توقف هیکل مبارک در بودا  
مینویسد « در آن اوان هتل<sup>(۲)</sup> دونا پالوتا محل اقامت حضرت  
عبدالهبه را قبله گاه و مرکز توجه نفوسی واقع گردید که شیفته علم

1- Prof. Julius Germanus

2- Dr. Rusztem Vambery

3- Hotel Dunapalota

وحکمت و مجذوب نورانیت و عظمت مبارک بودند و باجماع  
فلسفه آئی از لسان معلم و مربی بزرگ شرق ابراز اشتیاق  
و علاقه موفورین نمودند.

از جمله اشخصیت‌های مهمه‌ای که در بوداپست بمخبر انور مشرف  
شدند عبارتند از کونت البرت اپونی<sup>(۱)</sup> - استیف الکساندر جیسوین<sup>(۲)</sup>  
پروفور ایلیاتیوس کولدزایر<sup>(۳)</sup> مشرق معروف و دانشمند نامدا  
دیگر پروفور رابرت نادلر<sup>(۴)</sup> نقاش مشهور بوداپست و جمعیت

1- Count Albert Apponyi

2- Prelate Alexander Giesswein

3- Professor Ignatius Goldziher

4- Professor Robert A. Nadler

تیا سونی مجارستان

اما آثار قدرت و عظمت بیحد و حصری که طی اسفار غرب از  
هیکل اکرم حضرت عبدالبهار لاج و مشرق گردید اعظم و اجلا  
ان نصیب قاره امریکای شمالی شد فتوحات و انتصارات  
بابره جامعه تشکل امرانده در ایالات متحده و کشور کانادا از یکطرف  
و استعداد استقبال بی نظیر قاطبه ملت امریک نسبت  
به پیام مبارک و عنایت و التفات مخصوص طلعت انور بقدرت  
درخشان و آئینه عظیم آن ملت از طرف دیگر موجب آن گردید که  
وجود اقدس بدون توجه بصحت و سلامت خویش اوقات  
گرا بنهار اصراف سیر و حرکت در نقاط مختلفه آن سرزمین وسیع  
بفرمایند. این سیر و سیاحت که مستلزم قطع مسافتی متجاوز از

از پنجاه میل از کرانه شرقی تا کرانه غربی امریک یعنی از ساحل  
 اوقیانوس اطلس تا اوقیانوس کبیر و بالعکس بود و از راه او  
 تا دو ساله بطول انجامید و موجب صدور خطابات و بیانات بیه  
 منسیه معادل سه مجلد از لسان آن قدوه اهل بهار گردید و در  
 اعلا و غایت قصوای سفرهای مبارک و غرب تشکیل مید  
 و چون ثمرات فحیمه مرغوبه و تسایح عظیمه حاصله را در نظر آییم  
 معلوم میشود که منظور آن منادی ملکوت از تجل صدقات و شفقت  
 آن اسفار طولانی بنحو اتم و ادنی تحقق پذیرفت و نیت مبارک در  
 اعلا کلمه الله در صفحات باحتراب ابداع و جبر آورده شد.  
 در اولین جلسه که اجبای نیویورک بدرک تقای انور فائز و فیض  
 استماع بیانات حضرتش مشغول گردیدند و تکلیف اظهر خطاب

بدوستان آن سامان فرمودند «ملاحظه نمایند چقدر اشتیاق  
 داشته ام که از راه دور برای ملاقات شما آمده ام زحمات  
 و متاعب سفر بسیار بود ولی نخواستید شما یاران همه را از خاطر  
 مخونود و از صفحه ضمیر زائل ساخت.» (۱)

روش و اطوار و سکنات و رفتار حضرت عبدالبهادر سائت  
 امریک مراتب محبت و علاقه آن وجود اقدس و مقام و همیستی را  
 که مرکز عبد الهی نسبت بسفر مذکور قائل بودند واضح و آشکار میساخت  
 از جمله آثار بدیهه بهیه و شون جلبد روحانیه که در ایام اقامت طلیعت  
 پیمان در آن خطه شعله ظاهر و نمایان گردید استقرار حجر زاویه  
 اتم المعابد غرب بدست مبارک در کنار دریاچه میشیگان جوارید  
 شیکاگو است که بنهایت جلال و ابهت در حضور جمعی از رؤسای  
 (۱) ترجمه

شرق و غرب مجری شد و سخن خطابات و بیانات مبارک راجع  
 به عظمت و کیفیت عهد و میثاق الهی که پس از تلاوت  
 سوره بقره در احتفال عمومی از اجزای نیویورک بعمل آمد و بعد آن  
 مدینه از لسان طهر به «مدینه میثاق» تسمیه گردید و یکروز  
 میهن و موثر هیکل مبارک از مرقده «ثرون تون چیس»<sup>(۱)</sup> اولین بهائیان  
 قاره امریکه و یاد در حقیقت اولین مقبل بامر مقدس حضرت  
 بهاء الله در عالم غرب در انگلوود کالیفرنیا<sup>(۲)</sup> و یکرضیافتی که  
 هیکل میثاق بنصبه المقدس در یکی از ایام بهار در فضای  
 آزاد و سبز چشمه انگلوود غربی در نیوجرسی برپا شد و در  
 آن بزم الهی و بساط آسمانی گردوی از عشاق آن روی و

- 1- Thornton Chase      2- Inglewood, California  
 3- West Englewood, New — Jersey

نوی یازمین حضور بهر رسانند و از موافق جسمانی و نفس و الارواح  
 آن مولای کریم مرزوق و مستنعم گردیدند و یکروز اظهار عنایت  
 و طلب نمایند و موفقیت نسبت بکریسی آزاد خطابات موسوم به  
 «این فوروم»<sup>(۱)</sup> در گرین عکا در ایالت ریمین<sup>(۲)</sup> در ساحل رودخانه  
 پیس کاناگا که در آن محل عده کثیری از یاران روحانی اجتماع  
 نموده و مرکز مذکور بعد از یکی از اولین مدارس تابستانه در ایالت  
 امریکه تبدیل گردید و در عداد یکی از مقدسترین موقوفات  
 امریه آسمان درآمد و یکروز ایراد نطق از طرف مرکز عهد الهی در  
 حضور چندین صد از اجبا در جلسه اخیر نهایت تنفیذیه مشرق الاذکار<sup>(۳)</sup>

- 1- Open Forum      2- Green Acre, Maine  
 3- Piscataqua River

منقده درشیکانغوبالآخره حضور و شرکت آن وجود اقدس در تمام  
ازدواج دو نفر از دوستان نرالوان مختلف یکی سیاه و دیگری سفید  
که عمل مبارک سرشتن بایران در نفع تعصبات و اختلافات تزاومی و  
ایجاد محبت و ایلاف بین اجناس مختلفه قرار گرفت جمیع این مراتب  
حکایت از درجات توجه و التفات شدید مبارک نسبت بایران  
راستان امریکه نمود توجه و التفاتی که راه را برای ارتفاع مشرق<sup>الانکار</sup>  
مرکزی آن اسیم هموار کرد و دوستان آن سرزمین را در قبال عوا  
امتحان و قواصف افتنان که بعد از آن دیار بوزیدن آمد چون زبر  
حدید ثابت و مستقیم قرار داد علائق اتحاد و اتفاق را در بین قلوب  
آنان مستحکم ساخت و خطوات اولیه جهت تحقق تنظیم اداری امریه  
را که بعداً بهمت همان دوستان تمام و اکمال پذیرفت مشمول برکات

الیه و ملحوظ سخات غیثیه لاریبیه گردانید.  
دیگر آثار و کیفیات سفر مبارک در امریکه ظهورات منسیه  
و برورات بهیه لمیعه ایست که از آن بیکل انور در اعلا کلمه الله و  
تشریفات الله واقفانندن بدر تعالیم الله در افشده و قلوب  
الاهلی از طبقات و مسالک و فرق و مذاهب مختلفه متنوعه ساحل<sup>را</sup>  
شرح این اقدامات و فتوحات که مدت هشتماه اوقات  
آن بنادای ملکوت را ایلا و نهارا بخود مشغول داشت از منظر و  
حوصله این حبسینه خارج است بهیقدر کافی است تذکر شیوم  
که صرفاً در شهر نیویورک بیکل اطهر در پنجاه پنج مرکز مختلف با تعالینطق و  
خطابات عمومی و ملاقاتهای رسمی پرداختند و در محافل صلح  
و معابده بود و کنائس ملت روح و دار الفنونها و معابد علمیه و



تأسیسات خیریه و تشکیلات عام المنفعه و جمعیت‌های اخلاقی  
 و مجامع افکار جدید و صاحبان مشارب عرفانیه و جمعیت حقوق سوا  
 و انجمن‌های علمی و مجامع اسپرانتیست<sup>(۱)</sup> با و تیا سونیها و مورمونها<sup>(۲)</sup>  
 و زنادقه و طرفداران تراژدیها و نمایندگان جمعیت‌های شامی  
 و ارمنی و یونانی و چینی و ژاپونی شرح و بسط مبادی سایه و  
 تعالیم اساسیه این امر ابداع اعظم مبارت فرمودند و گل  
 در محضر انورش شرف و آریانات روح پرورش مستفیض و ارباب  
 آثارش مستبشر و مستفیر گردیدند جرائد و مطبوعات نیز مقالاتی  
 مشروح و مفصل بذکر محامد و نعوت هیکل میثاق اختصاص دادند و ضمن  
 اخبار روز مضامین خطابات مبارک را با استحصار عامه رسانند

1- Esperantist

2- Mormons

و نبوت خود از وسعت نظر و کثرت فضل و رفعت مقام و عظمت پیام  
 در کرم حضرت رب الامام تحلیل و تکریم نمودند.

نطق مبارک در کنفرانس عظیم صلح در لیک موهونک<sup>(۱)</sup>  
 و خطاباتش در دانشگاههای «کلمبسیا»<sup>(۲)</sup> و «آوارد»<sup>(۳)</sup> و «نیویورک»<sup>(۴)</sup>  
 در مقابل جمعیت‌های کثیره و شرکت انجود اتس در چهارمین کنفرانس  
 سالیه انجمن ملی ترقی تراژدیها و اثبات حقانیت امر  
 حضرت مسیح و حضرت رسول اکرم در میدان نعل کتیه یهود در  
 سانفرانسیسکو در حضور ده هزار نفر از حضار و خطابه بدیع و عرا<sup>ئیس</sup>

1- Lake Mohonk

2- Columbia University

3- Howard University

4- New — York University

در مقابل یکم از هشتصد نفر از تلامذ و یکصد هشتاد نفر از پروفیسورها  
 و اساتذ در دارالفنون لیلند استانفرد و سرکشی و بازویدش<sup>(۱)</sup>  
 «باوری میشن» یکی از مراکز و خط و تبلیغ مسیحی در نقطه ای از نقاط<sup>(۲)</sup>  
 پر جمعیت و تشریف شین شهر نیویورک و نزول اجلاس و ضیافت  
 پر شکوهی که با افتخار آن هیکل انور در واشنگلتون بر پا گردید و جم غفیری  
 از رجال و عناصر مهمه پایتخت بحضور مبارک معرفی شدند جمیع آنها  
 حکایت از ظنورات و برورات منیع ای می نماید که هنگام آقا  
 هیکل میشاق در امریک و انجام ماموریت خطیر و نرساموش  
 نشدنی آن وجود اقدس در خدمت و اعلا امر اب بزرگوارش در

1- Leland Stanford University

2- Bowery Mission

عالم غرب مشهور و کل موجب حیرت و شگفت ناظرین از قریب  
 و بعید و آشنا و بیگانه گردید.

در مدت توقف حضرت عبدالهبار در ایالات متحده امریک  
 نفوس مهمه و مقامات رسمیه از وزرا و سفرا و اعضاء کنگره  
 امریک و روسای کنائس و پیشوایان بزرگ یهود و سایر شخصیتها می  
 بر جسته از طبقات مختلفه بحضور انور شرف و از آن بحر علم و کرم  
 استفاضه نمودند از آن جمله است دکتر جوردن رئیس دانشگاه  
 لیلند استانفرد - پرفسور جاکسون از دانشگاه کلو مبیسیا

1- Dr. D. S. Jordan

2- Prof. Jackson

پروفیسور جیک (۱) از دانشگاه اکسفورڈ۔ ربائی استون (۲) وین  
 از نیویورک۔ ڈکٹر مارٹین مایر (۳)۔ ربائی رزف لیوی (۴)۔ ربائی ابرام  
 سیمن (۵)۔ الکساندر گرام بل (۶)۔ رابینڈر نات تاگور۔ فرانکلین  
 میس ویلیام جنس بیکز بریان (۷)۔ انڈرو کارنگی۔ فرانکلین  
 خزائنہ دار کل ایالات متحدہ امریکہ (۸)۔ لی مک کلان (۹)۔ مسٹر  
 روزولت (۱۰)۔ دیاسالاروین رایت (۱۱)۔ دیاسالار پیری (۱۲)۔

- 1- Prof. Jack
- 2- Rabbi Stephen wise
- 3- Dr. Martin A. Meyer
- 4 - Rabbi Joseph L. Levy
- 5- Rabbi Abram Simom
- 6- Alexander Graham Bell
- 7- Rabindra Nath Tagore
- 8- Hon. Franklin K. Lane
- 9 - Mrs. William Jennings Bryan
- 10 - Andrew Carnegie
- 11- Franklin Mac Veagh
- 12- Lee Mc. Clung
- 13- Mr. Roosevelt
- 14- Admiral Wain Wright
- 15- Admiral Peary

وزارت خشت را نکلیس و ہلانڈ و سویس مقیم دانشکنتون یونف  
 ضیما پاشا سفیر عثمانی۔ توماس سیٹون (۱)۔ ویلیام سولزر و شائراؤ  
 محمد علی پاشا برادر خدیو مصر۔

یکی از نویسندگان کہ آثار و وقایع سفر طلعت میثاق را  
 در امریک مور و بحث و تفسیر تہرار داده مینویسد «چون حضرت  
 عبدالہبار برای اولین بار در سال ۱۹۱۲ میلادی باین سہرین  
 نزول اجلال فرمود و آن فرزند بوم را بقدم انور فرین خست  
 ملاحظہ نمود جم غفیری از دوستان و طالبان حقیقت بکمال سرو  
 و ابتہاج مترصد ورود مبارک و قنطر استماع پیام وحدت  
 و محبت از لسان آن بناوی ملکوت میباشند ما و ارا الفاظ و عبارات

- 1- Thomas Seaton
- 2- Hon. William Sulzer

که از نم آن مطلع فیوضات جاری میگردد حقیقت غیر قابل  
توصیفی در شخصیت مبارک موجود بود که در اعماق قلوب تاثیر  
مینمود و عقول و ارواح را مسح و مجذوب میکرد چنین گشاده  
چشمهای نافذ حاکم بر اسرار و ضمائر نفوس سخن شیرین و مؤثر خضوع  
و خشوع راقت و عطف و برتر و بالاتر از همه جلال و عظمت مبرور  
به مهر و عنایت که از یک طرف آن وجود اقدس امتا از مایه  
وار میاد و از طرف دیگر الطاف و مهر آتش را شامل اصف  
عباد میشوند این صفات و کمالات مع مناقب و فضائل لا احصا  
و گیر از جمله شون بابر و آثار مضمینه است که از آن بسکلی اکرم در  
خاطر همین حضرتش باقی مانده و هرگز از صفحه ضمیرشان محو نخواهد شد  
و قایم سیر و حرکت عبد الهبسا در مدن و دیار اروپا و یک

و فعالیت های شدید مبارک در صفحات مذکور بر قدر خوبند  
مختصر بیان گردد باز می توان از ذکر پاره ای از مناظر و کیفیات  
مؤثره عجیبه که حکایت از مراتب سطوت و نور انبیا آن وجود  
اقدس و القاء خلوص و محبت و قلوب صافیست تعدیه نماید  
خود داری نمود این است که اجمالا بعضی از موارد مخصوصه اشاره  
میشود تا حقیقت حال بر اصحاب افنده غیره روشن آشکار گردد  
جوانی مستند ساکن ایالات غربی امریک آرزوی ملاقات  
حضرت عبد الهبسا را در دل می پروراند و چون بیم آن داشت  
که بیکل اطهر بدان جهات توجه نمایند و از این موبت عظیم  
بی بهره و نصیب گردد تصمیم گرفت به قیمت خود را بخصر انور رساند  
و دیده از جمال نیرش روشن نماید ولی نمونه سفر داشت و پرداخت

بهزینترین برای وی مقدور نبودند با عزم جسمم و اراده قاطع خود  
 را روی سینه های جاسل بین چپه نهامی قطار بنیادخت دست  
 بین مینیا پولیس تانویا کلندرا که در آن هنگام محل اقامت مرکز  
 عهد آئی بود بحال شجاعت و استقامت قطع نمود و بدین ترتیب  
 با خطر انداختن جان خویش باز روی قلبی نایل آمد و مورد الطاف  
 و عنایات مبارک قرار گرفت.

فرزند کیش دیکده ای در انگلستان از فرط استیصال و  
 فلاکت بر آن میشود که خود را در روخانه تاینر خرق نماید و بحیات  
 خود خاتمه دهد روزی برای آسرای نیت خویش از منزل  
 خارج و بجانب شطردان میگردد ناگهان در زمین عبور از کنسار نهر

چشمش تمثال مبارک حضرت عبدالهبا که پشت پنجره مغازه ای  
 نصب شده بود میافتد و چنان شقیقه آن طلعت تمثال میشود که  
 بلا درنگ در مقام تحقیق محل اقامت مبارک بر میآید و بزاریت  
 بسکلی انور شتابد و در این تشریف بخومی در بحر موج کلماتش  
 مستغرق و از فیض بیانات جان پرورش اطمینان قلب و  
 راحت و جنان حاصل مینماید که قصد ابلاک و انعدام نفس بالمره  
 از مخیله اش خارج میگردد.

زنی مسیحی را دختر خرد سالی بوده دختر خوابی می بیند و  
 برای مادرش نقل میکند که حضرت مسیح را در خواب دیده و آن  
 جمال نورانی را برای العین مشاهده نموده است و در عالم طفولیت  
 و صفای قلب اصرار میکند که آن وجود مقدس حقی و حاضر در

بین نامس ظاهر و آشکار است مادر بگفته طفل تو بچی نمیکند مادر  
 بر حسب تصادف با دختر کوچک از مقابل یکی از مراکز فرسودش  
 مجلات که عکس مبارک را بر صفحه اوراق در انظار قرار داده بود عبور میکند  
 طفل بجز مشاهده آن عکس فریاد بر میآورد این همان مسیحی است  
 که در زو یادیده مادرش از احساسات طفل غرق در یابی تعب و  
 حیرت میگردد و چون مستحضر میشود که صاحب این شمایل در پاریس  
 تشریف دارند فوراً کشتی گرفته عازم آن دیار میگردد و بحضور انور  
 تشریف حاصل مینماید و بحقیقت کیفیت روایمی صادقه و حشرش  
 آگاهی مینماید.

مدیر و نگارنده یکی از خبره اند منطبقه را پس بجانب تو کیو در کت  
 بوده ناگهان در صحن عبور از اسلامبول اطلاع حاصل میکنند که حضرت

عبدالبهاء در لندن تشریف دارند بجز دستماع این خبر و نباله  
 سفر فوری و بکل خویش را طبع و بلا تامل و درنگ بصوب لندن  
 می شتابد تا یک شب در آستان مبارک شرف و از فیض لقا  
 دلبر آفاق مستفیض و بامید و آرزوی قلبی خود مائل گردد.

موقع دیگر در ایام اقامت وجود اقدس در لندن ضمیماتی  
 در محضر مبارک بر پا گردید و جمعی هنگام صرف غذا حضور داشتند در آن  
 مجمع یکی از اجبای ایران که تازه از عشق آباد وارد شده بود و ستما  
 بسته هدیه یک نفر کارگرفته سیر بهائی آن مدینه را تقدیم حیات  
 انور نمود و شکل اطهر بلاد رنگ و شمال را در حضور مدعوین باز و پس از  
 ملاحظه محتویات که یک قرص نان سیاه و یک عدد سبب خشک شده  
 بود غذای مبارک را کنار گذاشته از آن نان و سبب که نشانه

حب و شوق آن کارگر مخلص بود تا اول فرمودند و مقداری از آن  
 را نیز بین حضرات تقسیم نمودند تا مذاقها از خلوت بدین عشق شیرین  
 گردد و کامها شکرین شود و این معنی که حاکی از مراتب عنایت و  
 عطوفت بیکل مبارک نسبت بدوستان خالص و منجذب امرالعبود  
 در قلوب حضرات بی نهایت مؤثر واقع شد و بسبب شفقت و فاعلیت بندگان  
 نوازی مبارک گردیدند.

آنچه در فوق ذکر شد نظری از سه هزاران هزار موارد و موافقی است  
 که از احساسات نفوس و انعکاس انوار و تاثیر اسفار مبارک در  
 مرایای قلوب حکایت مینماید علاوه بر آن طی سیر و سیاحت بیکل  
 اکرم در اقطار اروپا و امریک شاکت و عظمتی از آن وجود مقدس  
 ظاهر و آثار رفت و اتماعی نمودار گردید که کیفیت و اهمیت آن هرگز

از صفحات تاریخ مچون شود و ذکرش از متون صحف و ادوات انصاف  
 نیاید از آن جمله است کیفیت ملاقات حضرت عبدالبار و آرچدین  
 ویلبرفورس<sup>(۱)</sup> یکی از شخصیتهای محترم و روحانی انگلستان که بی  
 نهایت هیچ و مؤثر اتفاق افتاد در آن ملاقات بیکل اطردست عطف  
 و محبت خویش را بر راس شیش نهاده و در حالی که مشارالیه در  
 کرسی کوتاه تری در کنار مبارک جالس بود بسوالات وی جواب  
 میفرمودند از آن منظره همین تر و همچنان امیر ترا نگاه بود که قس  
 مذکور در کنیه یوحنا<sup>(۲)</sup> لاهوتی در لندن با کافه حضرات برای طلب  
 فیض و برکت در مقابل سیر مبارک زانو زده و از آن سپهران بیکل

1- Archdeacon Wilberforce

2- St. John's the Divine

خود را با کمال استنزاز و اجلال از بین صفوف جماعت که بحال احرام  
برپا ایستاده بودند عبور داد و به نمازخانه کئیسه رهنمایی نمود و در تمام مدت  
آهنگ دعا و سرود از طرف جمعیت بگوش میرسد دیگر کیفیت  
تشریف جلال الهی در آنجا که بجز درود و خود را بر اقدام مبارک انداخت  
و لسان با تجمد آرزو شود و از نظام و تعذبات خویش نسبت باطل بهای  
استدعای غفور و بخشش نمود و دیگر استقبال تحلیل عظیمی که در دارالافتاء  
لیندا استانفرد از وجود مقدس لعل آمد و آن منادی کلوت  
در مقابل جمعیتی قریب دو هزار نفس از غلامه و اساتذہ راجع بمباد  
اصلیه این امر عظیم اساس و بنسای پیام مبارک بعالم  
غرب ایراد لفظ فرمودند و دیگر نظره مشرور و پر هیجانے که در

(۱) «باوری مین» رخ کشود و صفتی در کتب از چهار صد نفر از قرا و ساکنین  
نیویورک در مقابل بیکل انور عبور کرده و همه که امام یک سکه نقره از ایاد  
مکرمت حضرت عبدالهبا، دریافت داشتند و بکرو وضع تشریف  
زنی عرب از الهی سوریه که در شهر بستان جمعیتی را که بدور مبارک حلقه  
زده بودند عقب رانده و خود را بقدم آن حضرت افتخند و بصدای  
بلند و مسیحی عرض نمود «یا مولای انی اعترف بان فیک روح الله  
و نفس یحیی» دیگر حالت خضوع و خشوع و قتل و اقبال و در تقرب  
که هنگام حرکت حضرت عبدالهبا از بستان بجانب دو بلین بیکل (۲)  
تکریم دامن مبارک را گرفته باید گمانی انگشبار آن وجود احدس را  
رسول و سعوتش الهی خوانند و بطنبت و نورانیت طلعت شبان



شهادت دادند دیگر اجتماع دو سه نفر از امت کلیم و کنیسه  
 سانفرانسیسکو و توجه و اشتیاق زائد الوضعی که از طرف حضار  
 باستماع بیانات مبارک راجح تجانیّت امر حضرت مسیح و رسالت حضرت  
 سید المرسلین منضمه ظهور رسید و یک کیفیت مجلس شکر آل و علیان<sup>(۱)</sup>  
 و یحسانی که در حین ادای خطابه از یک اکریم ساطع گردید و آن شب  
 در ارسطوت برهان و یمینه بیان حال مبارک بدرجه ای متقلب  
 شد که بی اختیار تاج مبارک از رأس انور بیضا و دیگر منظره معاد  
 از زمین<sup>(۲)</sup> «مال» محلّ ادای نطق و عبور از یکی از مناطق شیرین  
 شهر پاریس که مردم از وقار عظمت یکل مقدس دچار حیرت شده  
 بحال احترام و سکون بر جای خود متوقف گشتند و راهی ازین

صنوف جمعیت برای حرکت مبارک ترتیب دادند و دیگر حالت آن  
 پریشانی پاریسی که یوم غزیت حضرت عبدالهبار از لندن به کام  
 صبح نفس زمان همه عرض تودیع خود را بخضر انور رسانید لدی اللورد  
 آن رئیس مغرب و سنیه چون مشک او فرابا طرب یا غشت  
 پس در حالی که دست یک یک حضار را معطر ساخت حلقه ای از گل سرخ  
 و سوسن بگردن مبارک میادینخت و بدین ترتیب عشق و محبت سوزان  
 خویش را نسبت بان جوهر عطفوت و کرمیت ابراز داشت و دیگر تعلق  
 و اشتیاق غیر قابل تصور نفوس برای زیارت آن وجود مقدس بطریق  
 هر روز صبح کرده انبوهی از طالبین و مشتاقین قبل از طلوع آفتاب  
 در پدهای منزل مبارک در «کادوگان»<sup>(۱)</sup> کار دارند، اجتماع نموده و باجالت

بیسیری منتظر باز شدن درب بیت و اجازه ورود و بساحت  
 اطهر بودند دیگر وضع جلال و بهیمنه آن حضرت در کنائس و معابد  
 که با قدیمهای محکم و متین برای ادا نطق بجانب کرسی خطابه حرکت  
 میسر نمود و یا با دستهای مرتفع جهت دعا و مناجات ارجا  
 بر میخواست و جمیع کمال احترام و خضوع قیام میکردند و دیگر تعظیم  
 و توقیر و فیریکه بصرفت طبع و طیب خاطر از طرف جامعه ممتنا  
 و مهندب نسوان در لندن نسبت بان منادی امر حضرت  
 پروردگار ابراز نمیکردید و کل بانشاط و انبساط تام در محضر مقدس  
 با صفرا بیانات می پرداختند و دیگر منظره زیارت مرقد شرن  
 تون<sup>(۱)</sup> چس «در قبرستان اینگلوود و حالت انجذاب و تصریحی که

برای دوستان دست داد در آن صحن که مرکز نشانی الهی  
 بجانب مرقد حواری محبوبش خم شده جمین بر آن رس مظهر قرار  
 داد و بسوسید و نفوسی که در خدمت مبارک بودند کلام بهمین قرار  
 رفت رنمودند دیگر اجتماع عظیمی از رجال و نساء از طبقات محترم  
 و اجده الهی لندن از سچی و یهودی و مسلمان و نمایندگان ملل  
 و نخل مختلفه در شرق و غرب که برای استماع خطابه مبارک راجع  
 بوحدهت عالم انسانی در جامع اسلامی و کینگ حضور بر سر ساند  
 و مقدم جلسیش را تکریم نمودند تمام این مراتب و احوال و مناظر و آثار  
 شایسته عظمت و قدرتی است که از میکیل انور حضرت عبدالمبارک  
 در ایام سیر و سیاحت بلاد غرب ظاهر شد و انعکاس آن در قلوب  
 و ارواح منطبع و در صفحات جزاوند و ادراک مندرج گردید.

حال با توجه بشون و آثار مذکوره آیا میتوان تصور نمود که در  
 قلب نورانی پیکل مشتاق انگاه که خود را مورد اینگونه احترامات  
 و تعلقات زائد الوصف از طرف اعالی و ادانی مشاهده مینمود  
 چه انگاری سیرمان میکرد و یا هنگامی که در کنار شهر در لندن برای  
 صرف صبحانه جلوس فرموده و در قصر خود بمصر با نهایت اغراض  
 و اجلال پذیرائی میکرد و فریاد الله ابسه و نعمات نعمت و سرور  
 و دلوله و شور و دوستان را در محافل و مجامع پر اشتیاق امریک  
 استماع مینمود در خاطر انورش چه مناظری تصور میگشت و یا ادعائی  
 که در مقابل آبجای غران نیاکار ایستاده و هوای لطیف  
 و آزاد آن نصای وسیع را استنشاق مینمود و در موارد فراغت که کتر  
 برای پیکل مبارک دست میداد تماشای حلقه های سبز و خرم و بسای

و چشمه سارهای پر نصارت و طراوت در گلن وود اسپرینگز<sup>(۱)</sup> میرود  
 و یا با جمعی از عزیزین رکاب در باغهای در تروکادرو<sup>(۲)</sup> و بارپیس کت  
 میفرمود و در مواقع غروب آفتاب به تنهایی در کنار رودخانه  
 عظیم هودسن در نیویورک<sup>(۳)</sup> در «ریور ساید درایو»<sup>(۴)</sup> مشی مینمود و یا  
 در ایوان «هوتل دو پارک»<sup>(۵)</sup> در ناحیه تونون لسن<sup>(۶)</sup> مشرف بر دریاچه  
 ژنو قدم میزد و یا از فرسار جسر عظیم پاتاین<sup>(۷)</sup> در لندن سلسله

1- Glenwood Springs

2- Trocadero

3- Hudson River

4- Riverside Drive

5- Hotel du Parc

6- Thonon — les — Bains

7- Serpentine Bridge

مروارید نام نور را در وسط شاخ و برگهای سبز در تاجان مشاهده مینماید  
 در ذریعین مبارکش چه وقایع و حوادثی ظهور میکرد و در خاطر مقدسش  
 چه احساساتی خلجان مینمود؟

بلی بآنکه تا قی معلوم خواهد شد که در احیان مذکور در مقابل دیدگان  
 مرکز عهد الهی حوادث هولناک ماضیه محسوس میشد و در قلب نورانی  
 خاطرات تلخ گذشته مصور میگشت خاطرات اخزان آلام خاطرات  
 فقر و مسکنت خاطرات ایام صباوت خاطرات پر سیبیت آم  
 بزرگواری که در آن اوقات پر بلا که ابواب رخا از هر جهت مسدود و دردت  
 و اموال با هبطه کلابالان و تاراج رفته بود از فرط عسرت گمگم لباش  
 را که از طلا بود و اندک قیمتی داشت بمعرض فروش میرسانید تا از وجه  
 آن برای آن حضرت و خواهر و برادر عزیزش قوت لایوت تهیه نماید

خاطرات آن ایام مظلوم که همان مادر و الا که ناگزیر مقداری آرد خشک  
 در دست حضرت عبدالمبارک میریخت تا بجای نان سد جوع کند ظاهر  
 اوقات طفولیت که بیکل مبارک در کوچ و بازار مورد تعقیب و استهزاء  
 اشرا و معرض شتم و رجم ار اذل و ادب باش قرار میگرفت خاطر عکاس  
 حیره تنگ و تاریک و خمره مرطوب و پر شوره تشنه که در سابق بغسل اموات  
 بوده و مدت دو سال محل سخن مظلومان واقع گردید و همچنین خاطره  
 زندانی شدن بیکل اطرد مجربس آن مدینه.

دیگر از وقایع موله ای که در نظر مبارکش محسوس میشد و قلب اشرا  
 را میکند اخت محقق خاطر اسارت مصباح ملا اعلی حضرت نقطه اولی  
 در جبال آذربایجان است هنگامی که آن سید امم خاتمه حیات را  
 در سلاج محکم مظلوم کبریت و غربت بگذرانید و آن نفس مقدس که پرتو

وجودش آفاق را منور گردانیده بود حتی یک شمع برای روشن  
 کردن محل خویش در اختیار نداشت و عاقبت صد زبیرش  
 برصاص او لولو البضار شبک گردید بالاتر از همه این خاطرات یقیناً  
 افکار آن آیت هدی در حول حیات پر اشراق اب بزرگوار از  
 مقتدای عظیمش دور میزد و بیاد سخن و بلا یابی جمال قدم و اسم اعظم  
 میافتاد و آلام و مصائب آن محبوب عالم را بنظر میآورد و نظره  
 سیاه چال طهران آن دهنه اظلم انتن و چو بجاری مبارک در  
 اهل دروزگار پر محنت جمال سبحان در کو بهار کردستان در مقابل  
 دیدگانش مصور میشد و احوال ایام بعد از آنکه یکیل قدم و محیی رحم مکیست  
 لباس برای تعویض نداشت و پیروانش با یک مشت خرمای شب  
 و روز امرار معاشش می نمودند در قلمش ترسم می گشت و امرت و عبرت

مظلوم آفاق در حصار عکا که تا مدت نه سال چشم مبارک بآب  
 و سبزه نهفتاده بود و تحسیر و توبیخی که در دراز انکومنه آن شهر نسبت  
 بان مالک ملکوت بقا و حاکم ممالک انشا و وارد آمد سینه مقدسش  
 را میفشرد و بی در چنین حالت که یکیل میاق پس از آن همه بلا یای و سبب  
 لا تعد الا تحسی مراتب احترام و تقدیر و تخیل و تکریم و خضوع و خشوع  
 رجال و بزرگان و شاهسیر و دانشمندان عالم و رؤسای ادیان و  
 فرق مختلفه را نسبت بان وجود مقدس و رفعت و اعتلاء  
 امراب جلیش شاهده می نمود اسلک شوق از دیدگان جاری می گشت  
 و سان بذکر حضرت مقصود و حمد و سپاس ساحت محمود می گشود  
 در سفر نامه حضرتش بدون و مسطور است که «یومی از ایام  
 یکیل مبارک برای مجلس ثالث تشریف می بردند از شدت سرت

صدای مبارک چنان بلند بود که هنگام تاخت و تازگای  
 عابریں صوت مبارک را می شنیدند میفرمودند ای بهار الله چه کردی  
 ای بهار الله بقرابانت ای بهار الله بقدایت ایام را بچه شجاعت  
 و بلا گذرانیدی چه مصائبی تحمل فرمودی آخر چه اساس ستی  
 نهادی و چه علم بینی بلند نمودی و ایضا در همان سفرنامه مذکور  
 انور وقتی حسین شمی و گردش در ذکر و یاد جمال مبارک ناطق  
 و بباراتی حزن انگیز ذکر ایام سلیمانیه و وحدت و مملکت  
 طلعت قدم میفرمودند با آنکه مکرر این حکایت را فرموده بودند  
 ولی آنروز بقه حال مبارک منتقب شده لای های بنای گریه  
 گذاردند قسمی که صدای مبارک تا دور میرفت و جمع خدام مگر به دراند  
 و از استماع بلایای جمال قدم در وقت قلب سزاگرم که درت

داندو شدید روی نمود

با توجه مرکز میثاق بصفتا غرب دوره جدیدی در بسط  
 و ترستی امر الله ایجاد و فصل مشغلی در تاریخ قسطنطنیه  
 افتتاح گردید بید قدرت آن دهقان الهی بذور پاکیزگی از تعالیم  
 رحمانی در مزاج قلوب افشانه شد و با لطف و عنایت ربانی  
 آبیاری گردید هرگز در اعصار سابقه و دهور ماضیه مشاهده نشده  
 که شخصیتی چنین مقدس و عظیم برای منظور و هدنی بدین پایه عزیز و  
 کریم قیام نموده باشد از این جنبش فرسیح و نهضت بدیع قوا  
 فائضه محیطه ای بوجود آمد و عوامل محرکه بناضه ای منبسط گردید که  
 هنوز پس از منقضی سی و پنج سنه از تاریخ تحقق آن تصور اهمیت  
 و درک عظمتش مقدرند و احصاء آثار و نتایجش کجائینی و ملتق برای

احدی میسر نیست در مطالعه خطابات مبارک در محافل عرب  
 ملکه ای از ملکات از رفعت بیان و قدرت برهان مرکز پیمان  
 که در اثبات حقانیت حضرت رسول اکرم ایراد فرموده بودند  
 منتقل گردید و قلبش مفتون و مجذوب طلعت احدیت شد ایما  
 و ایقان خویش را نسبت بحقیقت رسالت حضرت سید  
 المرسلین بی پرده و حجاب اعلام نمود و نیز در پرتو این سفر نبوت  
 اثر برخی از اصول و مبادی سامیه این امر عظیم که در بیانات  
 و خطابات مبارک در آن دیار تشریح و تبیین گردیده بود در مسکری  
 از رؤسای جمهور ایالات متحده امریک حلول نمود و در قوه مجریه  
 نفوذ و رسوخ کرد و آن اصول را در برنامه صبح خود مدون ساخت  
 و جامعترین و شریفترین طرحی را که تا کنون منظور سعادت و

آسایش اقوام و نخل عالم القا گردیده تحت یدیم جامعه ملل نمود  
 اساس جمعیت امم نهاد.

حضرت عبدالهبار در مجالس و مجامع اروپا و امریک  
 آنچه لازم محبت و وفاق و مایه استخلاص عالم انسانی از انفاق  
 و شقاق است بیان فرمود و تعالیم این امر ابداع عظیم را  
 که علت ظهور وحدت اصلیه در جامعه بشریه است علی رؤس  
 الاشهاد اعلام نمود ولی افسوس که جهان غافل از قبول دعوت  
 آن مولای علیم است تکلف و زریده از مواظب حکیمان آن ناصح  
 امین رو بتافت و خود را در چنگال دو حرب عظیم دو دین و بلا تقسیم  
 افکنند بلا مصیبتی که بسوز اثرات شوم و عواقب مدیته  
 آن پس از منقضی سنین متمادی از جریان امور عالم مرتفع نشده و

شدت و دوخامت آن کما هو حق بر احدی واضح و مکشوف

نگریده است.

فصل بیستم

بسط و انتشار امر آدر شرق و غرب

سفر تاریخی حضرت عبدالصمد بسط و انتشار امر آدر شرق و غرب  
 هشتاد و هفت طلعت انور در ایالات متحده امریک را میتوان زدوده  
 عظمت و اشراق دوره میثاق محبوب داشت دوره ای که  
 بانار و مواهب بدیعه مطرز و بانار و فوا که بهیه خنیه مزین است  
 و علو شان و استناع مقاش در قبل ایام چنانکه باید و شاید در  
 انظار جهانیان متحقق و مکشوف خواهد گردید همانطور که نیست ظهور



جمال اقدس ابھی دین اعلام امر مبارک بر دناور ما داران  
 ارض در ارض سربا شرف نقطه احتراق وصل گردید بدر  
 عہد و میثاق الہی نیز نگامی باوج اعلیٰ و مقرر اسنامی جوش  
 متعارج شد کہ مرکز عہد اللہ بہ بیست تعالیم و بسط جلال و اعتلاء امر  
 اب بزرگوارش در بین شوب و جوامع عالم قیام فرمود  
 افق باختر از اسعہ و زان کو کب خاور منور گردانید و آن  
 مرز و بوم را بفحات قدس حضرت قیوم زندہ و پایندہ ساخت .  
 چیزی از تائیس عہد و میثاق الہی نگذشت کہ کو کب پیمان  
 در افق امر اللہ جلوه و لمعان حیرت انگیز نمود و انوار ساطعہ بہ اسرار  
 ظلمات حالکہ نقض و نکت را در ہم شکست و بجات و ہسات  
 مرکز شقاق را کہ با نہایت بغض و اظہار سراج بسین و بدہم بیان

حضرت رب العالمین قیام نمودہ بہا بہا منشور گردانید روح  
 نباض شمشعل داران عہد و پیمان و مجاہدان امر حضرت رحمن را فتح  
 مدن و بلدان در اقطار ساعہ ارض بر آنجخت و قوہ محیطہ فائضہ اش  
 در نقطہ وحدت و جامعیت امر الہی گوشزد و قریب و بعید گردید سقوط  
 و بہبوط عبد الحکمب خصم اللہ آئین نازنین و ظہور غلبہ و سطوت  
 شریعہ اللہ و استخلاص مرکز مخصوص از اسارت چلمسالہ بہیمینہ  
 و عظمت میثاق بنفوذ و قدرت فائقہ و سیطرہ کاملہ اش را بر فترت  
 ناگمان و مدعیان و شکبران ثابت و مدلل ساخت و نفیقت  
 آن نور بدی و نجم نابخ افق ابھی در اتقال عرش الہم حضرت رب اعلیٰ  
 و استقرار آن و ولیہ رحمانیہ در بقعہ مقدسہ نور اربا وجود مواعج شہید  
 و مسائل نظیرہ متنوعہ قدرت کمونہ و عہد و پیمان ربانی را در اقطار

نفوس که هنوز بر جانیت و اصالت این لطیفه نورانی تردید داشتند  
 واضح و آشکار نمود بالاخره قیام آن سادوی ملکوت به شرفیافت  
 سبحانی و ابلاغ تعالیم بزرگانه در مدن و دیار غرب که اعظم  
 اشراق آن کولب نوآورد اشرف تجلی آن سراج با  
 است مقام و منزلت میثاق و رفعت عهد تیر آفاق را پیش از  
 پیش روشن و لایح گردانید.

علاوه بر فتوحات و انتصارات با بهره و حوادث جسمیه بار  
 که تحت لوای میثاق در عالم غرب حاصل گردید ترستی و  
 توسعه شریعه الهیه در شرق و تاسیس قوایم و دعائم صرح مشید  
 نظم اداری امر الله در اقطار شرقیه همچنین ارتفاع اولین مرکز  
 انوار و مشرق اذکار عالم بهستانی در مدینه عشق آباد و بسط و اشاعه

آثار امریه و نزول الواح تبلیغی خطاب بعلما و ارباب مدینت البیته  
 در خطه امریک و نفوذ کلمه الله در قاره استرالیا را نیز باید از آثار  
 مضیه و منقبتهای بدیعۀ عهد ثالث عصر رسولی و نتیجه مجتهدات  
 و مساعی خستنی ناپذیر مرکز پیمان الهی محسوب داشت.

در ایران هم دامن حضرت رحمان با وجود شدائد و مصائب  
 و قتل و زجر و نهب و اسر و دوستان که در ایام قیادت محور میثاق  
 بهمان شدت وحدت ادامه داشت در جریان امر الله تغییر محسوس  
 راه یافت قوه مدسیه نبغانی جدید نمود و جامعه مستعدیده که در پنجه  
 تطیب گرفتار و در پس پرده اضطراب و تصور بود تدریجاً از اثر  
 و خفا بیرون آمد و آثار ممکن و اعتقاد آن محسوس و مشهود گردید.  
 سلطان حیات ناصر الدین شاه چهار سنه پس از انقراض

آفاق هنگام اقامه جشن ذوالقصر نیمی خویش دست میزراضا  
 یکی از اتباع و هوخواهان سید جمال الدین افغانی خصم لود امرالله  
 از جمله مومنین و متقین نهضت شریطیت ایران نقل رسید  
 چون این نهضت در دوره سلطنت مظفرالدین شاه نفع و قوت  
 یافت و قوام و دوامی حاصل نمودند مظلومه در خطرات جدید  
 و حزب بی پایه معرض اتهامات شدید قرار گرفت بدوجهای که  
 بدو امر مسئله قتل شاه را باین طایفه فسوب داشتند و این  
 جسیم را بگردن این جمع افکندند این بود که پس از وقوع این حادثه  
 باطله بلافاصله حاجب الدوله خدار در سخن طهران بشهادت  
 بلبل بوستان الهی و عنده لیب گلزار رحمانی جناب میزراغلی محمد  
 شهیر و شاعر شیرین سخن امرالله که از سان مبارک جمال است

اسب محب «ورقا» ملقب و منقحر کردید مع فرزند و وارث  
 ساله اش روح الله مبارک نمود آن ستمکار ظلوم و جهول بدو  
 شکم در قارآنخبر جو برد اعتساف بشکافت و آن بیکل وفا  
 و استقامت را در مقابل دیدگان فرزند معصوم قطعه قطعه کرد  
 پس روح الله تکلیف نمود که از امر الهی تبری جوید و از سر  
 نوشت پذیرد س عبرت گیرد ولی آن روح مجسم و نور مصور در قیامت  
 و قار و ملکین معاومت نمود و از تبری استنماع وزرید و چون پدر  
 پاک که تفریب بلاء اعلی را بر توطن در جهان ادنی ترجیح داد این  
 بود که ظالمان باطناب وی را خنجر کردند و آن دو طیر کلشن تجید  
 یحمان انوار و ملکوت اسرار پرور نمودند.

اما اولین نفسیکه در دوره میثاق قدم بمیدان شهادت نهاد

و جام و فاخر کف ساقی عطا بنوشید آقا محمد رضای یزدی است  
 این جوان در شبی که سه روز زفاف او بود هنگام خمر و جازم  
 و کتیش بجانب بیت در اثنای طریق بدف رصاص اهل نضا  
 گردید و جان در سبیل حضرت کبریا نثار نمود و این واقعه مومله در سال  
 هزار و سیصد و ده هجری یعنی یکسال پس از صعود جمال قدم  
 جل اسمه الاعظم در یزد اتفاق افتاد در تربت حیدریه پس از  
 حادثه شاه پنج نفس متعس از اجبای الهی که بشهادت می نمود  
 موسوم شدند معرض حملات عصبه شری و بجات شد غرور واقع  
 و شهادت کبری فائز گشتند در مشهد حاجی محمد تبریزی که از تجار  
 معروف بود بدست عوانان قتل رسید و جسد مظهرش در آتش  
 ظلم و عدوان بسوخت.

در سال ۱۳۱۹ هجری در مطابق با ۱۹۰۲ میلادی بهنگامی که مظفر <sup>شاه</sup> کبک  
 بفرنگستان مسافرت نموده بود در پاریس دو نفر از دوستان غرب  
 بنمایندگی از طرف جامعه بهائی حضور شاه و میرزا علی اصغر خان آباک  
 اعظم بار یافتند و از مقام سلطنت و حق بهائیان ایران دادخواستی  
 و معدلت جوئی نمودند و با آنکه در این ملاقات از طرف شاه و صدر اعظم  
 که غرض می مبرج و خالی از تنوع و شخصیت بود و وعده مساعدت  
 داده شد ولی عملاً نتیجه ای بر آن ترتیب نگردید بلکه بالعکس چند شبهه بعد از  
 اضطراب و اوج گرفت و هیب جور و عناد بیش از پیش زبانه کشید  
 و یاران الهی معرض صدمات و لطات جدیده واقع شدند و هر چه پیش  
 مشروطه خواهی در آن کشور قوت بیشتر می یافت و آنه مصائب و نواب  
 و سیرت مید و برآرزو ادیت و دستان علاوه میگردد چه که معانی

و در تعیین بھب سائیان را مورد اتهامات شدید قرار داده و  
 این حزب را علانیة مسئول و محرک این نهضت ملی و قیام عمومی  
 معرفی نمودند تا بدینوسیله مخالفت ناس را نسبت باس سرپرست  
 ایران برنگیستند و ارکان و قوائم آنرا برعم خوشی متزلزل سازند.  
 در اصفهان یکی از دوستان مخلص حضرت رحمن آقا محمد جواد  
 را برهنه کردند و بدش را با تازیانه ای از سیم کمال شدت مضروب  
 و مجروح ساختند در کاشان مؤمنین از ابناء کلیم را بقبوی علمای اسلام  
 و تحریک پیشوایان بیهود مورد ضرب و شتم و زجر و حبس و جزا محال  
 قرار دادند در یزد و نقاط مجاوره یاران الهی در پیه تقلیب گرفتار و باشد  
 عقوبات مبتلا شدند و خونین ترین مظالم و فجایع در آن سامان  
 اتفاق افتاد از جمله حاجی میرزا علی سازا به نهایت قسادت تازیانه زدند

چند آنکه زوجه اش بی تاب شد و خود را بر بسکلی دادند آن گینه  
 بینداخت و لی آن بر همان دست از چوبکاری برزند اشتند و <sup>نظمو</sup>  
 را از ضرب چوب مجروح ساختند سپس فسق حاجی را با ساطو  
 قصابی شکافتند و فرزند یازده ساله اش را بغایت سنگدلی با  
 قلم تراش شمره شمره کردند و بدین ترتیب در خلال نصف روز نه جان  
 پاک شربت شهادت نوشیدند و بشهد فداشتاقتند و جمع گیر شری  
 از مردوزن قریب شهر از نفس مانند سباع ضاریه بر اجساد مطهره آن  
 مظلومان نخیستند و هرگونه تحقیر و اذیتی رواداشتند اموال میرزا  
 اسد الله صباغ و جمعی دیگر از شهدا را تاراج کردند و تقسیم اموال  
 منسوبه با یکدیگر بجنگ و ستیز برخاستند برخی از قاتلان از شرط  
 بعضی دغا و خون شهیدان نوشیدند و باین درندگی و خون آشامی

اشخار نمودند و پایه شقاوت و بیرحمی را بجائی رساندند که برخی از اجزای  
از مشاهده این فجایع و مظلّم و ملاحظه این مناسطه و نحر اش  
که پاره ای نسوان مدینه بوضع قطعی در آن دخالت و شرکت داشتند  
گرفتند و بر حال مظلومان ترحم آوردند.

دقت نیز جمعی از عشاق جمال حسن نزد محبت باقتد و تبر با  
عشق شتافتند و آن ارض از دما بظهورشان مظهر گردید بعضی از دوستان  
را بضرب رصاص از پای در آوردند و برخی را اجساد در کوچه و بازار  
گردانیدند آقا حسین جوان بحیثه ساله که تازه با مرآه آبی اقبال  
نموده بود مورد قهر و الذخوش قرار گرفت و آن پدر دیوسیرت اش را  
را از ایمان پسته مطلع ساخت سغله ناس بر آن مظلوم ریختند  
و ویرا در مقابل دیدگان مادر قطعه قطعه کردند کبی دیگر از یاران آقا محمد

کمال در چنگ اعداء اسیر گردید و آن در خیابان بضربات چاقو بک  
و کلنگ بدنش را مجروح و پاره پاره نمودند.

در نشاء اولیای الهی بهمین گونه جور و ستم مبتلا شدند و بساط قهر  
و غضب معذب گردیدند و مدت نوزده روز در آتش ظلم و اعتساف  
بگذراندند ظالمان آن ارض سید میرزا پیر مراد شتاد ساله را در کوچه  
خواب دو سنگ حجیم بر پیشش کوفتند و آنساک سبیل را بزجر شدید  
قتل نمودند میرزا صادق یکی از دوستان صدیق و مخلص آب طلید  
نخجور بر سینه اش افتند و از شدت عدوان تیغ اغشته بخون  
آن مظلوم را کمینند شاطر حسن قبل از آنکه جام فدا نوشد و خلعت جلیل  
و پر افتخار شهادت پوشد لباس ارتن بر آورد و غیر غضبان  
بخشود و بدست خویش نبات بین آنان توزیع کرد تا با کام شیرین

تقل وی مبادرت نمایند یکی از اماره حسن مستاه نجیح سلطان در دام  
شیران افتاد و آن مخدّره شصت و پنجساله را از فرسه از بام بر زمین  
افتند ندیگی دیگر از اجبای آلمی را که میرزا محمد نام داشت بدست  
بستند و یکیش را هدف رصاص تیردادند و جسد مطهرش را آتش  
زدند استاد رضای صفار در صحن شهادت دست قاتل را بوسید  
و معرض تیر خنجر جوان واقع شد و بدن انورش مورد امانت  
سمکاران قرار گرفت.

در نقاط بنادوک و ده بالادوسه شاه و عباس آباد و هنزا و  
اردکان و دولت آباد و همدان نیز صدقات و بلائی تاحسی بر اجبا  
جمال اقدس ابی وارد گردید از جمله شهادت جان گذاز فاطمه بیگم  
یکی از اماره موقات است این ورقه نمونه که خانمی محترم و شجاع بود

بدست اعدا گرفتار شد و او را بکمال تحقیر و توہین از خانه بیرون  
کشیدند حجاب از سر برداشتند کلویش را بریدند و سینه اش را بشکافتند  
و هر کس با آنچه در دسترس وی بود میخواست بر آن مظلومه  
حمله نمود و بر آن چکل نیمه جان ضربتی وارد آورد تا شهادت فائز  
گردید آنجا جسد مطهرش را بدست او بختند و طعمه حریق ساختند.

در ساری و کجوه انقلابات مشروطه خواهی پختن اردو جوه اجبا  
که مین نامس بوع و تقوی مشهور و باصالت و نجابت معروف بودند  
بدست عوانان قتل رسیدند جان فدای جانان نمودند و به «شهادت  
خمس» موسوم و موصوف گشتند در سیریز کانس بلا لبریز گردید و  
الام و مصائب یزد تجدید شد و نوزده نفس مبارک اسیر و شهید  
گردیدند از جمله ملا عبد الحمید که مردی شصت و پنجساله داعی بود

آن بکنه را بنضرب گلوله از پای در آوردند و جسدش را پایمال نمودند  
 و دشمنان دست تجاوز و اموال و ثروت و دستا  
 بینا بردند و جمع کثیری از سار و اطفال را در بدر و بیخمان کردند و  
 آن مظلومان الاصل خط جان مجبور بفرسار شدند بعضی بساجد پناه بردند  
 و برخی در ویرانه های بیوت خویش منزوی گشتند و گروهی بی بلجاده  
 پناه سرگردان و بی سرو سامان در کنار معابر ماومی و منزل گزیدند  
 در سیرجان و دوغ آباد و تبسیر و آوه و قم و نجف آباد دستگیر  
 و شهید زاد و اصفهان و بهرم نیز دشمنان سرسخت و غنود مذہبی و سیاسی  
 بعنادین و معادیر مختلفه حتی پس از صد و فرمان مشروطیت و تأسیس  
 قانون اساسی تعقل و غارت و نهب و اسارت مظلومان پرداختند  
 و دست بخون افراد جامعه ای الودند که بمقدار رأس شمره از تعالیم و

دستورات مقدسه الهیه تجاوز نموده و جسدهای شک با و امر مطاعه برآ  
 مقصد و مرادی نداشتند و این جور و عدوان و ظلم و طغیان تا در  
 حکومت محمد علی شاه و فرزندش احمد شاه حتی هنگام مسافرت  
 بهیکل مهیثاق بلاد غرب و مراجعت آن وجود مقدس بارض احدس  
 ادامه داشت و اخبار این عناد و اضطها و تا آخرین فائق حیات  
 بسمع آن هیکل انور میر رسید و قلب اطهر را مالامال خزن و اندوه نمود  
 در دولت آباد شاهزاده حبیب الله میرزا یکی از دوستان مخلص و  
 فداکار را که دوره حیاتش بخدمت امر الله مصروف گشته بود تا به  
 بشهوات رسانیدند و جسد مطهرش را آتش زدند و مشهد جناب آقا  
 شیخ علی کلبه توچانی فضل حلیل و خیر نیل هدف تیر عوانان  
 گردید و در سبیل عشق و محبت رب مجید قتل و شهید شد در سلطان آباد



آقای زاعلی اکبر و کافه اعضا به نیت گانه خاندان از جمله طفل چهل روزه  
در کیش بکمال توحش و بربریت نقل رسانند و دوستان را در بلاد  
ناهن و شمیر زاد و بندر جزیره معروض اودیت و آزار قرار دادند و  
با انواع محن و بلا یا مغذّب و مبتلا ساختند.

در کرمانشاه جوان نورانی میرزا یعقوب متحده از سلاله اسرای  
و غنوان شباب جام شهادت بنوشید و آن خاک را بخون پاک  
رنگین نمود این شهید مجید آخرین نفسی است که در دوره مبارک شهادت  
در سبیل امریه آفاق فدا گردید و مادر صبر پرورش پس از رجوع  
این زریه موله بر حسب آرزوی فرزند و بلند در همان محلی بسیار  
و بکمال استقامت بزم سرور برپا نمود و پاسبان این عطیه کبری  
و نوحه غلغلی لسان سگروثنای حضرت کبریا بشود و بساحت قدس

الهی سپاسگزار گردید.

این بود نذره امی از بلا یا و زاریای میهار که در دوره میثاق  
در عهد آئین حضرت یزدان بردوستان الهی وارد آمد و باختصار  
در این اوراق مرقوم گردید این قیام و انجذاب و انفاق مال و جان  
در سبیل محبوب امکان منبعت از روح ایمان و قوت تمسک  
و ایقانی است که حیات و خدمات پیروان امر الله را در آن صقع  
علیل مزین و شمول الطاف و عنایات خداوند ذوالمنن  
نموده و در الواح و آثار مقدسه الهیه مورد تحسین و تکریم قرار  
گرفته است.

امر مقدس الهی که پس از شهادت حضرت نقطه اولی روح  
الوجود المظلومیّه الفداء و بخاموشی و افول میرفت و در دوره مبارک

جمال قدم جل اسمہ الاعظم در چنگال اہل ستم گرفتار و تحت  
 مخالف ظلم و عدوان مستور و پنهان بود در ایام قیادت مرکز میثاق  
 بدیج قوت یافت و مطوع و اشراق صدید حاصل نمود و با وجود مظلم  
 و ممالک شہیدہ کہ شطری از آن در صفحات قبل مذکور گردید امین الہی  
 در ہمدام اللہ روستہ قتی و انبساط ہنار نقاب از وجہ شریعتہ اللہ برداشتہ  
 شد و ارکان و عاظم مخالف روحانیہ طلعیہ ظهور و ارتفاع نظم اداری در آن  
 اقلیم مقدس نسبتاً گریزید بر عدو منین بنیز و دو دایرہ مجتہدین و جمیع مدن  
 و دیار وسعت یافت ہنگامیکہ مکاتب و معاہدہ علیہ عملاً در آن مملکت وجود  
 داشت و تعلیماتی ہم کہ در مؤسسات دینیہ دادہ میشد بی نہایت قصور  
 محدود بود از طرف یاران ایران <sup>تشیکیل</sup> تشکیلی مدارس بہائی اقدام و تالیف مدرسہ  
 تربیت نین و بنات در مدینہ طهران قدم اول در راہ خدمات فزونی

جامعہ برداشتہ شد و از آن پس با احداث مدارس نائیب  
 و موہبت در ہمدان و وحدت بشر در کاشان و سایر تالیفات تربیتی  
 مشابہ در بار فروش و فروین دایرہ آن خدمات اتساع پذیرفت  
 در ہمان اوان بود کہ از جانب دوستان اروپا و امریکہ معاوضہ  
 مادی و مہنوی نسبت بہ جامعہ بہائیان در آن صنوع حاصل ابراز گردید  
 و جمعی از نامتبرین نفعات اللہ و مربیان و پرستاران  
 برای ہمکاری با اجابای الہی باین کشور مقدس غریمت و در این خطہ  
 مبارکہ توطن اختیار نمودند و تابشیر اولیہ دریل تحقق بہارات  
 و وعدہ ہای صریحہ حضرت عبدالبہار راجع بقبیام بایران عرب  
 در خدمت امر عزیز الہی در ایران و ملک بمصالح موطن جمال اقدس  
 ابی ظاہر و آشکار گردید و طی ہمین دورہ بود کہ اصطلاح سابق یعنی

کلمه نبی که سنوز با تباع و سپیدان حضرت بهار الله در آن  
 سرزمین اطلاق میگردد یکی از لسانها افتاد و کلمه «بهائی» بجای  
 آن در افواه ناس معمول و منتشر شد و از آن بعد عنوان اولیه  
 باستیحی که جمعیشان بسیرت رو با فلول و ذبول میرفت  
 اختصاص پذیرفت و نیز در همین احیان بود که مساعی و اقدامات  
 لازمه در تعمیم امر عظیم تبلیغ و نشر نجات الهیه بنظم دست مخصوص  
 از طرف یاران و نسبت سدره رحمانیه اتخاذ گردید و این  
 مجهودات موجب آن شد که علاوه بر تقویت اساس جامعه  
 نفوس همه ای از طبقات و عناصر عالیله کشور و بعضی از مقامات  
 مذہبی و علماء بزرگ شیعه دخل شریعت ربانی در آمدند حتی پاره ای از  
 اعیان و افعال معاندین سرسخت امر الله در زمره مؤمنین و حلقه ۷

مؤمنین داخل گشتند و بخدمت این آئین نازنین قیام نمودند  
 و باز در دوره میثاق بود که بیت مبارک حضرت نقطه اولی در دینیه  
 منوره شیراز که بموجب حکم کتاب محل زیارت اهل بیت است  
 گردیده بنا با و امر مؤکده حضرت عبدالهبار و مساعدت و معاضدت  
 آن بیکل انور مرتت تعمیر گردید و کانون حیات و فعالیت یاران  
 قرار گرفت که نظر با وضع و احوال از زیارت بیت عظم الهی  
 در دینیه الله و روضه مقدسه جمال اقدس بسبب در مرج عکا محروم  
 بودند.

اما عظم و اہم مشروعات دوره میثاق احداث اولین  
 مشرق الادکار عالم بحبائی در دینیه عشق آباد است که خطوات  
 اولیه آن در زمان حیات مبارک حضرت بهار الله برداشته شد

و ساختمان آن در اواخر عقد اول از قیادت مرکز عمداً آئی  
 آغاز و در جمیع مراحل مورد تشویق و ترغیب آن وجود مقدس واقع  
 گردید و از یراعه مبارک تعلیمات لازمه نسبت بچگونگی بنا و ترتیب  
 آن صادر شد این مشروع حبل و بنیان فریج که شاید مراتب  
 عشق و جانفشانی دوستان شرق و معرفت بهم و مساعی مشترک آنان  
 در احسان ای یکی از فرائض مقدسه منزلت از بهر مشیت رحمانی  
 کتاب مطاب اقدس محسوب از ششستین مباحثه می است  
 که در عصر رسولی این دور اربع اعظم بل در قرن اول هجری  
 نصیب جامعه ستدیده اهل بهار گردیده است در ارتفاع این معبد  
 عالیقدر افغان سدره الیه جناب حاجی میرزا محمد تقی کبیر الدوله  
 همی موفور و جمعی مسکون سبذول داشت و مورد الطاف

و عنایات بی منتهای مرکز میثاق الهی قرار گرفت این بزرگوار  
 شخصاً مباشرت بنا را عمده داشت و جمیع اموال خویش را در راه  
 انجام این منظور اعانه علی وقف نمود و پس از وصول باین  
 نورسین فیض عظیم بساحت رب کریم شمول یافت و در محل تقا  
 با جبرئیل و ثواب جمیل موفق گردید و مرقد مطهرش در دهنه  
 کرم الهی در ظل مقام سببی الانوار حضرت نقطه اولی قرار دارد.  
 سنه اولیه مشرق الاذکار عشق آباد در سال ۱۳۲۰ هجری  
 (مطابق ۱۹۰۲ میلادی) در حضور فرس ماندگار گل ترکستان  
 جنرال کروپاتکین<sup>(۱)</sup> که بنامندگی از طرف امپراطور روس در مراسم مخصوص  
 حضور بسرسانیده بود نهاده شد یکی از دوستان غرب که

شخصاً آن مرکز انوار را دیدن نموده در وصف آن بنا می‌نویسم  
و اساس فخر خیم خدین می‌نماید:

مشرق الاذکار در قلب شهر قرار دارد و نسبت به ارتفاع المنار آن  
که از خیال اشجار و آبسپه شامه سر کشیده از دور نمایان و از چند  
میل فاصله انظار و اردین و مسافین را بخود جلب مینماید بنا در وسط  
باغی واقع شده که از چهار طرف بچهار خیابان محدود است و در چهار  
زاویه آن چهار ساختمان قرار دارد یکی مدرسه بهائی دیگری مسافرخانه  
جهت پذیرایی زائرین و توقف مسافین ثالث محل مجامع  
و پاسبانان مشرق الاذکار رابع قسمتی که با حدیث مرصخانه اختصاص  
داده شده است در داخل باغ نه راهرو و پانزده خیابان فرعی موجود  
است که شکل اشعه دایره بر مرکز بنا یعنی بجانب مشرق الاذکار متباد

دازند یکی از این خیابانها که بین درب ورودی باغ و داخل  
اصلی مشرق الاذکار واقع شده معبر بزرگ ساختمان را تشکیل  
میدهد بنا مرکب از سه قسمت است اول طالار مدور در مرکز دوم  
کالری یا غلام گردش که دور تا دور طالار مرکزی واقع شده سوم  
طاق نمایا ایوان که تمام ساختمان را از خارج احاطه نموده و مشرف  
بر فضای باغ است مشرق الاذکار بصورت یک ضلعی منظم  
ساخته شده که یک ضلع آنرا داخل اصلی بنا یعنی درب بزرگ  
مشرق الاذکار تشکیل میدهد داخل مزبور دارای رواق بلایی عظیمی است  
که دو مناره فریخ در طرفین آن قرار دارد و از لحاظ ترکیب  
به بنای معروف تاج محل در آگره هندوستان که از انبیه طرفه  
عالم محسوب و در نظر بسیاری از سیاحان زیباترین معبد

جهان شمار میاید شباهت دارد در بزرگ مشرق الاذکار بجای  
 ارض اندکس باز میشود ایوانی که بنا را از اطراف احاطه نموده  
 و نمای خارجی آن مجسمه میل محسوب میشود از دو قسمت مرکب است  
 قسمت علیا و قسمت سفلی ایوان و تزیینات بنا با اشجار و از بار  
 رنگارنگ که فضایی باغ را پوشانده دست بدست یکدیگر داده صحنه  
 بسیار جالبی را که در آن آثار علم و صنعت بازیابی و ظرافت  
 طبیعت مقرون بهمینسان گردیده است تشکیل میدهد. جدارها  
 ساختمان از پنج قسمت یا پنج بدنه مجزومی ترکیب شده که یکی فوق دیگری  
 قرار گرفته و از کف طالار تا زیر کینبند امتداد دارد اول یک شسته  
 مرکب از نه هلال و نه ستون که طالار را از اطراف احاطه نموده  
 و غلام گردش را از طالار مرکزی جدا میسازد دوم قسمت بالای

غلام گردش یا بالکن (که بوسیله دو ردیف پله که در ایوان در  
 طرفین مدخل بزرگ واقع شده بآن دست مییابند) این قسمت  
 مانند قسمت زیر درای نه هلال و نه ستون است و توسط طارمی  
 از فضایی طالار جدا میشود سوم یک شسته مرکب از نه هلال که در پایه آنها  
 پرواز کتیبه های برجسته مستور شده است و بین آنها قاجار  
 منقوش با سم اعظم قرار دارد چهارم نه عدد پنجره بزرگ هلالی که  
 دور تا دور بنا واقع شده پنجم قسمت نوافذ شامل مجید و دیگره کوچک  
 که برای دخول روشنائی تعبیه گشته است پس از طبقات خسته نکرده  
 گنبد نیمکره ای مشرق الاذکار مشاهده میشود که بر سطحی فوق  
 نوافذ قرار گرفته و داخل آن با گچ برهیمای دقیق و زیبا تزیین  
 شده است بنا از لحاظ عظمت و اتساقست جالب النظر

و مورد توجه عموم می باشد.

در این مقام لازم است بدو دارالتعلیم پسرانه و دخترانه که در آن بدینہ احداث گشته و هم چنین تاسیس مسافر خانہ در مجاورت مشرق الاذکار و تشکیل محفل روحانی و بحثہ های مربوطہ بہتہ ادارہ امور دائم الاتساع جامعہ عشق آباد و ایجاد مراکز جدیدہ امریہ در مدن و بلاد مختلفہ ترکستان اشارہ نمود تمام این تاسیسات و تکیلات شاہدینی بر مراتب عشق و ایمان و روح فعالیت و ایقانی است کہ امر مقدس الهی از بدو طلوع و استقرارش در آن سرزمین در کابلہ ستمطلین و خادمین آسائش رسیده است.

علاوہ بر ترکستان در خطہ فقار نیزہ امراتہ در دورہ میثاق بقسوحات مهمہ نائل آمد و کوفہ مشرق الطاف حضرت پروردگار

گردید و باد کوبہ اولین مرکز بہائی آن قلمم محفل روحانی تشکیل یافت و از آن پس در سایر نقاط جمعیتہای امریہ بظہور رسید و این جمعیتہای جدید التاسیس بتدریج بجموع قومی الارکان تبدیل شد و با برادران روحانی خویش در ترکستان و ایران باب معاشرت و همکاری نزدیک باز نمود مخصوصاً چون باد کوبہ در سہراہ زائرین واقع بود اجتہای ایران کہ از طریق فقار و ترکیہ با رض اقدس شرف میشد پیوستہ بادوستان آن محل در تماس بودند و ارتباط مستمر بین ایران ایران و انسداد جامعہ بہائی انسانان دائرہ استقرار گردید.

در قطر مصر نیز پیروان امراتہ روز بروز بر تعدادشان بیفزود و دائرہ خدماتشان رو بہ بسط و توسعه نمود و تاسیس مراکز جدیدہ و بسید

و تقویت مرکز اصلیه در مدینه قاهره و اقبال چند تن از قلمزده و  
استادان عالیهام و دانشگاه از سرداران و ماسخی مستگلی ناپذیر  
مبلغ شهیر و نویسنده جلیل القدر امر الله جناب ابوالفضائل ویر  
ناشرین نجات الله که قدم اول در سبیل انجاء و عود آئینه را جمع  
بارتفاع لو اردین الله در طلب آن مهمل علمیه اسلامیة محسوب هم  
چنین ترجمه بعضی از آثار بهیه و الواح قیمیه جمال اقدس ابی از لغت  
پارسی بلغت عربی و سبع و نشر آثار مذکور و بعضی از کتب در سائل  
استدلالیه بقلم نویسندگان و دانشمندان بهائی و روح و انشاء  
مقالات و صفحات جبرامد منظور دفاع امر الله و ابلاغ کلمه الله و حکیم  
و تقویت بنیه جامعه در نتیجه دخول جمعی از انصار او کرد و قطعی از منی  
دخل امر آلهی کل از انتصارات و فتوحاتی است که نخستین اشیاء

شجره آئینه را در آن سرزمین عظیم تشکیل میدهد سرزمینی که بقصد  
مبارک حضرت عبدالبهار فرزند و در سنین مؤخره نقش تاریخی مهمی  
در اعلان استقلال و اصالت شریعت الله ایفا نموده و در مستقبل ایام  
نیز نظر مقام و موقعیت شخصی که در ممالک عربیه و اسلامیة دارا  
و کانون علی و فرهنگی ممالک مذکوره محسوب است سهم بسزائی در استقرار  
امر بهائی در سراسر عالم شرق عمده دار خواهد گردید.  
دیگر از اتفاقی که آئین الهی در آنجا نفوذ و سرایت شدید نمود  
و فعالیت یاران بنحو محسوس متزاید گردید سرزمین هند و برسات  
دوستان دائم التزاید آن سامان مرکب از ملل زرتشتی و اسلام  
و هند و بودائی همچنین هند و طایفه سیک بتأسیس مراکز  
جدیده اقدام نمودند و پرچم امر الله را در اقطار شاسعه سنده



(۱) و سیه و دیداناکالازو در ناحیه پشاور ادی در برمه برافراشتند  
 در محل اخیر قریب هشتصد نفر از دوستان مقیم و مستقلاً دارای  
 مدرسه و بنیاد و در بعضی آن اختصاصی بودند علاوه از خود اراضی مرز و محلی  
 مخصوص داشتند که حاصل و عوائد آن صرف پیشرفت امور  
 امریه و مصالح روحانیه جامعه میگردد.

در عراق بیت اعظم الهی تجدید تعمیر گردید و یاران غیور آن  
 سامان با قلبت عهد و قیام عاشقانه نمودند و علی غنیمت معاندین به پیش  
 امور آن بیت مکرّم پرداختند در اسلامبول مرکز بهائی تاسیس  
 یافت و در تونس اساس جامعه محلی به نهایت استحکام نهاده  
 در اسپین و هونولولو نویسنده امرانند بصیحات با بهره نائل آمد

و جمعی از ناشیرین نجات الهیه بکلمه الهیه بدان اشعار سفر  
 نمودند و گروهی در ممالک مذکوره توطن اختیار کردند و به شکل مراکز  
 امریه پرداختند تمام این انتصارات آثار نصیبه و شواهد بنیادیه با بهره است  
 که از قدرت عظیمه میشتاق و توجهات و عنایات مستمره طلعت پیمان  
 در جمع دقائق و احیان حکایت بنماید.

جامعه های جدید التاسیس فرانسه و انگلستان و آلمان  
 و ایالات متحده امریکه نیز از فیض الطاف و مواهب بیکران  
 آن مرکز عهد الهی بجهت موفور برخوردار بودند و محلات مبارک پس از سفر  
 تاریخی بکلیک طلسم در اظهار غنیمتیه آنی از توجه شتون روحانی  
 و ترقیات معنوی دوستان آن سامان انعکاس حاصل نمود و در اثر  
 صدور تعلیمات بدیعه و الواح در سائل منسیبه که چون غیث

باطل ازیراعه عظمش خطاب باعضای جوامع مذکوره جاری منبر  
 میگشت و اراضی قلوب را سرسبز چشم میداشت و همچنین  
 تشویق و ترغیب یاران و تقدیر از مساعی و جهودات مبذوله ایشان  
 بتدریج مراکز بهائی در ممالک مشروحه از دیار پذیرفت و مجامع  
 و محافل عمومی برای ابلاغ کلمه الله تشکیل شد مطبوعات جدیده اثبات  
 یافت و بعضی از آثار مقدسه و صحف قیمه الهیه بلغات انگلیزی و  
 فرانسوی و آلمانی ترجمه و طبع و نشر گردید و قدیمهای اولیه جهته شمسید  
 و تقویت ارکان امران در بلدان چشمه بیه برداشته شد.  
 در ایالات متحده امریکه اعضا جامعه مترقی بهائی که از  
 اعطاف مبذوله مبارک سرشار و از طلوع نسیه پیمان در افق  
 آن سامان شعله و حرارت بی پایان حاصل نموده بودند در راه نیکبختی

مشروع تحلیل القدر و سرمدی آثار ام المعبود غرب همت موفور  
 و سعی مشکور ابراز داشتند و دوازده قطعه اراضی باقیمانده را که لابل  
 ارتفاع آن معبر رفیع البنا و نظر گرفته شده بود امتیاع نمودند  
 و در آنجمن شور و روحانی منقده در سال ۱۹۲۰ میلادی طرحی را  
 که از طرف مهندس و مکار بهیجائی لونی<sup>(۱)</sup> بورژواکانا داد  
 فرانسوی تهیه شده بود اختیار کردند و بجز اساس و وضع دعائم آن  
 بنسبانی قومی الارکان پرداختند و بفاصله قلیلی اقدامات  
 لازم جهت ساختمان قیمت زیرین بنا معمول داشتند تا آنکه این  
 مقدمات پس از صعود مولای منسید و در حد منبر مساعی جدیده و  
 جهودات وسیعه دیگری گردید که بتمام قیمت فوقانی مشرق<sup>(۱)</sup>

1- Louis Bourgeois

و تکمیل تزیینات خارجی آن مشروع عظیم الشان اتمام پذیرفت.  
 حرب عمومی که وقوع آنرا طلعت پیمان شمسینی و عوآب  
 و خیم و بدشش را در مجامع و محافل غرب انجبار فرموده بود شتاب پس  
 از معاودت مرجع اهل بحسب ابرض اقدس منی در سال ۱۹۱۴  
 بنقشه شعله در گردید و اندازات صریحه قلم مهمم میشتاق تحقق یافت  
 آتش انقلاب بآن ارض سرایت نمود و بار دیگر بیکل اطر و مقامات  
 مقدسه را در مرجع عکا و جبل کرمل در مخاطره شدید میزاخت و زوبنده  
 ثالث و اخیرین عهد پر شور و آشوب آغاز گردید این جنگ مهیب و  
 خانمان سوز پر خندارگان جامعه بشریه را متزلزل و یل بار از سر سوز  
 عالمیان منهدم گردانید ولی دخول مؤخر ایالات متحده امریکه  
 در آن طوفان جهانی و بیطرفی کشور ایران دوری هندوستان

و شرق اقصی از میادین جنگ موجب آن شد که اکثریت عظیم  
 اجبای الهی با وجود اضطرابات شدید و انقلابات فائده در حصن  
 حصین امرالله محفوظ و بتأییدات الهیه از جمیع آفات محروس  
 و مصون ماندند و با آنکه ارتباطشان در سنوات معدوده از مرکز  
 روحانی امرالهی منقطع گردید معذک در پرتو انسیت نسبی شستری  
 توانستند علی قدر مقدور بخطط تأسیسات و تسکیلات امریه خویش  
 پردازند و با دایمه خدات و مجبودات روحانیه خود موفق گردند.  
 ارض اقدس قلب و مرکز مقدس امرالهی در نتیجه مخاصمات  
 و محاربات مذکوره که بالعموم سلطه و نفوذ حکومت ترک منتهی گردید آرزو  
 شد و تضییقات و شدائدی که سنین متمادی شایع اعظم  
 و مرکز میثاق اتم را با صعب و جبهه احاطه نموده بود در مرتفع گردید و امرالله

از بیخ اسارت انقوم ربانی حاصل نمود لیکن مردم آن سرزمین  
 در قسمت اعظم جنگ گرفتار جمالک و مخاطر شده گردیدند و بعلت  
 غفلت و عدم لیاقت و لاه امور و بی رحمی و لاقیدی زمامداران جمعی  
 در سخت و عسرت عظیم افتادند و در آن احوال پیر بلا با آنکه سخاو  
 بزرگواری حضرت عبدالبار و دوراندیشی و مراقبت آن  
 وجود اقدس از ضغنا و ستمندان در تخفیف مصائب و آلام اولی  
 بی نهایت مؤثر واقع گردید ولی محاصره شهر و قطع روابط برسد  
 و در حالت اوضاع سخت نزد و دایره مشکل روز بروز وسعت  
 پذیرفت مدینه حیفاً مورد حملات متفقین و تهدید ششم مباران آنان  
 قرار گرفت و این خطر موقعی چنان قوت یافت قطعی الوقوع گردید  
 که بیگل انور و عائله مبارکه و دوستان آن شهر ناگزیر موقتاً بگذ

ابوسنان که در دامن تپه های شرقی عکا واقع حرکت نمودند و  
 کل قوای ترک جمال پشامی غدار و سفاک عدو صائل و خصم له و  
 شرعیة الله نظریه تعلیمات و تحریکات مفرضین و سوزن کشید  
 که نسبت بامراتی حاصل نموده بود بخالفت بی منتی برخاست و  
 بانعدام کلمه الله مصمم گردید حتی صریحاً اظهار داشت که چون از دفع  
 دشمنان خارج فراغت یابد بتصفیه امور داخل اقدام در اولین  
 قدم حضرت عبدالبار اعلیٰ طالا شهدا و مصلوب در روضه مبارکه  
 را منهدم و بان خاک یکسان خواهد نمود.

بیکل مبارک که هنوز آثار متاعب و رنج سفر و وجود اهلش  
 موجود از ملاحظه اوضاع اشقیه جهان و کشتار و خونریزی عظیمی که در  
 نتیجه غفلت و استکفاف مل از قبول تعالیم الهیه و توجه بانذار است

و نصیاح ربانیه رخ گشوده بود پیش از پیش و چار که درت و لال کرد  
 و قلب مقدسش در غمات احزان مستغرق شد غبار غموم بر ضمیر  
 میسرش بست و مصائب و آلام جدیده بر نوائب و زرایامی  
 سابقه بیفزود و قطع اسبل و سد ابواب خرابه با اغلب مراکز امریه  
 خاطر نورانش را شدت آزرده نمود مع الوصف در همان ایام  
 منظم که شده و محسن خاطر است سخن او هم عکار تجدید میکرد آن بنیادی  
 ملکوت اراده فرمود بار دیگر فارسان بضماری خدمت را در خطه  
 امریک با لطف و عنایات لانهای خویش مخصوص و ممتاز گرداند و در  
 حینی که رسالت مقدسش در عالم ترابی رو بپایان میرفت امری عظیم  
 و خفیه ای خطیر و منسبع بان شعله اران مدینت الهیه محمول دان  
 جنود مجتهد را به تسخیر مدن دیار و اقطار و امصار موطف فرماید این بود

که از ملک اطهرش طی الواح متعدد و مخصوصه که بعضی در جوار روضه  
 مقدسه علیا و برخی در بیت مبارک عکا و پاره ای در صخ جبل کرل  
 در ظل مقام هبی الانوار اعلیٰ عزز دل یافته دستور انجم الکریم و منشور باد  
 عظم متضمن این مأموریت جلیل بان حامیان حصین ابلاغ کرد  
 مأموریت مقدسی که هنوز پس از منقضی یک ربع قرن مقام و نشرش  
 از انظار مستور و اثرات فائده آن مکتوم و مجهول و آنچه تا کنون از  
 آثار بیته و نتائج با بره آن ظاهر و هویدا گشته و صفحات تاریخ درین  
 اول بحسانی را مجمل و مزین ساخته است شجی از نوایامی عالیه  
 و تارک سامیه تعالیه است که آن سالار بخت هدی از صد در این  
 نقشه ملکوتی در نظر داشته و بر در ایام بتاید است الهیه و توفیقات  
 الایمیه صمدانیه از حیرت غیب بر عرصه شهود خواهد آمد و عالم کون را بانوار

مضیئه اش روشن و تابناک خواهد ساخت.

باری پس از چهارده محاربات و منازعات خونین جنگ جهانی پایان رسید و نخستین مرحله از طوفان اضطراب عظیمی که حضرت بهار الله در الواج غیره اخبار و انداز فرموده بود خاتمه پذیرفت سلطه و حکومت ترک بر اراضی مقدسه منقذ گردید و سرود غدار که بانعدام مرکز عهد یزدانی که رحمت محکم بسته بود بقهر و غضب الهی گرفتار شد عصبه غرور بقایای ناقصین ناکثین که از استقامات شدید و عقوبات ماضیه درس عبرت گرفته و هنوز از اظهار سراج شایق را در قلب روان سپهر و زانید نجفیت آمال و خسران مال گرفتار شدند و آخرین امیدشان بایس و خداوند تبدیل گردید یعنی نجات محفوظاً مصلحتاً با صلح سلامت رسید

در کتاب آن از امواج سنگین بلایا محروس و در امان ماندند.

از طرف دیگر در اثر حدوث این انقلاب اعظم تغییرات مهمه و تحولات شدید و در مقدرات ملل و نخل عالم رخ گشود و مصداق خطابات و اندازات قهریه جمال اقدس الهی در کتاب مستطاب اقدس واضح و عیان گردید و مسائل هجرت و توطن سلاله حضرت خلیل و در آتش کلیم و اراضی مقدسه فراهم شد و آثار تحقق و عود الیه راجع با اجتماع اسرائیل در ارض موعود و استقرارشان در ظل «نهال بهمال» که وصفش در کتب مقدسه موجود بود و مفاد ضاعت حضرت عبد البهار مذکور و مسطور است نمایان گردید و بالاخره جمعیت اعم و عصبه ملل مشرک محکمه کبرنی که بفسر موده مبارک باید در انجمن عالم تائیس و سر پرده آن در قطب امکان بهمت دول ملل ارض

مرفوع گردد از خیز غیب قدم بر صحنه وجود نهاد.

در این مقام که ذکر محاربت عمومی جهان و حوادث و وقایع  
ارض اقدس در بین است بی مناسبت نیست بدرج پاره ای از اقدامات  
و مجهوداتی که هنگام محاصره حیفان نسبت به خط حیات قدوه اهل بهار  
معمول گردیده مباردت نمود از جمله اجابای انگلستان چون بر نظر  
شدیده ای که حیات مبارک را تهدید نمود اطلاع یافتند بلا درنگ  
برای تأمین سلامت آن وجود اقدس اقدامات و مساعی لازمه مبدول  
داشتند لرد کرزن و سایر اعضاء کابینه انگلستان نیز رسماً  
و مستقیماً از وضع مخاطره آمیز حیفان استحضار حاصل نمودند از طرف دیگر  
لرد لاینگتون با ارسال گزارش فوری و مخصوص بوزارت خارجه آن

کشور انظار اولیای امور را به «شخصیت و اهمیت تمام حضرت عبدا  
جلب نمود و چون این گزارش به لرد بالفور وزیر امور خارجه وقت  
رسید در همان یوم وصول دستور ملگرانی به جنرال ال انبی سالار  
انگلیندر فلسطین صادر و تاکید الاید نمود که «جمع قوی در خط و صیانت  
حضرت عبد البهار و عائله و دوستان آن حضرت بکوشد»<sup>(۱)</sup> و  
آن دستور جنرال انبی ملگرانی پس از فتح حیفان بندن مخاربه و از مصداق  
امور تقاضا نمود «صحت و سلامت مبارک را بدینا اعلام نمایند»  
ضمناً فرمانده حیفان را امور ساخت که تصمیمات لازم جهت حفظ جان  
مبارک اتخاذ و از احب انقشه پلید جمال پاشا که طبق اخبار واصله  
بدایره اطلاعات انگلستان بر آن تصمیم بوده که در صورت تخلیه شهر و  
عقب نشینی قوای ترک «حضرت عبد البهار و عائله مبارک را در

کوه کرل مصلوب سازد، جلوه گیری نماید.

در اثر احتمال قوای فاتح انگلیز با رضی مقدسه و تصرف آن ارضی  
از طرف حکومت مذکور مخاطرات عظیمه که مدت شصت و پنج سال حیات پر  
انوار شراع قدیر و مرکز تمدن آسمی را احاطه نموده بود زائل گردیدند مسیح  
در مشرفت امر بدیع برداشته شد و دوره فشار و قضیت سیری کرد  
قائد امر بهار و دو بقعه مقدسه نور از حریت کامل برخوردار شدند و مقدسه  
شناسائی رسمی تأسیسات امریه در آن صقع حلیل فیه اتم آمد و  
این تاریخ تا صعود مبارک حضرت عبدالهبا که بیش از سه سال بطول نیامد  
امر آنه در مرکز جهانی خویش اعتبار و حیثیت بکیران حاصل نمود و فعالیتها  
تبلیغی در اطراف مختلفه ارض رو به بسط و توسعه عظیم گذاشت و آثار علو امر  
و سوسو کلمه آنه در شرق و غرب عالم لایح و هویدا گردید.

پس از ختم جنگ و اطفا نایره حرب و قبال اولیا حکومت  
انگلستان از خدمات گرانبانی که حضرت عبدالهبا در آن ایام مظلم  
نسبت با کین ارض مقدس و تخفیف مصائب و آلام مردم آن  
سرزمین مسند دل فرموده بودند در مقام تقدیر برآمدند و مراتب  
احترام و تکریم خویش را با تقدیم لقب «نایت بود» و اهدا نشان  
مخصوص از طرف دولت مذکور حضور مبارک ابراز داشتند و این امر  
با تشریف و تحلیل و فیر و محل اقامت حاکم انگلیز در جفا بر گزار گردید و در  
آن احتمال پراقتحام جمعی از رجال و اعظام قوم از علل و شعوب  
مختلفه حضور همسر سانه و در انجام مراسم شرکت نمودند.  
از جمله نفوس مهمه ای که در آن اوان مجهر مبارک حضرت عبدالهبا



تشریف یافته و با برز احساسات و تقدیم عواطف قلبیه مبارک شدند  
 عبارتند از خزانة النبی سالار انگلیز که به سر ایمی قرینه اش در جمعی میمان  
 مبارک بوده و در ملازمت مرکز میثاق زیارت روضه مقدسه  
 حضرت بهار الله شافتند و دیگر ملک فیصل که بعد از سلطنت عراق  
 منصوب گردید شارالیه در بیت مبارک در حفا بلاقات آن وجود آمد  
 فاگر گشت دیگر سر بر برت ساموئل که بعد از لقب « وایکوننت  
 ساموئل او کرمل » لقب شد و چندین بار قبل از اتصالیش سمیت  
 « مندوب سامعی فلسطین » و بعد از ارتقا بقام مذکور حضور مبارک تشریف

1- Sir Herbert Samuel

(Viscount Samuel of Carmel)

(۱) حاصل نمود و دیگر لرد لامینگتون و سر رنالد استورس که در آن  
 وقت حکومت قدس شریف را دارا بودند علاوه بر این ملاقاتها که  
 از طرف شخصیتها و مقامات رسمی بعمل آمد نمایندگان جوانی مختلفه  
 مسلمان و مسیحی و یهود نیز بحضور مشرف و قلباً و لساناً از خدمات  
 و زحمات حضرت عبد البهار اظهار قدر دانی و سپاسگزاری نمودند  
 و احترامات فائقه مبذول داشتند اعمای الهی نیز از اقطار  
 شاسعه جهان با آزادی و فراغت تام بقصد زیارت مقامات مقدسه  
 علیا و اظهار محویت و قبا باستان مبارک حضرت مولی الورد  
 و ابرار سرور نسبت باسخلاص قاید عظیم ایشان اهل بهار و ربانی

1- Lord Lamington

2- Sir Ronald Storrs

مرکز جهانی این آئین نازنین از بیخ سلطه و اقتدار حکومت جائزه  
 عازم ارض مقصود کعبه محمود شدند و حسین بر ساحت مبین بنیادند  
 و بخدمت سپاس حضرت رب العالمین بالوف گشتند و این اوضاع  
 و احوال هر یک بنحو خاص بر سبیت و صورت شریعه الهیه پیفرود  
 و لوله در آفاق افتاد و شهرت عظمت امر حضرت بهمار الهیه بمسامع  
 جهانیان رسید و آثار غرّت و تقدم کلمه الهیه در شرق و مغرب  
 نمایان گردید.

و چون در راه شاق رو با اهتمام میرفت شواهد فعالیت یاران  
 و حکیم تالیفات امریه و شنید دعائم و قوائیم نظم بدیع روز بروز مشهورتر  
 و دستخبر میکردید در مدینه عشق آباد ساختمان مشرق الاذکار که بموجب  
 تعلیمات مبارک آغاز شده بود نهایت موفقیت خاتمه یافت و آن

مبعذ نفع ایشان ابوابش بر وجه عالمیان مفتوح شد در امیر  
 خضر اساس ام المعباد غرب تکمیل و اقدامات لازم جهت ساختمان  
 قسمت زیرین بنا فراهم گردید در مدینه الهیه طبق دستور کل طهر  
 قدمهای اولیه جهت تجدید تعمیر بیت اعظم جمال قدم جل ذکره و کبریا  
 برداشته شد در ارض اقدس اراضی وسیعه در مشرق بقعه  
 منوره علیا بهمت حضرت حرم مبارکه و کمک و معاضدت دوستان  
 مشرق و مغرب خریداری و به بنای اولین دارال تعلیم بهائی که در جبل  
 ایام در مرکز اداری امر الهیه بنیاد خواهد گردید اختصاص داده  
 شد همچنین بهیسی برای تالیس مسافرخانه غربی در جوار بیت  
 مبارک تحصیل و ساختمان آن بلافاصله پس از صعود مبارک بوسیله  
 دوستان و اجابای امریک انجام پذیرفت مسافرخانه شرقی

نیز که پس از ارتفاع مقام اعلی و انتقال عرش مطهر از طرف یکی از  
 پاران خود و عشق آباد بمنظور اجتماع زائرین و مسافین در کوه کرمل  
 بنیان شده بود از تادیبه رسوم دولتی معاف گردید و برای اولین  
 بار پس از تثبیت و استقرار امر آن در ارض اقدس این امین  
 از طرف مصادد امور نسبت با ملک و موقوفات امریه مرعی شد.

عالم و مشهور شناس مشهور و عالی مقام دکتر اکوست فورل در  
 اثر زیارت توفیق مبارکی که از قلم معجز شمیم حضرت عبدالبهار باقفا  
 وی نازل و یکی از الواح قیمه بدیعه صادره از کلک میثاق محسوب  
 بشرف ایمان فائز گردید و توسیع مقدس دیگری نیز که دارای  
 اهمیت تاریخی بسیار است در همان ایام از یراعه عظمت مرکز پیمان

باعضد از اعضا، کمیته اجرائیه مجلس صلاح لایهای، در جواب  
 نامه آنان صناد و آن لوح اسخ ابداع توسط نمایندگان فی مخصوص  
 از طرف مهکل مبارک مقصد فرستاده شد.

بطوریکه از قبل مذکور گردید مهکل میثاق در اواخر ایام حیات  
 فرمانی عظیم الشان خطاب بجمهور منومنین و منومنات در خطبه امیر  
 صادر فرمود چون این بر لیسع بلنیغ و دستوریغ در اولین انجمن شور  
 روحانی دوستان آن عظیم پس از خانه جنگ تلاوت گردید  
 گروهی از فارسان مضمار الهی و مجاهدان امریزدانی به تنفیذ نوایای  
 مقدسه ربانی قیام نمودند و به تشریح آئین یزدانی و تاسیس مرکز  
 روحانی در سراسر جهان پرداختند از جمله مجاهد کبیر و فارس شهیر یزدان در

سن شصت و دو سالگی لانه و آشیانه خود را در کالیفرنیا ترک نمود  
 و با غرضی راجح و نیستی خالص و مبتنی بی نظیر بر معاضدت و همراهی  
 امه موفقه قرینه محترمه اش با سترالیا مهاجرت کرد و به تأییدات الهیه  
 بفتح آن قاره وسیع و ابلاغ پیام الهی و مقتضای عده از بلاد آن  
 نقطه مستعد موفق گردید و یکرجم بارخ افق امر الله و بسمه نام  
 محبت الله در قه رگه شهیره فخر المبلغین و المبلغات مارماروت<sup>(۱۱)</sup>  
 که از طرف مولای حسنون به «مبشر ملکوت» و «نهادی شایق»  
 موسوم و موصوف گردید این نفس مقدس کمال خلوص و انجذاب  
 و توکل و انقطاع قیام نمود و قدم در میدان مجاهدت و مهاجرت  
 گذاشت و مدت بیست و سه سیر و سفر در بلاد و اقطار پرداخت

آواره شدن و دیار گردید و چون کوه نار با شعله انوار و تسلیخ امر  
 حضرت پروردگار مشغول شد تا آنکه دوار موطن بالوف بسیل  
 خدمت امر محبوب صعود نمود و بر فاف قرب و مدارج انس  
 متعارج گردید.

این بود شمه ای از حوادث جسمیه و وقایع ظمیره و اشارات  
 و بشارات عظیمه راجح به بسط و اشار امر الهی «ایام اخیر شایق و عهد  
 ثالث عصر رسولی که باختصار در این اوراق مندرج گردید ایام مقدسی  
 که عزت و جلال و عظمت و جمال آن عصر بر انوار بدان خاتمه یافت  
 و از لحاظ فتوحات و انتصارات جلیله با بهره گیری از مستشرقین و پر  
 بارترین ادوار قرن اول این امر ابداع عظیم محسوب میگردد.

## فصل سبت و نهم

## صعود حضرت عبداللہ

خدمت عظیم و تاریخی حضرت عبداللہ در جهان ادنی خاتمه یافت  
 و ناموریت مقدسی که از طرف آب بزرگوارش بعبده آن وجود مبارک  
 محول گردیده بود پس از سبت و نهم نهایت غرور و اجلال احوال پذیرفت  
 فصل ششمی بر تاریخ قرن اول بهائی انسروده شد و محصر پرانوار  
 رسولی که از آغازش آن منادی ملکوت در آن مشارک و مقام  
 فرید و مسوولیت خطیری را عهده دار بود با تبار سید این مطلع

فیض الهی و شرف مواهب جهانی مصائب و بلا یابی تحمل فرمود  
 که احدی از تابعان پیروان این ظهور اکرم که بشهد فدا شاقه بدان  
 درجه تحمل نموده و در نصرت امر الهی و خدمت بقبته مقدسه یزدانی  
 بقیامی برخاست و بجهودات و شروعات عظیمه ای دست زد که  
 بیچیک از حامیان و مجاهدان آئین رحمانی بدان حصه پانهاده و  
 بالاخره در ایام حیات مقدس شایسته فتوحات و انتصاراتی گردید که  
 بشر عظم این امر اربع انهم و نه شارع قدرش بیچیک بدیده  
 عصری مشاهده نموده بودند.

در پایان سنه های پر رنج و پر فعالیت غرب بهنگامی که قوی  
 مبارک در غایت انحلال و تارخ و انحصار از سرجه نمودار همکل  
 اقدس بایران و ثابتان بر عهد و پیمان با این خطاب پر پیچان

مخاطب میفرماید «ای یاران عزیز یومی آید که ازین شما مفار  
 نمایم و ملکوت اسی عروج کنم آنچه تکلیف من بود بجا آوردم بقدر  
 قوه در خدمت امر الله کوشیدم شب در روز آرام نیافتم در روز  
 بشرف نجات پرداختم حال آرزویم آن است که دوستان الهی  
 بخدمت آستان ربانی قیام نمایند و در اجرای این وظیفه خطیر اقدام  
 کنند... ایام حیات من معدود است و جز این سرور  
 و بهجتی برای من باقی نمانده (۱)»

و نیز در یکی از الواح مبارکه که چند سنه قبل از عروج آن قدو  
 اهل بهار بر ظرف اسی از برافراشته نور مرکز عهد اسی نازل بقرب  
 ایام معدود اشاره فرموده و دوستان را باستقامت در امر الهی و خدمت  
 بساحت مقدس بزدانی تشویق و تحریص می نماید قوله العسیر

«ای یاران با وفا اگر حوادث مومله وقتی در قبسه مبارکه واقع  
 گردد البته صد البته مضطرب و پریشان گردید و مشوش و محزون  
 نشوید زیرا آنچه واقع شود سبب علو کلمه الله و انتشار نجات الله  
 است قدم ثابت نمائید و بنهایت استقامت بخدمت امر الله مشغول  
 گردید» همچنین در یکی از توقیعات مقدسه یاران ایدین بنایات  
 نصیحه درایت و دلالت میفرماید قوله السدید «ای اجابا  
 الهی این ایام وقت استقامت است و بنظام ثبوت و رسوخ بر  
 امر الهی شما نباید نظر شخصی عبد البهادر داشته باشید زیرا عاقبت  
 شما روادع خواهد نمود بلکه باید نظر کلیه الله باشد اگر کلمه الله در  
 ارتفاع است سرور و مشغوف و ممنون باشید و لوعبد البهادر  
 در زیر شیره و یاد در تحت اغلال و بحر افتد زیرا اهمیت در سیکل تقدیر

امراته است نه در قالب جسمانی عبدالهبار یا ران الهی باید  
 بچنان شوقی مبعوث گردند که در سرآنی اگر صد اشغال عبدالهبار  
 در فیر بلا شود ابد تغسیر و تبدلی در عینم و نیت و اشتغال  
 و انجذاب و اشتغال بخدمت امراته حاصل گردد و نسیب در مقام  
 دیگر میفرماید «تصنیعین بدانید که خواه من در این عالم باشم یا نباشم  
 همیشه در بین شما حاضرم (۱)»

در لوحی که چند یوم قبل از وقوع مصیبت کبری با عزاردستان  
 امریک نازل گردیده آن طبع ملکوت بر شاخسار حجب و اشتیاق  
 بدین نعمه و محرابش که از قلب مجروح و پراخترق آن در قرار ایکنه  
 بقا حکایت نمود مترجم «یا هبار الابهی از جهان جسمانیان  
 گذشتم و از بنو فایان دل شکسته و آزرده شده ام و در نفس این جهان  
 ۱ ترجمه

چون مرغ بر اسان نابل و پر میزنم و هر روز آرزوی پرواز  
 بملکوت می کنم یا هبار الابهی مرا جام فدای بنوشان و بجات  
 بخش و از این بلا یاد سخن و صدمات و شقات آزاد کن تونی  
 معین و نصیر و نصیر و دستگیر و در مناجاتی که از کلام اطهرش  
 قریب شش تا قبل از صعود و ذکر کی از افغان سدره آئینه صفا  
 این بیانات خزن گنیم مسطور «رب قد وهن العظم شی  
 و اشتعل الرأس شیبا و قد بلغت من العمر حقیا فاقبلی لا  
 حرکه و لا سکون و لا قوه حتی اقوم بما علی عبودیه اجبتک الذین  
 احترس فی باب احدیتک و انتقمتم لاعلاء کلمتک  
 و احسبتم نشر نفحاتک رب رب عمل فی عروجی الی عقبک علیا  
 و صعودی الی النشئه الاخری و دوفودی علی باب

فضلك فی جوارحمتك الکبری دورودی علی شریعتہ غفلتک  
و غفرانک فی عالم لاینبای»

باری نظر مبضاین الواح مقدسه و وجود دلائل و اشارات  
صریحه نسبت بقرب صعود طلعت انور و همچنین رؤیای مبارکه  
و بیانات و اظهاراتی که آنجود اقدس با دوستان منتسبین منفرجه  
روز بروز و ضحرو محسوس میگشت که حیات عنصری بکل میثاق  
و حجاب آن برانی محدود و بسرعت رو با فلول و اتمام است  
دو ماه قبل از عروج حماسه و فاعالم تقاضای پیمان خوابی دیدند که  
برای عائد مبارکه تعریف نمودند و فرمودند «دیدم که در محراب  
جامع عظیمی رقبه محل شخص امام ایستاده ام در این اثنا طقت  
شدم که عده کثیری از ناس دسته دسته داخل مسجد میشوند و ائمه بر عدد

نفوس میافزود تا آنکه جم غفیری شدند و همه در عقب من  
بستند همانطور که ایستاده بودم با صدای رسا صدای اذان  
بلند نمودم نغمه بکلام رسید که از مسجد خارج شوم در خارج  
شد گشدم که پسرا قبل از انجام نماز بیرون آمدند ولی بخود  
میگفتم آیمتی نذار چون من ندای اذان بلند نموده ام این  
جم غفیر خودی خودشان نماز خواهند نمود (۱)

چند هفته بعد هنگامی که حضرت مولی الوری در اطاق خلوت  
در باغچه بیت توقف میفرمودند خواب دیگری دیدند که بدین نحو  
برای طائفین حول بیان فرمودند «خواب دیدم که حال با

(۱) بعضی از بیانات این فصل از رساله شرح صعود قیاس گردیده



تشریف آوردند فرمودند این اطاق را خراب کن  
 لیکن در آن موقع احدی از حاضرین معنی رویارادک ننمود تا آنکه پس از  
 قلیل صعود مبارک واقع گردید آنگاه اهل حرم متوجه شدند  
 که مقصود از اطاق و خرابی آن اختلال همکل عصری و قالب  
 جسمانی مبارک بوده.

یک ماه قبل از وقوع این رزیه کبرنی مرکز عهد الهی یکی  
 از دوستان را که از فقدان برادر عزیزش متأثر و اندوهگین بود  
 تسلیت میدادند و در طویبانات صراحتاً بصعود مبارک از  
 این جهان فانی اشاره فرمودند و نیز قریب دو هفته قبل از  
 ارتقاء روح متدش ملکوت ابی بیابان با وفای خود بیاناتی  
 القا نمودند که بخوبی معلوم گردانید ایام وصال آن دلبر بیثال

رو با تقصاست فرمودند «خیلی خسته شده ام وقت آن رسید  
 که بر چیز را بگذارم و فرسوار کنم از شدت ضعف قادر بر حرکت نیستم  
 و بعد اضافه فرمودند «در او حسه ایام جمال مبارک وقتی شش  
 جمع آوری اوراتی که روی تخت در اطاق تحریر مبارک در  
 سجی متفرق بود بودم روی مبارک را بمن کرده فرمودند جمع آوری  
 آنها فایده ندارد و باید آنحضرت را بگذارم و فرار اختیار کنم من هم  
 کار خود را کرده ام دیگر کاری نمیتوانم بکنم لهذا باید وداع کرده بروم،  
 حضرت عبدالبهاء تا آخرین دقائق حیات مبارک عشق و محبت  
 سرشاری را که ذات متدش بدان منظور بود نسبت به موم ازین  
 و شریف و صنیر و کبیر ابراز میداشت در خط و حمایت مطلوبین می  
 کوشید و در اعانت و احسان محتاجین و ملهوفین سعی بیخ بند

میفرمود در اجرای شئون و وظائف مقدسه خویش قائم بود و  
 در خدمت و انتشار امر آب حلیش مواظب و مداوم در آخرین  
 جمعه توقف مبارکش در جهان ناسوت با وجود تنگی و ضعف فرود  
 جهت ادا می صلوة ظهر در جامع مدینه حضور بهم رسانید و یک یک از فقرا  
 را با یادی مکرمت و شفقت انعام فرمود آنگاه بنزول چند  
 توفیق که آخرین آثار صادره از لسان قدرتش محسوب مبادرت نمود  
 عروسی یکی از خدام مخلص و جانفشان بیت را تبریک گفت و  
 تاکید فرمود که مراسم ازدواج در همان یوم انجام گیرد پس  
 در جلسه مقرر اجاب که در بیت مبارک انعقاد مییافت تشریف  
 فرماید یوم بعد تب مختصری بریکل اطهر طاری و مانع خروج مبارک  
 از بیت گردید و یک شبه وجود احدس جمیع اجبار ابقام

اعزاز عی روانه فرمودند تا در ضیافتی که بنا سبت لیل  
 جلوس مرجع مخصوص بر سر خلافت عظمی و اعلان کتاب مقدس  
 عهد بهمت یکی از آخرین پاریسی تشکیل شده بود شرکت نمایند و بعد از  
 ظهر همان یوم با وجود تنگی و کسالت مبارک محسوستر شد  
 مفتی حیف و رئیس مبدیه و رئیس پولیس را بحضور انور پذیرفته و کمال عنایت  
 و عطف در حق ایشان مبذول داشتند آن شب که آخرین  
 شب حیات طلعت عهد الهی در این عالم بود قبل از تشریف فرمائی  
 با طاق خواب از صحت یک یک از اهل بیت مبارک جویند  
 و از احوال آخرین و اجبای حیف استفسار و پرسش فرمودند.  
 ساعت یک و ربع بعد از نصف شب بسکله اطهر از تخت  
 برخاستند و بجانب میز که در اطاق مبارک قرار داشت قدم زدند

قدری آب میل فرمودند و بعد بفراش معاودت نمودند سپس  
یکی از دو درقات مبارک که در خدمت و موافقت مولای خون  
بودند امر فرمودند پرده های تشنه گیر را بالا کنند و اظهار نمودند  
بسختی نفس مشکیم قدری کلاب آورده شد و جود اقدس کمی میل  
فرمودند و مجدداً استراحت نمودند و چون غذا آوردند با صدای واضح  
و شکرده ای فرمودند «بخواهید غذا بخورم وقتی که من در حال  
رقتم» محله ای بیش گذشت که روح متعشع عالم بالا عروج نمود و طیر  
بقاصد مقامات مقدسه علیا کرد و در جهان پنهان جو ارباب آسمانی  
مقدس و نامی گزید.

خبر فادحه گبری صعود حضرت عبدالبهاء (که در لیله بیست و ششم  
نوامبر ۱۹۲۱ میلادی در صحنی که از سن مبارک هفتاد و هشت سال

میگذشت اتفاق افتاد) بسعادت برق سر اسرمدیه منتشر گردید و پیوسته  
سیا که برقیه با بعد تقاطع ارض متواصل شد و جامعه پیروان اسم  
اعظم را در شرق و غرب در دریای اسف و حسرت بی پایان  
مستغرق و باه و انین سکیران مؤانس و مساز نمود پیاپی  
تسلیت از دور و نزدیک از عموم طبقات از اعالی و ادانی  
برسید و مغزافات و مکاتیب تغزیت چون میل بجانب ارض  
اقدس روانه گردید و جمیع عواطف مجددی خویش را در این واقعه  
جاگذازه با اعضا غمزده و مصیبت دیده عاظمه مبارکه اظهار و بکر او صفا  
و تائیس آن مولای کریم و ابرار عکساری در این ضایعه عظیم پرورد  
وزیر مستعمرات حکومت علیحضرت پادشاه انگلستان متر  
و نیتون<sup>(۱)</sup> چیل مجر و امشار این خبر پیاپی تلگرافی بمندوب سا

فلسطين سرپرست ساموئل صادر و بوظیفه تقاضا نمود  
 «مراتب همدردی تسلیت حکومت علیحضرت پادشاه انگلستان  
 را بجامعه بهائی ابلاغ نماید» مندوب سامی مصر و ایلونت النبی<sup>(۱)</sup>  
 نیز مراتب تعزیت و تسلیت خویش را بوسیله مندوب سامی فلسطین  
 بدین مضمون اعلام نمود «ببازماندگان عقیده سر عبدالبها عجب  
 انسانی و جامعه بهائی تسلیت صمیمانه مرا بمناسبت تقدان قایل  
 جلیل القدرشان ابلاغ نمائید» از طرف مهیت وزیران عراق  
 پیامی توسط سید عبد الرحمن رئیس الوزراء آن کشور بدین شرح  
 واصل گردید «در این مصیبت عظیم مراتب همدردی و تأثرات  
 قلبی دولت عراق را بخاندان حضرت عبدالبها تقدیم میدارم» فرماید

کل قوای آسمانی مصر جزا لکن گریو از طریق مندوب سامی  
 فلسطین تلگراف ذیل را مخابره نمود «تمننی است احساسات  
 عمیقہ همدردی مرا بخاندان عقیده عباس بهائی ابلاغ نمائید»  
 جزا لکن سر آرتور مانی مدیر کل سابق فلسطین با ارسال شرحی مخصوص  
 عواطف قلبیه و احترامات و تکریمات فائقه خویش را نسبت بسک  
 مبارک ابرار و بمناسبت ضایعه عظیمی که متوجه عائله مبارک گردیده انظار  
 غم و تأسف شدید نمود یکی از شخصیتهای بزرگ دارالفنون افسورد  
 پر دستور محقق عالی مقام در پیام تسلیتی که از طرف خود و قرینه اش  
 بعائله مبارک ایفا داشته چنین مینویسد «برای ذات مقدسی که در  
 خیر ادنی مطمح نظرش عالم بالا و حیاتش آسینه ملا علی بوده ارتقاراً

عالم ناموت بجان پرانوار ملکوت امری بس فرخنده و پر شکوه است  
 جرائد و مطبوعات مهمه عالم نیز از قبیل «تایمز لندن»<sup>(۱)</sup> «مورینگ  
 پست»<sup>(۲)</sup> «دیلی میل»<sup>(۳)</sup> نیویورک ورلد»<sup>(۴)</sup> «لومان»<sup>(۵)</sup> تایمز هندوستان  
 و عده کثیر دیگر از اوراق و نشریات در اقطار متعدده و اسنہ مختلفه  
 در این مصیبت بدیع مقالات مشروح و چرچہ آتشند و تحلیل و تکریم نفس  
 مقدسی که در راه اتحاد و اتفاق عالم انسان و تائیس صلح عمومی و  
 تائین رخا و سعادت بشری چنان خدمات گرانبائی اہدا نموده

1- London "Times"

2- Morning Post

3- Daily Mail

4- New-York World

5- Le Temps

6- Times of India

مالوف گشتند.

سرپرست ساموئل مندوب سامعی فلسطین بجز استماع خبر  
 صعودیکل اظہر سامعی بعائنه مبارکہ ارسال و رجاء استدعای خوش را  
 کہ شخصاً در شیع جنازه حضرت عبدالہا مشارکت نماید اظہار داشت  
 تا ہمان طور کہ در مکتوب بعدی خود تذکرہ گردیدہ «مراتب احترام و تکریم  
 و خضوع و تعظیم خود را نسبت بان بزرگوار و افکار و مآرب عالیہ  
 حضرتش برابر نماید»

اما شیع جنازه کہ صبح روز شنبہ بیت و ہم نو امبر انجام لڑ  
 تشییعی بود کہ فلسطین نظیر انرا ہرگز مشاهده نموده بود و قریب دو ہزار  
 نفس از اجناس و اوطان و نسرق و مذاہب مختلفہ حضور  
 داشتند و بہ شہادت شخص مندوب «قلوب از فراق حضرتش

قرین حسرت و اسف بی پایان و صد درازندگاریات پرانوارش  
 مستبشر و بریحان «سرزنامه استورس حاکم قدس شریف  
 راجع بظلمت و بساطت این شیخ بنویسد» سادگی و بساطت شریفانه  
 حسن تأدب و احترامی در قلوب مشایعین ایجاد نموده بود که در عسر  
 خویش نظیر و شیل از برای چه شاهد مکرده بودم.  
 تابوت حامل عرش مبارک در حالی که بردوش دوستان و  
 اجناس کشیده میشد بار امگانه ابدی خود انتقال یافت مقدمه این  
 پرنیمه و جلال و تملیس شهری قرار داشت که بمنزله گارد احترام  
 محسوب میگردید و عقب آنها کثافات از منسلین و نصاری با پرچمهای  
 افراشته در حرکت بودند از آن پس بیستی از مرثیه خوانان که تلاوت

آیات قرآن کریم میخواندند و بعد از آن زعمای ملت اسلام که در آن  
 آن معنی حیفا قرار داشت سپس نوبت بخواریهای ملت روح از فرق  
 مختلفه لاتینسی و یونانی و انجیلی میرسید و عقب عرش مطهر اعضا  
 عالمه مبارکه و از ورآنها نماینده عالی مقام حکومت انگلستان  
 سربررت ساموئل<sup>(۱)</sup> و حاکم قدس شریف سرزنامه استورس<sup>(۲)</sup> و حاکم  
 فنقیه سر استوارت سایس<sup>(۳)</sup> حرکت میکردند و در صفوف مؤخر سران  
 عمده حکومت و فاسل دول مختلفه تقسیم حیفا و وجوه رجال و اعزام  
 فلسطین از مسلمان و یهود و نصاری و درزی و مصری و یونانی و ترک  
 و عرب و کرد و اردو پائی و امریکائی رجالا و نسائا کبیرا و صغیرا مشاهد

میشوند و این موکب عظیم در حال سوز و گداز و نوحه و نذبه بکمال سکینه  
و وقار و دانسته کوه کرمل متصاعد و بمقام اعلیٰ متواصل گردید.

بمجرد ورود به بقعه مبارکه عرش مقدس روی میرساده ای مجاز  
مخل شرفی مقام قرار داده شد آنگاه تفرار خطبا مرکب از نمایندگان  
مملکت مختلفه اسلام و سیحی و یهود از جمله مفتی حیفاء و مقابل مشرک شری  
مشایعین با دای خطابات پرداختند و در ذکر این زریه کبری و بیان  
اوصاف و نعوت آن مظهر فضل و تقی داد سخن دادند و پس از  
ختم خطابات تعزیت مندوب سامی فلسطین قدم پیش نهاد و  
بانهایت احترام و تعظیم در حالی که رو بمقام اعلیٰ داشت در کنار عرش  
مبارک بایستاد و آخرین تودیع خویش را نسبت بسکال اقدس  
بعل آورد و سایر اجزای حکومت نیز بهمین قرار اظهار ادب و احترام

نمودند سپس عرش انور یکی از غرفه های مقام مستقل و بکمال تحلیل و تجریم  
در مضجع ابدی خود در جوار ضیحه مقدسه حضرت رب اعلیٰ نقطه اولیٰ مستقر  
گردید.

پس از وقوع این فاجعه عظمی و فاجعه کبری تا مدت یک هفته هر روز پنجاه  
الی صد نفر از قرا در بیت مبارک اطعام و از خوان نعمت آن  
مولای کریم تسنیم میشدند و در یوم هشتم بین مساکین و مستمندان  
از هر طبقه و طایفه که عددشان بیک هزار بالغ نمیکردید غلظت  
توزیع شد در یوم نهم صعود مبارک مجلس تذکر بزرگی منعقد گردید و  
در آن احوال پر احتشام متجاوزان ششصد نفر از وجوه اهل  
حیفاء و عکا و نقاط مجاوره فلسطین و شامات شامل رؤسا و اطام  
از طبقات و مذاهب مختلفه دعوت شده بودند و پیش از یکصد نفر

از قرآن نیز در همان یوم مبارک پذیرائی و اطعام گردیدند.  
 حاکم فیستقیه که در آن مجمع بزرگ در عداد مدعوین حضور داشت  
 زبان بجا بیان گشت و نعت و ثنای طلعت انور را در قالب الفاظ  
 و عبارات ذیل اظهار نمود «کمان یکنم اشری از حاضرین قیام  
 سر عبد البهاء عباس آن بیکل نورانی و مجلل را که در بین ناس  
 مشی میفرمود در نظر داشته باشند آن وقار و عظمت و حسن  
 محاورت و قلب سرشار از محبت و عنایت توجه باطفال عشق  
 و علاقه با بزرگواران و اوراد بزرگواران و سخاو و بذل لطف و عطا نسبت  
 بقصدا و ملامتین بیسوا بر کرا از صفحه ضمیر محو زائل نخواهد گردید حضرت  
 بدرجه ای عطف و مهربان و منحصرش خالی از تکلف و پیرایه بود  
 که شخص اغلب در حضور مبارکش فراموش میکرد که در ساحت

مولی و مربی عظمی وارد شده و باستان مقدسی و نود نموده که  
 هزاران نفس در شرق و غرب از برکت تعالیمش انشراح خاطر  
 یافته و از پر تو وجود آفدش اعتقاد روح و نورانیت وجدان حاصل  
 نموده اند.»

بدین ترتیب حیات پر انوار مرکز عهد جمال اقدس ابدی که  
 نظریه شامخ و رفیعی که از جانب آب حلیش بوی اعطاشده مقام  
 فرید و جسد پیرا در تاریخ ادیان عالم حاضر است منقضی گردید و  
 مأموریت عظیمش در عالم تراپی پایان یافت و با اتمام این رست  
 منع عهد ثالث عصر رسولی آخرین مرحله این عصر فخر نام گرم  
 که اعلی و اشرف اعصار دور مقدس جهانی محسوب است  
 با شما رسید.



عهد و پیمان الهی « میراث مرغوب لاجل له » که شارع اعظم  
 امر است از بهی بصرف فضل و کرم با اهل عالم عنایت فرمود و چون  
 مرکز منصوم حضرت عبدالهنا احوال پذیرفت و این دشمن و بوی  
 در صدف میثاق باشد اشراق جلوه نمود در اثر این قوه فائضه  
 محیطه انوار کلمه الله بر افاق غربیه ساطع گشت و نجات مسکینه چنانچه  
 بحسنه از نایب محیط اعظم متصل گردید قاره شامه استرالی  
 از اشعه شمس حقیقت منور شد و پیام الهی با صبی نقاط عالم اشرافیت  
 صیت کلمه الله بمساع عالمیان رسید و مقصد و مرادش در دعوم  
 و بلاد شاخصه اروپا و امریک در مقابل جماعات کثیره از  
 نفوس مستعد در حال همه ارض تبیین و تشریح گردید امانت آئینه  
 عرش المنع الطف نقطه اولی پس از پنجاه سال احتفاساً

محفوظاً با حل ارض اقدس و صل گشت و در نقطه مبارکی که از  
 نم اطهر جمال اقدس ابهی تعیین و بقدم مبارک آن سلطان قدیم  
 مرتین شده بود استقرار حاصل نمود اولین مشرق الاذکار عالم  
 بهائی در قلب آسیای مرکزی در رگستان روس بنیان گردید  
 و معبد عظیم دیگری شبیه بهمین مطلع انوار بل اعظم و اکل از آن  
 در قطب امریک نیمه و خراگه بر افراشت و زمین آن بشرف  
 اقدام مرکز عهد الله مشرف شد خصم الله عبد الحمید از ادعوت  
 بخصیض ذلت بنیفا و مرکز شفاق و قطب نفاق که عهد الهی را  
 و میثاق غلیظ یزدانی را امر می سل و دواهی بشرد محمود نابود کردید  
 و خطراتی که از حین تبیین جمال قدیم و اسم اعظم جنبه عثمانی قلب  
 امر الله را تهدید میکرد زایل شد و ناسیسات اولیه تبشیر عظیم

اداری شریعت الله که پس از انول لولکب پیمان قدم در علم  
نگوین و استقرار گذاشت مطابقاً تعلیماتہ الاعز الالاسنی بر محور احکام  
و اصول امراب بزرگوارش تشکیل گردید.

مرکز عمد و میثاق الهی با جسد و رسائل و مکاتیب نبعیه بدیع و انشا  
خطب و الواح و مناجات و ادعیه و اشعار و تفاسیر بر سه لبعه که چون  
غیث باطل ازیر اعظمش لبسان پاریسی و عربی و معدودی بر زبان  
ترکی نازل تعالیم و مبادی سامیه این شرح عظیم را شرح  
و احکام و ادامش را تبیین و اصول و مابیش را تفسیر و اصالت  
و تحقیقش را کاملاً صریحاً مشهوداً علی ملا الشهاد و اعلان فرمود  
هم چنین جهان منحرف بشیر را که در ظلمت باوایات منہک و از انوار  
حقیقت غافل و از خداوند مقتدر علمیم خیر و ذائل بود از خطر شدیدیکه

حیات ویرانه میدیکرد اخبار و انداز نمود مع الانفس عدم توجه  
بضیاح آن حکیم دانا و انکار دستورات پرشک بینا جامعه انسانی  
را باستقام و آلام عدیده مبتلا ساخت و در چنگال مملک جنگ و جدال  
که جو اقب شوم و پر وبال آن ارکان وجود را مضطرب و متقلب نمود  
گرفتار کرد و بالآخره صدور دستور انعم الکریم و اعلام نقشه ابدع آتش  
جامعه شمع فارسان شیش بدی و علمداران میثاق در ایالات متحد  
امریک را که انتصارات و قوحت با بهره اش تاریخ دور همیشه قرار  
جلوه و شکوه عظیم نمیشود به بشیر دین الله و ابلاغ کلمه الله و فتح قاره آمریکا  
موفق ساخت و وسیله استقبال ملکه ای از ملکات و  
استقلالش در ظل امر حضرت رب الایات البیات گردید و امر وزیرین  
این نقش عظیمه الهیه و ظهور قوامی مکنونه اتمرار و انبساط روحانی

جدیدی سه اسر جمهوریات امریکای جنوبی را فرسوده کرده که  
فتوحات قرن اول بهائی را با فتوحات و فتوحتهای بدیعیه  
مزین و مطرز داشته است.

در این مقام که ذکر شوون همه و وقایع و حوادث خطیره دوره مبارک  
میثاق در میان است لازم است باخبارات و اندازات  
و وجود و بشاراتی که از قلم علم مرکز عهد مالک قدم نازل گشته است  
نمود و در بحر زخار کلماتش تعمق و تدبر کرد از جمله بیان ترقی سریع امر  
و ارتفاع کلمه الله و انتشار صیغه شریعه الله در اقطار و اقطار شامه  
جهان بشانی که مثل و مثل عالم از عظمت و سطوت آن بحسب  
دفعه آیند و زمامداران دروسای او میان بچوش و خروش افشند  
و بسزنی را سخ به «تثبیت انجمن رحمان و تشریح و تخریب

بنیان حضرت یزدان، گرایند قوله الکریم « امر عظیم است عظیم  
و مقاومت و مجامع جمع مل و امم شدید است شدید غریب نمره قابل  
افزیک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و آهت  
چین از دور و نزدیک بلند شود و کل بیجمع قومی بقاومت بر خیزند  
و فارسان میدان آلتی تبایدی از ملکوت ابی بقوت ایقان  
و جند عرفان و سپاه ایمان جند نناگت مفرود من الاحزاب  
را ثابت و آشکار کنند، دیگر اجتماع سلاله خلیل و انبار اسرائیل  
در ارض معیاد و نصب رایت امر الله در اقطار مصریه حصین بهب  
سنت و جماعت و انظار بساط قدرت و نفوذ علماء رسوم در ایران  
و خسران و خذلان شرمه قلیله فنه ناقضین عهد حضرت رب الیر  
در مرکز جهانی آئین یزدان دانش تاسیسات و مشروعات بهیه

در صبح جبل کرمل و آساع مدینه حفا و اتصال آن مدینه مدینه  
 منوره عکا و تسلیل و احدی که مقصد اداری و مرکز روحانی اهل  
 بهار در اعوشش خواهد گرفت دیگر افتخار و نقبت جلیلی که در جبل  
 ایام نصیب هموطنان جمال قدم در مهاد مرآت خواهد گردید و حکومت  
 آن ارض مورد نظر عالم و عالمیان خواهد گشت چنانکه منفری  
 «ایران سبب حیات جاودان جسمانیان گردد و علم صحیح  
 عمومی و امان در روحانیت محضه در قطب امکان برافرازد  
 و پهنین» عنقریب ملاحظه خواهد شد که دولت وطنی جمال مبارک  
 در جمع بسیط زمین مجربترین حکومت خواهد گشت و ایران معزیزین  
 بقاع عالم خواهد شد» دیگر مقام سرمد و مغبوطی که جامعه آسم  
 اعظم در قطعه امریک در ارجای ناموریت روحانی عظیمی که

بان جامعه متعدد و مفوض گردید و احسار خواهد نمود و بالاخره  
 در رأس این و عود و اشارات بشارت تحقق وحدت و اتحاد نوع  
 بشر و وصول یوم فحیم اتفاق و یگانگی یومی که «علم الهی جمیع  
 آنها بلند خواهد شد» و «مل و قبائل در ظل آن علم... در آیند»  
 و جمع «ملت واحد گردند و ضدیت نسیه و نذیبیه و بسا نیت  
 جنسیه و نوعیه و اختلافات وطنیه از میان خبر سیزد گل دین و حد  
 و مذہب واحد و جنس واحد و قوم واحد شوند»  
 و نیز مقتضی است تحولات و انقلابات عظیمه ای را که در درون  
 در وضع حکومت و تمثیت امور عالم در اقطار و افاق جهان رخ گشود  
 که اگر دید تحولات و انقلاباتی که از بدو اشراق این ظهور اعظم  
 از فلک المهر حضرت نقطه اولی در کتاب قیوم الاسماء اخبار

و در بیانات و خطبات قهریه جمال اقدس ابی خطاب بسطین  
 ارض در وسای اویان در سوره ملوک و کتاب مستطاب اقدس  
 تصریح و تاکید کرده است از آن جمله است تغییر سلطنت  
 مطلقه بر تعالی و تبدیل امپراطوری چین جمهوری و سقوط امپراطوریها  
 آلمان و اطیش در روس و سر نوشت خفت آمیز که نصیب ملوک  
 و زمامداران ممالک مذکوره گردید هم چنین قتل ناصرالدین شاه  
 سلطان ایران و خلع عبدالحمید سلطان آل عثمان این وقایع  
 مدینه و حوادث باطنه فی الحقیقه و نباله همان رشته تطورات  
 و تقلباتی است که مراحل اولیه آن در ایام حیات مبارک حضرت پیغمبر  
 آغاز و بانجام سلطان عبدالعزیز و سقوط تاریخی ناپلیون سوم  
 و انقضا جمهوری ثالث در و ال قدرت و سلطنت زینیه پاپ

منجر گردید و پس از ان فول کوکب شیاق و ایره آن بافتند  
 سلسله ملوک قاجار در ایران و ضحلال تخت و تاج اسپانیا و الغا  
 سلطنت و خلافت در ترکیه و ظهور آما رضعف و انحطاط شدید و حزب  
 و بر ذر علامت شکت و انحلال در جمع مشیرین ملت روح در شرق و نزول  
 مقام و توقیت بسیاری از تاجداران حاضر اروپا توسعه پذیرفت  
 و نیز این فصل تمام معنی قائمه نخواهد یافت مگر از نفوس حلیه فضلا و  
 دانشندان در رجال و شخصیه های همه ارض که در ایام میشتاق  
 به نیت و شای آن وجود اقدس پر داخته و سان تعظیم و تکریم امر  
 حضرت بهار الله گشوده اند یا نمود از آن جمله است کونستانتینوپول

پروفیسور آرمینیوس و امبری - پروفیسور گوست فورل - داکٹر  
 داوید اسٹار جردن - آرچڈیکن ویلبر فورس - پروفیسور جو  
 استاد اسکول بالیول - داکٹر چائین - داکٹر استلین کارپنٹر  
 استاد دارالفنون السفورو - وایکونٹ ساموئل اوکریل  
 لارڈ لیمنگٹن - سر والاس چیرل - ربای استون و این

1- Prof. Arminius Vambery 2- Prof. Auguste Forel

3- Dr. David Starr Jordan 4- Archdeacon Wilberforce

5- Prof. Jowett of Balliol 6- Dr. T. K. Cheyne

7- Dr. Estlin Carpenter of Oxford University

8- Viscount Samuel of Carmel 9- Lord Lamington

10- Sir Valentine Chirol 11- Rabbi Stephen Wise

شاہزادہ محمد علی از خاندان خدیو مصر - شیخ محمد عبدہ - حجت  
 پاشا - خورشید پاشا وغیرہ وغیرہ نفوس مذکورہ ہر ایک بر حسب  
 استعداد و مقام و مراتب عرفانی و روحانی خویش بر علو امرتہ  
 و عظمت کلمہ اللہ شہادت دادہ اند این شہادات و اعترافات  
 کہ گواہ صادق و دلیل قینی بر مراتب قدر و جلال و نفوذ و کثرت  
 انجین جمال اللہ سبحانی در دورہ مبارک میثاق محبوب و ارشون  
 ممتازہ و خصائص صلیہ این عصر اکرم فخرم شمارید یاد بعداً  
 در ارسد و خطابات متابعہ مہتوبہ از قلم ملکہ فخرندہ خال خدیوہ ملکہ و خوی  
 در بیان ستایش و نیایش تعالیم الہی و ایمان و ایتقان بطہور  
 آب سماوی و اثبات تھانیت امر متعس بہائی تقویت و تائید  
 کردید و بر وسعت و اہمیت بنفرد.

اما معاندین امر آنکه که نهایت قدرت و بهمت در اطهار سراج  
 میثاق کوشیدند و در قلع و قمع شجره مبارکه الهیه قیام نمودند عاقبت  
 بهمان سر نوشت و سواد مآلی گرفتار شدند که در ایام حضرت  
 نقطه اولی و جمال اقدس اسبی دشمنان پر کین شریعت الله که قصد خیر  
 و تدبیر نبیان حضرت یزدان را داشتند بدان مبتلا گردیدند  
 پادشاه جابر ایران مقبول و سلسله ملوک فاجار منقرض گردید عبد الحمید  
 معزول و مسجون و منکوب و مقهور شد و معرض قرح و ذم و دول  
 و مل سائره و لعن و طعن اتباع خویش قرار گرفت جمال ستمکار که با خود  
 عهد کرده بود حضرت عبد البهار را اعدام و روضه مبارکه را با خاک  
 یکسان نماید از بیم جان فرار کرد و به قفقاز یا پناهنده شد و  
 عاقبت بدست کلینگر از منی که بموطنانش مورد زجر و آزار و ظلم و کشتار

آن غدار است اگر گرفته بودند نقل رسیده جمال الدین افغانی که  
 عداوت و خصومتش نسبت بامر الله و نفوذ و رسوخش در افکار ازمیر  
 امین الهی در شرق ادنی مانعست می نمود پس از منقضی حیاتی مشجون  
 از حوادث و آلام بمرض سرطان مبتلا شد و قسمت اعظم زبانش  
 مقطوع گشت و با مال بذلت و فلاکت بی منتی در گذشت چهار نفر  
 اعضا هیأت خاسره تقصیر شیه که از مقرر خلافت برای محکومیت مرکز  
 میثاق اعزام شده بودند بجزای اعمال شنیعه خویش رسیدند و  
 هر یک بنوبت خود گرفتار مخاطره و ممالکی گشتند که نقشه از اجته  
 بیگل مبارک طرح می نمودند عارف بیک رئیس میثات که شب  
 هنگام قصد فرار داشت و میخواست از چنگال غضب جوانان ترک  
 خلاصی یابد بدف رصاص گردید و حکم قصاص در حق او جاری شد

او هم بیک بصر متواری گشت و کاشته وحی صبیح همتیش را درین  
 راه بر بود و اورا بضررت شدید انداخت بجدی که همه مصاریف  
 یومیه ناکریر در آن قطر با حبسای الهی متصل گردید و آنان در باره و  
 اعانت نمودند پس از حضور مبارک حضرت عبدالهبار استغاث  
 کمک و مساعدت کرد و بیک انور بلاد ملک مقرر فرمودند از قبل خورش  
 و جوی اعطا شود اما بعتنه ناپدید شد و اجبار برای اجرای دستور  
 مبارک هر چه تفحص کردند ویران یافتند و محض و بکر بهیت تقیثیه  
 یکی سر کون بدیا بعبیده گردید و دیگری در قرون ذلت لایحی  
 در گذشت بچی بیک مشهور رئیس پولیس عکا که پشتیبان ناقض البر  
 و آلت دست و وسیله اجراء مقاصد سیئه او بود از متعاش  
 معزول و خائب و خاسر شد و بقدر وفاقه افتاد و دست استعانت

بجانب بیک مبارک دراز نمود در اسلامبول در همان سنه که سلطان  
 آل عثمان از سلطنت خلع و مقهور گردید سی و یک تن از رجال و  
 سران دولت که جمعی از آنان در عداد دشمنان امراته بودند در  
 یوم واحد تسلیم و تسلیم چوبه داشتند و بنحو وضوح بعلت حمایت  
 از حکومت ظلم و جور سعی در اضمحلال آئین الهی و آزار و اذیت  
 روحانی بجازات و تنبیه خویش واصل گشتند.  
 در ایران گذشته از شخص سلطان ناصرالدین شاه قاجار که در اوج قدرت  
 امال و عظمت بوضع حیرت انگیزی از صفحه خاک محو گردید عده ای  
 از شاهزادگان و وزراء و پیشوایان مذهبی نینه که عملاً در توقف  
 و تدبیر و قتل و زجر و حبس و نفی جامعه ستمیده اهل بهائیت شرکت نمود  
 بودند از قبیل کامران میرزا نایب السلطنه جلال الدوله میرزا علی صاحب



آتابک عظم و شیخ محمد تقی مخفی مقرب باین ذنب یکی بعد از دیگری  
نفوذ و حیثیت خود را از دست دادند و بخران مال گرفتار شدند  
و برخی نیز در این جهان فانی بقدر کافی باقی ماندند تا آثار  
امرانند و ارتفاع کلمه الله و شهرت و اعتلاء شریعه الله را که نسبت  
بدان نهایت خوف و نفرت را داشتند بیده ظاهر شده  
نمایند و برباهی حال و سخافت اعمال خویش واقف و متحضر  
گردند.

بعضی از رؤسای ملت روح در ارض اقدس و مهد امرانند  
و ایالات متحده امریک نیز چون در دهریشاق پشرفت سیر  
ائمن آئی و نفوذ کلمه ربانی را در بین احزاب و فرق مسیحی آئی  
مشاهده نمودند و حقد و حسد شدید افتادند و نفوس فرسوده و مایه نند

و آترالسکی - ویلسن - ریچاردسن (۳) و ایستین (۴) از یم مقام و میوه  
خویش در صد و جلوه گیری از سل جارف امرانند برآمدند حال چون  
مراتب تدنی و انحطاط و شیت شمل و انحلال بعضی از انسیات  
و تسکلات کنسال انقوم را در ممالک اروپ و شرق وسطی و شرق  
آسیا در نظر آریم معلوم خواهد شد که این ضعف و اشتقاق و تدنی  
افتراق را موجبی حسنه مخالفت پاره ای از اعضا این مقامات  
روحانی با اتباع و پیروان شریعتی که مدعی اکمال و عده حضرت مسیح  
و استقامت ملکوت آئی در ارض میباشند نبوده و نخواهد بود و ملکو  
که آن روح مقدس نفضه بشارت داده و تحقق آنرا در بین ابناء بشر

1- Vatralsky

2- Wilson

3- Richardson

4- Easton

بجان و دل از ساحت قدس رحمانی سائل و آرزو مند بوده است  
 مرکز نقض و قطب شفاق که از بد و ظهور عهد و میثاق الهی  
 تا آخرین دقائق حیات پر و بالش در ارض بعناد و بغضاید  
 قیام نمود و در بد م نسیان در تزییف مرکز عهد حضرت یزدان سبی  
 بلع مبذول داشت و در بجاج و مخالفت گوی سبقت از دشمنان  
 خارجی امر بر بود با فضل در کات قنوط سقوط نمود و چون مطمع اعراض  
 میرزا یحیی نجبران منین مبتلا گردید افکار و آرب و اهیبه اش  
 هباید منشور شد و مخاخر و شون ماضیه اش کان لم یکن شد  
 مذکور بشمار آمد.

اما نفوس غافلده سافلده که در دام مکر و تیر ویر و حیلده و خداع  
 آن ناقص اشیم گرفتار شده بودند کل مخدول و مایوس و مقهور و سلب

گشتند برادرش میرزا ضیاء الله در جوانی در گذشت میرزا آقا جان  
 که دستخوش تقصیات سالار ملکت واقع شده بود سه سال پس از  
 ضیاء الله بخاک راجع گردید میرزا بدیع الله برادر دیگرش که  
 شریک و همکار و معاضد و دستیار عظم بود وی را ترک گفت و  
 اعمال قبیح اش را ضمن رساله ای بخله و مهر خویش اعلام کرد پس از  
 چندی مجدداً با او منضم شد ولی رفتار ناموزون و پر سیا هموی و حشر  
 بارید که او را از مرکز نقض جدا ساخت فروغیه ناخواهرش از  
 مرض سرطان هلاک گردید و سید علی شوهر خواهرش بحکله قلبی مبتلا  
 شد و قبل از آنکه فرزندانش با و برسند جان سپرد پس از سید علی  
 نیز و غفوان شباب بمرض پدر گرفتار آمد و راه عدم همی و محمد چو افرود  
 یکی از ناقصین مشهور بدلت و خواری افتاد و دست مقرر گردید شعاع

فرزند میرزا محمد علی که طبق الواح وصایا نسبت بقتل مرکز پیمان اهل  
 امید و آسپهان نموده و از طرف محور شقاق منظور افشاندن بذراحتلا  
 بین یاران و ابراز معاضدت و اتفاق با ابراهیم خیر الله محرک فساد  
 در امریک بدان سان اعزام شده بود بادست تهمی مبرک خویش  
 برگشت و از این با مویرت منفعل و شرمسار گردید.

جمال بر وجه بر دی بزرگترین مدافع و حامی قطب نفاق در ایران  
 بدرض نفرت انگیزی مبتلا گردید و بجاک نذلت و فلاکت افتاد سید  
 مهدی دهجی که مبرک خیر شقاق خیانت نمود و به تله ناقضین پیوست  
 گناه مغلوب شد و در فقر و فاقه مردوزن و در سوزندش بومی  
 نامش گشتند میرزا حسنعلی جهرمی و میرزا حسین شیرازی خرطومی و  
 حاجی محمد حسین کاشانی که از اعمال و ایادی فساد ناقض الکر در ایران

و هندوستان و بر مصر محسوب میشدند بی نام و نشان در سوای  
 خاص و عام گشتند ابراهیم زیم آن عنصر مغرور و لئیم که در مدت بیست  
 در امریک علم خلاف بر افراشت و بذرتفاق و غنا و بکاشت و با نهایت  
 جسارت و وقاحت بیانات مبارک حضرت عبدالبهادر العباد بانه  
 «تعلیمات بی اساس» خواند و دعوی نمود که مرکز عهد الهی زمین  
 منصوص بزوانی «امر بهائی را بر خلاف مقصد حقیقی منظور  
 واقعی آن معرفی نموده و پرده بر حقایق امور کشیده است» و همچنین  
 سافرت مبارک با امریک را در ضربت جعلی بر پیکر امرالله  
 تلقی نمود پس از این ترهات و اراجیف در حالی که جامعه بهائیان  
 آن ارض که موسسین آنرا خود بشریعه الهیه خوانده کلا از وی متنفر و برآ  
 گشتند در همان سرزمین که شاهد عظمت و جلال آن نورسین بود

با خذلان و خسران عظیم در گذشت و در ملک و ملکوت دلیل و حجت  
گردید.

سایر اعوان و انصار ناقص میثاق که یا جهراً و صریحاً پروا نکا  
وی بوده و یا در پرده و خفا با او عهدستان و بظاهر اظهار ثبوت و  
رسوخ نمیدادند بعضی با لبال نادم و پشیمان گشتند و مورد عفو و بخشش مولا  
مهربان واقع شدند و برخی در خفوات یاس و حرمان بخزیدند  
و کجلی ایمان و ایقان خویش را از دست بردادند قلبی راه از داد  
پیموند و گردوی طریق فنا و ضحکلال سپردند و قطب شتاق مجرود  
منفرد و مطرود و مردود باقی ماند و از هر یار و همسینی جز نشستی از  
نزدیکان و اقارب بی بصر محروم گردید این نادم نسبتاً که در طلب  
شهرت و کسب مقام کمال کسناخی در مقابل حضرت عبدالبهاء

اظهار داشت که بدوام و بقای خود پس از میل اطرطیمنان  
و تضمینی ندارد مدت بمیت سنه پس از ان فول کو کلب میثاق و قید  
حیات باقی ماند تا خبیت آمال خویش را برای العین مشاهده نماید  
و نصرت و غلبه ثابتن بر پیمان را مشهوداً و علانیته ملاحظه کند این  
نخستیم در نتیجه بحرانی که پس از صعود و مرکز عهدان بر پیمان نمودار بود  
مقام اسنی در دوزخ مبارکه علیاً محروم گردید و در صحرای سیاهی را که در اثر  
غفلت و تسامح بنیش بوضع تاثر آمیزی ویران و بی سر و سامان  
انگشاده بود با زام تخلیه کرد و در زاویه حیرت منگول مادی گردید تا جایی  
بفصل اعضا مستلا شد و نمی از بدنش از کار بیفتاد و آلام و اوجاع  
بر وی ستولی گردید و در نهایت خسران مبین و دولت عظیم  
در گذشت و طبق شعار اسلامی در جوار یکی از مرقد آن قوم دفن شد

و قبرش متروک بماند حتی سگی بر آن نهد و نه شده نام و نشان  
منظور گشت قد اخذت زبانیه لعمریه من لدن مقتدر قهار و  
بقیت قصه عبره لنا ظمین و موعظه و ذکر فی المتبصرین . انتهى